



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

۹۸۹

شماره چاپ

۴۵۹

شماره ثبت

دوره هفتم - سال دوم

تاریخ چاپ ۱۳۸۴/۶/۱۰

دو شوری

لایحه تجارت

جلد اول

(از ماده ۱ تا ۵۵۵)

اقتصادی

کمیسیونهای ارجاعی، اصلی:

اجتماعی - صنایع و معادن - عمران - قضایی و حقوقی

فرعی:

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

شماره ۳۳۲۰۱/۲۸۵۰۹

تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۰

جناب آقای حدادعادل

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه تجارت که بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۵ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می شود.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهور

یکی از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت کشور، نهادهای پویا از جمله نهادهای حقوقی می باشد. در این راستا سعی و اهتمام براعتلای قوانین به عنوان عنصر اصلی نهاد حقوقی کشور از اولویتهای اساسی است.

شکوفایی اقتصاد ملی به عنوان یک عرصه مهم نیازمند قوانینی است که در عین جذاب و شفاف ساختن محیط کسب و کار با توجه به ویژگیهای ملی و در تعامل با تحولات

اقتصاد جهانی یا به نظم کشیدن روابط اقتصادی از حقوق فعالان این عرصه پشتیبانی کند. در بین قوانین اقتصادی بی تردید قانون تجارت بی همتا می باشد. مجموعه ای که در گستره ای بسط و در عین حال منسجم مقررات مختلفی از تعریف تاجر گرفته تا قراردادهای تجاری، از اسناد تجاری تا حقوق شرکتها و از ثبت تاجر تا تصفیه و ورشکستگی آن و حوزه های فراوان دیگر را به نظم درمی آورد. از این رو چه از لحاظ گستردگی موضوعات و چه از باب حساسیت آنها بی نظیر است.

قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ که از قانون تجارت ۱۸۰۷ کشور فرانسه اقتباس شده است، علی رغم گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن و دگرگونی در شرایط اقتصاد جهانی و اوضاع و احوال اجتماعی با تحولات اجتماعی و تغییر روابط اقتصادی و تجاری هماهنگی ندارد. این قانون که در حیطه خود قانون مادر محسوب می شود، توان بهره برداری از فناوریهای روز و نیز توان همگامی با شرایط اقتصادی امروز را ندارد و در مورد بسیاری از موضوعهای تجاری نظیر سرمایه گذاری خارجی، تجارت الکترونیکی، تجارت دریایی، مایه تجاری، سرقتی، بورس، بانکداری، بیمه و مالکیت های صنعتی نارسا می باشد.

با عنایت به قدیمی و نارسا بودن قانون یادشده و لزوم تحول و بازنگری در قوانین قدیمی به منظور پویا نمودن آن و تطابق با تحولات اجتماعی و اقتصاد جهانی، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می شود:

لایحه تجارت

باب اول - تجار و معاملات تجاری

ماده ۱ - تاجر شخصی است که به منظور کسب منفعت مادی، برای خود به فعالیت تجاری اشتغال دارد.

ماده ۲ - فعالیت‌های ذیل ذاتاً تجاری محسوب می‌شوند:

الف - هرگونه فعالیت توزیعی یا خدماتی، مانند:

۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال جاندار یا بی جان، مادی یا غیر مادی به قصد فروش یا اجاره، هر چند که از طریق شبکه‌های الکترونیک و در فضای مجازی انجام شده باشد.

۲ - تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای تسهیل زندگی و تدارک و عرضه کالا یا خدمات ایجاد می‌شود، از قبیل: امانت فروشی‌ها، انبارهای عمومی، بنگاههای کاریابی و تأمین خدمه، آبرسانی، گازرسانی، برق‌رسانی، خدمات رایانه‌ای، تهیه و رساندن ملزومات مانند تدارک نیازهای روزانه منازل و اماکن و سوخت و انرژی مورد نیاز کارخانجات، کشتی‌ها و سفاین و امثال آن.

۳ - تصدی به هر نوع تأسیسات از قبیل مجتمع‌های تفریحی یا ورزشی، هتل‌ها و مهمانسراها، کمپینگ‌ها، پارکینگ‌های عمومی، سالن‌های مختص جشن‌ها و میهمانی‌ها و کنفرانس‌ها، سالن‌های آرایش و زیبایی و مجتمع‌های خدمات بهداشتی، داروخانه‌ها و مؤسساتی که خدمات تبلیغی و مهندسی و فنی ارائه می‌دهند.

ب - هرگونه فعالیت تولیدی یا صنعتی مانند:

۱ - تأسیس و بهره‌برداری از هر قسم کارخانه، اعم از تأسیسات تبدیل یا تولید هر نوع

مواد مصرفی و مواد اولیه و ساخت انواع ماشین آلات صنعتی، تولیدی، کشاورزی و بهداشتی، انواع خودروها، کشتی‌ها، هواپیماها و هاورکرافت‌ها و معاملات راجع به آنها.

۲- تأسیس و بهره‌برداری از مجتمع‌های کشاورزی، دامپروری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور و کشتارگاهها و امثال آن.

۳- تصدی به هرنوع عملیات حمل و نقل کالا یا مسافر از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحو که باشد.

۴- بهره‌برداری از معادن، در خشکی باشد یا در آب، اعم از معادن مربوط به جمادات، مایعات، یا گازها و همچنین تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی از قبیل سینماها، تئاترها، سیرک‌ها، باغ وحش‌ها، استادیوم‌های ورزشی، فرهنگسراها، موزه‌ها نمایشگاه منطقه‌ای یا بین‌المللی کالاها، صنایع و امثال آن.

ج- هرگونه فعالیت مالی مانند: تصدی به عملیات بانکی، صرافی، مؤسسات مالی و اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه و عملیات بورس و بیمه و هرنوع عملیات براتی اعم از صدور و انتقال یا ظهرنویسی برات یا سفته اعم از کاغذی و الکترونیکی.

د- هرگونه فعالیت معاضدتی و واسطه‌ای مانند: تصدی به عملیات دلالی و تسهیل معاملات منقول یا غیر منقول، همچنین تصدی به هر قسم حق‌العملکاری، نمایندگی تجاری و عملیات حراجی.

ماده ۳- کلیه فعالیت‌های تجار، تبعاً تجارتمی محسوب می‌شود، مگر ثابت شود که مربوط به امور تجارتمی نیست. هرگونه تعهد قراردادی یا قانونی تاجر که به مناسبت یا برای اجرای فعالیت‌های تجارتمی وی ایجاد شده نیز تجارتمی محسوب می‌شود.

تبصره - فعالیت‌هایی که نمایندگان یا قائم‌مقامهای تاجر از طرف وی انجام می‌دهند در حکم فعالیت‌های خود تاجر می‌باشد.

باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول - دفاتر تجارتي

ماده ۴- هر تاجر، به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر (کاغذی یا الکترونیکی) زیر یا دفاتر دیگری را که دولت به موجب آئین نامه جایگزین آنها قرار می دهد، داشته باشد:

۱- دفتر روزنامه

۲- دفتر کل

۳- دفتر دارایی

۴- دفتر ثبت مکاتبات

تبصره - آئین نامه مربوط به دفاتر و نحوه تنظیم و نگهداری آنها را وزارتخانه های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، ظرف مهلت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون و با توجه به قانون تجارت الکترونیکی و توسعه و تحول وضع اقتصادی کشور و حجم فعالیت تجار و شیوع سیستم های نوین حسابداری رایانه ای تنظیم می نمایند. این آئین نامه پس از تصویب هیأت وزیران لازم الاجراء خواهد شد.

ماده ۵- دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید کلیه عملیات مالی اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند یا مالی را مقید کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفتری در پایان دوره مالی برای تنظیم صورتهای مالی لازم است را بلااستثناء و هر روز به ترتیب در آن ثبت کند.

تبصره - تاجر می تواند برای ثبت کلیه عملیات دفتر روزنامه واحد و یا دفاتر روزنامه متعدد برای هر طبقه یا طبقاتی از آنها داشته باشد، از قبیل دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک و دفاتر روزنامه غیر نقدی مانند خرید و فروش نسبه و اقساطی و یا چند مورد از حسابها.

ماده ۶ - دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه بر حسب سرفصل یا کدگذاری حسابها در صفحات مخصوص آن ثبت می شود به ترتیبی که بر اساس آن تنظیم صورتهای مالی امکان پذیر باشد.

تبصره ۱ - کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه در هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود.

تبصره ۲ - تجاری که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روشهای حسابداری، خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود که دارای دفاتر قانونی باشند را ماه به ماه و در غیر این صورت لااقل سالی یک بار در دفاتر خود ثبت کنند.

ماده ۷ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز مرتب کند و در آن دفتر ثبت و امضاء کند و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۸ - دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مکاتبات و صورت حسابهای وارده و صادره و قراردادهای تاجر اعم از کاغذی یا الکترونیکی به ترتیب تاریخ و با قید شماره باید در آن ثبت شود.

ماده ۹ - در صورتی که دفاتر مذکور در ماده (۴) این قانون (به استثناء دفتر ثبت مکاتبات) به صورت کاغذی تنظیم و نگاهداری شوند باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء و تعداد صفحات و مشخصات کامل صاحب دفتر در صفحات اول و آخر آن نوشته شود. این

دفاتر باید دارای نمره ترتیبی باشد و کلیه معاملات و عملیات مالی به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوص به آن نوشته شود. هرگونه تراشیدن، حک کردن، جای سفید گذاشتن، پائین خطوط نوشتن و امثال آن در این دفاتر ممنوع است.

تبصره ۱ - ضوابط مربوط به تنظیم، نگهداری و قابلیت استناد دفاتر الکترونیکی، به ترتیبی که در تبصره ماده (۴) این قانون پیش‌بینی شده، تنظیم خواهد شد.

تبصره ۲ - تاجر باید دفاتر هر سال مالی اعم از کاغذی و الکترونیکی را حداقل ده سال پس از پایان آن سال مالی نگهداری کند.

ماده ۱۰ - دفاتر موضوع ماده (۴) این قانون و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون تنظیم شود بین تاجر در امور تجاری اعتبار دارد و در هر صورت در برابر صاحب آن قابل استناد است.

تبصره - هرگاه دفاتر تجاری به صورت الکترونیکی تنظیم شده باشد، در صورتی قابل استناد است که سندیت آن طبق قانون تجارت الکترونیکی پذیرفته شود.

ماده ۱۱ - تخلف از مواد (۴) و (۹) مستلزم ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال جزای نقدی است و قطع نظر از تقاضای مدعی خصوصی یا مقامات قضایی، دادگاه تجاری می‌تواند رأساً حکم بدهد. این مجازات مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته‌ای که دفتر مرتب ندارد، نیست.

فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۲ - گروه اقتصادی با منافع مشترک و تاجر به استثناء کسبه جزء باید نام خود را طبق آئین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت دادگستری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، در

دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند. متخلف از اين حكم به جزای نقدي از ده ميليون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ريال تاسی ميليون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ريال محكوم خواهد شد. ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي اماره تاجر بودن ثبت کننده است.

وزارت دادگستري موظف است ظرف سه ماه از تصويب اين قانون آئين نامه اين ماده را تهيه و به تصويب هيأت وزيران برساند.

تبصره ۱ - اسم و مشخصات تاجري که طبق آئين نامه مربوطه در دفتر ثبت تجارتي ثبت نام می کند، بايد در روزنامه رسمي جمهوری اسلامی و یک روزنامه کثيرالانتشار برای اطلاع عموم آگهی شود و اشخاص می توانند با مراجعه به دفتر ثبت، اطلاعات راجع به تاجر را مطالبه کنند و از آنها رونوشت بگيرند.

تبصره ۲ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتي را وزارت دادگستري با تصريح به موضوعاتی که بايد به ثبت برسد به موجب آئين نامه معين خواهد کرد.

ماده ۱۳ - هر تاجر، به استثناء کسبه جزء بايد در کليه اسناد، اوراق، صورتحسابها، آگهی ها، تابلوها و ساير مکتوبات خطی يا چاپی يا الکترونيکی خود تصريح کند که با چه شماره ای به ثبت رسیده است والا به جزای نقدي از ده ميليون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ريال تاسی ميليون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ريال محكوم می شود.

ماده ۱۴ - کسبه جزء و ضوابط مرتبط با فعاليت آنها مطابق آئين نامه ای که ظرف شش ماه پس از تصويب اين قانون به پيشنهاد وزارت بازرگانی تهيه و به تصويب هيأت وزيران می رسد، معين می شود.

فصل سوم - نام تجارتي

ماده ۱۵ - نام تجارتي، اسم يا عنوانی است که نمايانگر يا مشخص کننده تاجر باشد.

ماده ۱۶ - فعالیت تحت یک نام تجاری در صورتی مجاز است که نام تجاری ثبت شده باشد.

ماده ۱۷ - نام تجاری نباید طوری انتخاب شود که موجب اشتباه گردد. مثلاً تاجری که دارای شریک نیست نمی‌تواند برای بنگاه تجاری خود اسمی انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد، یا اسمی انتخاب کند که به نام تاجر دیگری مشتبه شود، همچنین هر اسمی که استفاده از آن برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، ممنوع است.

ماده ۱۸ - پس از ثبت نام تجاری، برای دارنده آن حق انحصاری ایجاد می‌شود هیچ تاجری نمی‌تواند نام تجاری ثبت شده دیگران را برای فعالیت تجاری خود انتخاب کند، خواه به صورت اسم یا علامت تجاری باشد. همچنین استفاده از اسم یا علامت تجاری مشابه که باعث گمراهی عموم شود ممنوع است، هر چند که نام خانوادگی تاجر باشد.

ماده ۱۹ - نام تجاری تنها به همراه سرمایه تجاری قابل انتقال است.

ماده ۲۰ - وزارتخانه‌های دادگستری و بازرگانی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون آئین‌نامه مربوط به شرایط و ضوابط ثبت نام تجاری را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسانند.

باب سوم - قرارداد های تجاری

فصل اول - دلای

ماده ۲۱ - دلال شخصی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملات می‌شود یا برای شخصی که مایل به انجام دادن معامله‌ای است، طرف معامله پیدا می‌کند. جز در موارد

مصوح در این قانون، قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

ماده ۲۲- دلال می تواند در انواع فعالیت های تجارتي مربوط به خدمات و کالا، اعم از معاملات منقول و غیر منقول و عملیات بیمه و حمل و نقل و غیره، به عنوان واسطه دخالت کند.

ماده ۲۳- دلال می تواند به فعالیت تجارتي به سود خود نیز بپردازد، اما به هیچ عنوان نمی تواند در موضوع دلالی به حساب خود اقدام کند.

تبصره - چنانچه دلال به هر عنوان به حساب خود به معاملاتی بپردازد که در آن موضوع اقدام به دلالی می کند، معامله او باطل است و به جبران خسارت زیان دیده از این اقدام محکوم می شود.

ماده ۲۴- دلال باید با صداقت و دوطرف معامله را از جزئیات قرارداد آگاه سازد و در مقابل هر یک از آن دو، مسؤول تقلب و تقصیر خویش است هر چند دلالی را فقط برای یکی انجام داده باشد.

ماده ۲۵- هیأت عالی نظارت موضوع ماده (۱۱) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ مکلف است با رعایت قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ و اصلاحات آن، فعالیت واحدهای صنفی را که به دلالی اشتغال دارند در چهارچوب اتحادیه های صنفی انتظام بخشد و بر تدوین موازین و ضوابط حرفه ای لازم توسط تشکل های صنفی مزبور نظارت کند، به گونه ای که هر تشکل تا پایان یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون دارای ضوابط و مقررات لازم شود. دلالی در رشته هایی که دارای مقررات خاص هستند از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۶- دلال نمی تواند از سوی یکی از دو طرف معامله دریافت وجه یا تأدیه دین کند یا تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد، مگر اینکه چنین اجازه ای را داشته باشد.

ماده ۲۷ - دلال مسئول اشیاء و اسنادی است که در جریان معامله به او داده شده، مگر اینکه ثابت کند ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور ناشی از علتی است که به شخص یا خدمه و کارکنان او مربوط نبوده است.

ماده ۲۸ - در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدهای دو طرف یا زمانی که در قرارداد قید شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد.

● ماده ۲۹ - حکم ماده (۲۳) این قانون در مورد افشاء هرگونه اسرار و اطلاعات دو طرف معامله، که دلال به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است نیز جاری است. اطلاعاتی که برای انجام صحیح وظایف دلالی، مطابق ماده (۲۴) این قانون باید به اطلاع دو طرف معامله برسد، مشمول این حکم نیست. همچنین است اطلاعاتی که عرف حرفه‌ای انتقال آن را به دیگران مباح می‌دانند، و زیانی به بار نمی‌آورد.

ماده ۳۰ - دلال می‌تواند در یک زمان برای چند امر دلالی کند، در این صورت، باید آمران را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود، آگاه سازد.

ماده ۳۱ - هرگاه اسناد معامله انجام شده توسط دلال بین دو طرف رد و بدل شود، در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که توسط او معامله کرده‌اند، دلال ضامن اصالت امضای آن اسناد است.

● ماده ۳۲ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و اجرای معاملاتی که توسط او انجام می‌شود، نیست.

ماده ۳۳ - دلال مسئول ارزش و کیفیت و جنس موضوع مورد معامله نیست، مگر این‌که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است.

ماده ۳۴ - هرگاه معامله‌کننده به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کند، دلال ضامن

اعتبار معامله و اجرای تعهدهای ناشی از آن در برابر او است.

ماده ۳۵- در صورتی که دلال در نفس معامله متفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد وگرنه مسؤول خسارات وارده می‌باشد.

ماده ۳۶- در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده ۳۷- دلال نمی‌تواند اجرت دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۸- دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر کسی که به او مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام کند یا برخلاف عرف تجارتهی محل از آن طرف وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند در این صورت مستحق دریافت اجرت و مخارجی که کرده است نخواهد بود.

تبصره - هرگاه اتمام معامله منوط به حصول شرطی باشد، دلال پس از تحقق شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۳۹- مخارجی را که دلال با اذن یا اجازه آمر می‌کند، حتی در فرض انجام نشدن معامله نیز قابل مطالبه است. همچنین است در موردی که عرف تجارتهی محل به پرداخت هزینه‌ای حکم کند.

ماده ۴۰- در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از اختیارات فسخ بشود حق دلالی از بین نمی‌رود، مشروط بر این که انحلال معامله منتسب به دلال نباشد.

ماده ۴۱- دلالی معامله ممنوع اجرت ندارد.

ماده ۴۲- دلال باید علاوه بر دفاتر موضوع ماده (۴) این قانون، در دفتر ویژه‌ای کلیه معاملات را که به دلالی او انجام گرفته‌اند با ذکر مشخصات معامله و طرفهای معامله ثبت

کند.

نحوه تنظیم این دفتر و چگونگی ثبت معاملات را آئین‌نامه‌ای که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی و دادگستری می‌رسد، معین خواهد کرد.

فصل دوم - حق‌المملکاری

ماده ۴۳ - حق‌المملکاری قراردادی است که به موجب آن شخصی که حق‌المملک‌کار نامیده می‌شود بنا به درخواست دیگر که آمر می‌باشد، معامله یا معاملات مشخصی را در ازای کارمزدی معین، به نام خود و به حساب آمر انجام می‌دهد.

ماده ۴۴ - در مواردی که در این قانون سکوت شده است، مقررات راجع به وکالت در حق‌المملکاری جاری خواهد بود.

ماده ۴۵ - حق‌المملک‌کار باید آمر را از جریان اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله، بی‌درنگ مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به آمر اطلاع دهد.

ماده ۴۶ - حق‌المملک‌کار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست، مگر در مواردی که به حکم قانون و یا دستور آمر بیمه اجباری باشد.

ماده ۴۷ - اگر کالایی که به منظور فروش برای حق‌المملک‌کار ارسال شده است، معیوب باشد، حق‌المملک‌کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، به نحو مقتضی برای محافظت کالا، اقدامات لازم را به عمل آورد و آمر را از اقدامات خود آگاه کند، وگرنه مسؤول خسارت ناشی از این غفلت است.

ماده ۴۸ - اگر بیم فساد سریع کالایی رود که نزد حق‌المملک‌کار برای فروش ارسال شده

است، در صورتی که منافع آمر ایجاب کند، حق العملکار مکلف است کالا را با اطلاع دادستان یا نماینده او به فروش برساند.

ماده ۴۹- اگر حق العملکار کالا یا خدمات را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است، بخرد در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العملکار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتری به آمر بوده و تحصیل اجازه آمر به هنگام، مقدور نبوده است.

ماده ۵۰- اگر حق العملکار تقصیر کرده باشد، مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی شده است.

ماده ۵۱- اگر حق العملکار، کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است، بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است، بفروشد حق استفاده از تفاوت قیمت را ندارد و باید آن را به حساب آمر محسوب کند.

ماده ۵۲- اگر حق العملکار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا برای خرید پیش پرداخت دهد، ضررهای ناشی از آن برعهده خود او است. با وجود این در صورتی که عرف تجار تی فروش نسیه یا پیش پرداخت را ایجاب کند، حق العملکار ماذون به آن محسوب می شود، مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۵۳- حق العملکار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر این که مجاز به معامله اعتباری نباشد یا ضمانت طرف معامله را کرده باشد یا عرف تجار تی او را مسؤول شناسد.

ماده ۵۴- هزینه های لازم برای انعقاد معامله و اجرای تعهدات ناشی از آن، مانند انبارداری و حمل و نقل و بیمه، به عهده آمر است و اگر حق العملکار پرداخته باشد، می تواند آن را مطالبه کند. همچنین است هر پرداخت دیگری که در جریان معامله به سود آمر انجام

شده است.

ماده ۵۵ - وقتی حق العملکار مستحق کار مزد می شود که معامله انجام شده باشد، نسبت به مواردی که عدم انجام آن مستند به فعل آمر یا سبب دیگری بوده است، حق العملکار مستحق اجرتی است که عرف برای اقدام او معین می کند.

ماده ۵۶ - اگر حق العملکار رعایت امانت را نکند و به عنوان مثال بهایی بیش از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش به حساب آمر منظور دارد، مستحق کار مزد نیست و آمر می تواند خود طرف معامله با خریدار یا فروشنده قرار گیرد. این امر مانع از اجرای مجازات خیانت در امانت نخواهد بود.

ماده ۵۷ - حق العملکار در مقام وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله و قیمتی که اخذ کرده است حق حبس دارد.

ماده ۵۸ - اگر فروش کالا ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را پیش از حد متعارف نزد حق العملکار بگذارد، حق العملکار می تواند آن را با نظارت دادستان یا نماینده او از طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد، فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد. در هر حال قبلاً باید به نحو مضبوطی به او اطلاع داده باشد، مگر این که کالا ضایع شدنی یا سریع الفساد باشد.

ماده ۵۹ - اگر حق العملکار مأمور به خرید یا فروش کالا یا اسناد تجاری یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، می تواند خود طرف معامله قرار گیرد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. در این صورت طرف معامله بودن حق العملکار مانع از مطالبه هزینه های قراردادی یا متعارف حق العملکار نیست.

ماده ۶۰ - در موردی که حق العملکار می تواند طرف معامله قرار گیرد، اگر انجام معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می شود.

ماده ۶۱- اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق‌العملکار قبل از ارسال خبر معامله، از این رجوع مطلع گردد دیگر نمی‌تواند معامله‌ای را انجام دهد.

ماده ۶۲- معاملاتی که حق‌العملکار انجام می‌دهد برای آمر محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن را در معامله تصریح کند یا بعد خلاف آن ثابت شود ولی اگر موضوع معامله مال معین و متعلق به آمر باشد، آن معامله برای آمر محسوب می‌شود.

فصل سوم - حمل و نقل

ماده ۶۳- تعاریف:

- ۱- قرارداد حمل و نقل: پیمانی است که به موجب آن شخصی که متصدی حمل و نقل نامیده می‌شود در برابر دیگری تعهد می‌کند که در مقابل اجرت، اشخاص یا کالاها را با شرایط معین و با وسیله معینی از محلی به محل دیگر حمل کند.
- ۲- متصدی حمل و نقل: شخصی است که در مقابل اجرت، تصدی به حمل کالاها یا اشخاص را برعهده می‌گیرد.
- ۳- حمل و نقل کننده فرعی: شخصی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل به او واگذار می‌شود. این تعریف شامل هر شخص دیگری هست که اجرای تمام یا بخشی از قرارداد به وی واگذار شده است.
- ۴- فرستنده: شخصی است که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است.
- ۵- گیرنده: شخصی است که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد.
- ۶- کالا: کالا شامل هرگونه مال اعم از اموال و اشیاء جامد یا مایع یا گاز و حیوانات

می‌گردد. در موردی که کالا در داخل کانتینر، جعبه، قفس یا پالت یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کلمه کالا شامل کانتینر، جعبه، قفس، پالت و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

۷- بارنامه: سندی کاغذی یا الکترونیکی است که به تقاضای فرستنده و به وسیله متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر و توسط اشخاص یاد شده امضاء گردیده و مشخصات کامل کالا در آن قید شده است و دلیل وجود قرارداد حمل و نقل و رسید تحویل کالا به متصدی حمل و نقل محسوب می‌شود. عدم صدور بارنامه یا ناقص بودن آن تأثیری بر اعتبار قرارداد حمل و نقل ندارد.

۸- دوره مسؤلیت متصدی حمل و نقل کالا: دوره مسؤلیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه‌ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار و تحت کنترل وی، نماینده یا قائم مقام وی قرار می‌گیرد تا زمانی که در مقصد در اختیار و تحت کنترل گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

۹- دوره مسؤلیت متصدی حمل و نقل مسافر شامل مدتی است که مسافر در سالن یا سکوی مخصوص سوار شدن و در حال سوار شدن، داخل وسیله نقلیه و در حال پیاده شدن از آن است.

ماده ۶۴- قرارداد حمل و نقل، تابع این قانون است مگر آن که قانون دیگری مقررات خاصی برای آن وضع کرده باشد. در موارد سکوت، قرارداد حمل و نقل تابع قواعد عمومی وکالت است.

ماده ۶۵- فرستنده باید این اطلاعات را به متصدی حمل و نقل ابلاغ کند:

۱- نشانی صحیح گیرنده.

۲- محل تحویل کالا.

۳- نوع کالا و مشخصات آن، اعم از تعداد، مقدار و وزن. چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای گرانبها، حیوانات، کالاهای خطرناک و آتش‌زا، تیخیر شونده، فاسد شدنی و خورنده، باید اطلاعات مربوط به آن نیز به وضوح ارائه شود. چنانچه فرستنده اطلاعات یاد شده را ارائه نکند یا به غلط ارائه دهد خسارت‌های ناشی از آن بر عهده وی خواهد بود.

ماده ۶۶- فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری و بارچینی نادرست بر عهده متصدی حمل و نقل است.

ماده ۶۷- اگر بسته‌بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل کالا را بدون قید عدم مسؤلیت قبول کرده باشد مسؤول خسارات خواهد بود.

ماده ۶۸- فرستنده می‌تواند مادام که کالا در اختیار متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده پس بگیرد، مگر در موارد ذیل:

۱- در صورتی که بارنامه به گیرنده کالا تسلیم شده باشد.

۲- در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده و فرستنده نتواند آن را

پس دهد.

۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴- در صورتی که پس از وصول کالا به مقصد گیرنده تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. مع‌ذلک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده مادام که بار به مقصد نرسیده مکلف به رعایت

دستورگیرنده نخواهد بود مگر این که رسید به گیرنده تسلیم شده باشد.

۵- فرستنده نمی تواند دستوری بدهد که موجب تقسیم شدن کالا به دو یا چند قسمت شود.

ماده ۶۹- اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تأدیبه نشود یا به گیرنده دسترسی نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع فرستنده برساند و کالا را نزد خود به امانت نگاه دارد یا نزد دیگری به امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج ناشی از این امر به عهده فرستنده خواهد بود. اگر فرستنده یا گیرنده در مدت مناسبی تکلیف بار را معین نکند، متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده (۴۸) این قانون آن را به فروش رساند. متنها، باید فرستنده و گیرنده را از این که بار به فروش خواهد رسید، از قبل آگاه کند، مگر این که مقدور نباشد.

ماده ۷۰- اگر کالا در معرض تفسیح سریع باشد یا قیمتی که می توان برای آن فرض کرد مخارجی را که برای آن می شود، تأمین نکند، متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع دادستان محل یا نماینده او برساند و با نظارت او مال را به فروش برساند. متنها، باید فرستنده و گیرنده را از این که مال التجاره به فروش خواهد رسید، در صورتی که ممکن باشد، از قبل آگاه کند.

ماده ۷۱- اگر کالا تلف، ناقص یا گم شود متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت آن است، مگر این که ثابت کند تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود کالا یا مستند به تقصیر فرستنده یا گیرنده یا ناشی از دستورها و اطلاعاتی بوده است که یکی از آنها داده اند یا به حادثی مربوط می شود که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند. دو طرف می توانند در قرارداد برای میزان خسارات مبلغی زیادتر از قیمت کامل کالا معین کنند. اما شرط خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۷۲- متصدی حمل و نقل مسؤل جبران هرگونه خسارت جانی، مادی و معنوی مسافران است مگر آن که ثابت کند خسارت در نتیجه تقصیر خود مسافر حادث شده یا ناشی از قوه قاهره یا علت خارجی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نمی توانسته از آن جلوگیری کند.

ماده ۷۳- در مورد خسارت های ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص یا سایر خسارات کالا نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسؤل خواهد بود. خسارات مزبور نمی تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام کالا حکم به آن شود تجاوز کند، مگر این که دو طرف در قرارداد به نحو دیگری توافق کرده باشند.

تبصره ۱- تأخیر در تحویل هنگامی رخ می دهد که کالا در مدت یا زمان مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت معقولی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می رود، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره ۲- اگر شصت روز تمام پس از گذشتن موعد تحویل مطابق تبصره (۱) این ماده، کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می تواند آن را تلف یا گم شده فرض کند.

ماده ۷۴- متصدی حمل و نقل مسؤل خسارات است که در دوره حمل و نقل واقع شده اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده فرعی را مأمور کرده باشد.

بدیهی است که در صورت اخیر رجوع او به حمل و نقل کننده فرعی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده ۷۵- متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را آگاه کند.

ماده ۷۶- اگر گیرنده هزینه های حمل و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل

بر اساس توافق دو طرف، مقررات عرف تجارتي ادعا دارد، قبول نکند حق تقاضای تحویل را نخواهد داشت، مگر این که مبلغ مورد اختلاف را تا پایان دعوا در صندوق دادگستری به ودیعه گذارد.

ماده ۷۷- اگر گیرنده کالا را بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن را پرداخت کند، دعوی او از این بابت مسموع نیست، مگر در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین متصدی، به علاوه متصدی حمل و نقل مسؤول خسارت غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که گیرنده آن خسارت را مشاهده و حداکثر ظرف سی روز تقویمی بعد از تحویل کالا به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

ماده ۷۸- در هر مورد که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلاف باشد، دادگاه تجارتي صالح می تواند به تقاضای یکی از دو طرف دستور دهد کالا تا پایان دعوا نزد ثالثی امانت بماند یا در صورت ضرورت فروخته شود. فروش کالا باید پس از تنظیم صورت مجلسی که حاکی از وضع کالا و ضرورت فروش باشد به عمل آید. با پرداخت تمام مخارج و جوهی که بر اساس توافق دو طرف و مقررات ادعا می شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

ماده ۷۹- نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل یا حمل و نقل کننده فرعی مدت مرور زمان یک سال است. مبدا این مدت در صورت تلف، ناقص یا گم شدن کالا و یا تأخیر در تحویل، روزی است که تحویل بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در مورد خسارات روزی است که کالا به گیرنده تحویل شده است.

ماده ۸۰- حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره و وسایط نقلیه زمینی، هوایی یا دریایی تابع مقررات این باب نیست. قراردادهای حمل و نقل، هر چند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود مشمول این قانون است.

فصل چهارم - قائم مقامی و نمایندگی تجاری

ماده ۸۱ - قائم مقام تجاری شخصی است که تاجر، برای انجام فعالیت های تجاری خود به او نیابت می دهد و امضای او برای تاجر الزام آور است. این سمت ممکن است کتبی داده شود یا در عمل و به طور ضمنی، ولی در هر حال مراتب باید در دفتر ثبت تجاری قید گردد، وگرنه در حقوق اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۸۲ - تحدید اختیار قائم مقام تجاری باید در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسد. در هر صورت تحدید اختیار قائم مقام در برابر اشخاصی که از آن آگاه نشده اند قابل استناد نیست.

ماده ۸۳ - قائم مقامی تجاری ممکن است به اجتماع داده شود، باقید این که تا همه امضاء نکنند تاجر ملزم نباشد ولی این قید در مقابل اشخاص ثالثی که از آن آگاه نشده اند در صورتی قابل استناد است که در دفتر ثبت تجاری به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و یکی از نشریات کثیرالانتشار اعلام شده باشد.

ماده ۸۴ - قائم مقام تجاری بدون اذن تاجر نمی تواند کسی را به طور عام در فعالیت های تجاری نایب خود قرار دهد.

ماده ۸۵ - عزل قائم مقام تجاری که به شرح مواد فوق نیابت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده نیابت باقی محسوب می شود. در صورتی که پس از عزل قائم مقام تجاری و ثبت اعمال آن، وی همچنان عملاً به عملیات تجاری موضوع قائم مقامی اشتغال داشته باشد در مقابل اشخاص ثالث قائم مقام تجاری محسوب می شود.

ماده ۸۶ - با فوت یا حجر تاجر یا انحلال شرکت و مؤسسه تجارتي، سمت قائم مقام تجارتي پایان می یابد، لیکن تا تعیین جانشین مسؤولیت اداره و نگهداری اموال و دارایی ها را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۸۷ - غیر از آنچه در این قانون تصریح شده قائم مقام تجارتي تابع قواعد عمومی وکالت است.

ماده ۸۸ - نماینده تجارتي شخص مستقلی است که بدون قرارداد اجاره خدمات، در برابر تاجر اعطاء کننده نمایندگی، تعهد می کند که در ازاء دریافت اجرت نسبت به بازاریابی، مذاکره مقدماتی یا انعقاد قرارداد خرید، فروش یا اجاره کالاها یا خدمات برای مدت محدود یا نامحدود به نام و به حساب او اقدام کند. اعطای نمایندگی ممکن است کتبی و صریح باشد یا ضمنی و عملی.

تبصره - نمایندگی در امور تجارتي که دارای قوانین خاصی است تابع قوانین مخصوص به خود قرار می گیرد.

ماده ۸۹ - نماینده تجارتي می تواند بدون اجازه اعطاء کننده نمایندگی، نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند اما نمی تواند بدون موافقت وی نمایندگی شخصی را قبول کند که در همان موضوع با اعطاء کننده نمایندگی فعلی رقابت تجارتي دارد.

ماده ۹۰ - قرارداد نمایندگی بر اساس منافع مشترک دو طرف منعقد می شود و رابطه آنها مبتنی بر تعهد متقابل به راستی و درستکاری و الزام به اطلاع رسانی به یکدیگر است. نماینده تجارتي باید تمام اطلاعات لازم را در رابطه با موضوع نمایندگی به اعطاء کننده نمایندگی ارائه کند و اعطاء کننده نمایندگی نیز باید تمام اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و هرگونه مدارک و اسناد مربوط در خصوص موضوع نمایندگی را در اختیار نماینده تجارتي قرار دهد. همچنین اگر پیش بینی می کند که حجم معاملات به نحو محسوسی تغییر خواهد

یافت یا با انتظار طبیعی نماینده تجارتي متفاوت است به طوري که وی نوعاً از آن متأثر می شود، باید این امر را در مهلت معقولي به نماینده اطلاع دهد.

ماده ۹۱ - نماینده تجارتي مستحق اجرت طبق مفاد قرارداد نمایندگی می باشد. در صورت سکوت قرارداد، اجرت براساس عرف معمول در محلی که فعالیت نمایندگی در آن انجام می شود محاسبه می شود و در صورت فقدان چنین عرفی، اجرت معقولي است که بر مبنای شرایط ویژه فعالیت او تعیین می شود.

ماده ۹۲ - نماینده تجارتي حق دریافت اجرت برای تمام قراردادهای منعقد در طول نمایندگی را دارد، مشروط بر آنکه قراردادهای مزبور به مدد مداخله و همکاری وی منعقد شده باشد، یا اگر قرارداد با شخص ثالثی منعقد شده نماینده تجارتي قبلاً وی را برای همین نوع قرارداد جذب نموده باشد. هنگامی که نماینده تجارتي متعهد شده است که در یک منطقه جغرافیایی یا با اشخاص معینی فعالیت کند، مستحق اجرت برای تمام قراردادهایی است که در مدت نمایندگی با اشخاص متعلق به آن منطقه جغرافیایی یا اشخاص متعلق به آن گروه منعقد شده است.

ماده ۹۳ - نماینده تجارتي در موارد زیر مستحق اجرت قراردادهایی است که پس از پایان نمایندگی منعقد شده است:

۱ - در صورتی که قرارداد در نتیجه فعالیت های نماینده در طول دوره نمایندگی و در مدت معقولي پس از خاتمه قرارداد نمایندگی منعقد شده باشد.

۲ - هنگامی که در شرایط پیش بینی شده در ماده قبل، پیش از پایان نمایندگی سفارش شخص ثالث به نماینده یا اعطاء کننده آن فرستاده شده باشد.

ماده ۹۴ - چنانچه طبق ماده (۹۳) این قانون نماینده تجارتي سابق استحقاق اجرت معامله ای داشته باشد، نماینده کنونی حقی ندارد مگر این که اوضاع و احوال عرفی اجرت را

ایجاب کند.

ماده ۹۵ - به محض این که اعطاء کننده نمایندگی قرارداد را اجراء نمود یا باتوجه به قرارداد منعقدہ با شخص ثالث باید اجرا می کرد و همچنین به مجرد اجرای قرارداد از سوی شخص ثالث، نماینده تجارتی مستحق اجرت می باشد. اگر اعطاء کننده نمایندگی قسمت مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد، اجرت حداکثر زمانی پرداخت می شود که شخص ثالث بخش مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد یا باید اجرا می کرد.

تبصره ۱ - اعطاء کننده نمایندگی باید ظرف مدت معقول، نماینده را از قبول، رد یا عدم انعقاد قراردادی که نماینده زمینه انعقاد آن را فراهم کرده، مطلع سازد در غیر این صورت نماینده مستحق اجرت برای آن قرارداد است.

تبصره ۲ - حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق نماینده اعطاء کننده نمایندگی باید فهرست اجرت های پرداخت نشده را به نماینده تجارتی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی که اجرت براساس آنها محاسبه می شود، باشد. نماینده تجارتی می تواند به منظور بررسی مبلغ اجرت های پرداخت نشده از اعطاء کننده همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوطه را مطالبه کند.

ماده ۹۶ - چنانچه مسلم شود که قرارداد منعقدہ بین اعطاء کننده نمایندگی و ثالث اجرا نمی شود و این امر ناشی از قصور یا تقصیر اعطاء کننده نمایندگی نیست، نماینده مستحق اجرت نخواهد بود و اگر آن را گرفته باشد باید آن را مسترد دارد.

ماده ۹۷ - درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت، آن را ادامه می دهند چنین فرض می شود که تعهدات قراردادی آنها باقی است مگر آنکه یکی از دو طرف به نحو مضبوطی با اخطار قبلی سه ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی توانند به مهلتی کمتر از سه ماه توافق کنند و اگر به

مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی شده برای اعطاء‌کننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارته پیش‌بینی شده است در صورتی که قرارداد به علت تقصیر سنگین یکی از دو طرف یا قوه قهریه خاتمه یابد مقررات این ماده اعمال نمی‌شود.

ماده ۹۸- در صورت قطع رابطه نمایندگی به هر دلیل، نماینده تجارته مستحق دریافت خسارت برای جبران حقوق قراردادی خود می‌باشد چنانچه ظرف یک سال از تاریخ قطع رابطه قرارداد، نماینده تجارته برای استیفای حقوق قراردادی به اعطاء‌کننده نمایندگی اخطار نکند، حق مطالبه خسارت را از دست خواهد داد. هرگاه توقف رابطه نمایندگی به علت فوت یا عدم اهلیت نماینده باشد، قائم‌مقام قانونی وی حق مطالبه خسارت جبرانی را ظرف مدت یک سال از تاریخ فوت یا عدم اهلیت، دارد.

ماه ۹۹- قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید مکتوب و محدود به منطقه جغرافیایی و در صورت مقتضی، مربوط به گروه اشخاصی باشد که فعالیت نماینده تجارته به آنها مربوط می‌شود و همچنین باید محدود به نوع کالاها و خدماتی باشد که موضوع قرارداد نمایندگی بوده است. شرط عدم رقابت حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

ماده ۱۰۰- وقتی که فعالیت نماینده تجارته در اجرای قرارداد مکتوبی انجام می‌شود که اساساً برای موضوع دیگری منعقد شده است، دو طرف قرارداد می‌توانند کتباً توافق کنند که مقررات این باب از قانون در مورد بخش مربوط به نمایندگی تجارته آن اعمال نشود. اگر در عمل معلوم شود که فعالیت نماینده تجارته در قرارداد مزبور در واقع فعالیت اصلی را تشکیل می‌داده است، توافق مزبور باطل و بی‌اثر می‌باشد.

فصل پنجم - گروه اقتصادی با منافع مشترک

ماده ۱۰۱ - گروه اقتصادی با منافع مشترک عبارت است از تشکیل دو یا چند شخص که به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجارتي و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می‌شود.

تبصره - عملیات این گروه اقتصادی باید با فعالیت اعضای آن مرتبط بوده و تکمیل‌کننده آن باشد.

ماده ۱۰۲ - گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند بدون سرمایه تشکیل شود. حقوق اعضای گروه نمی‌تواند به وسیله اسناد قابل انتقال به غیر مستقل شود و هر شرط خلاف این امر باطل است.

ماده ۱۰۳ - گروه اقتصادی با منافع مشترک باید در دفتر ثبت تجارتي ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد شد. لیکن این ثبت نام، اماره تجارتي بودن گروه تلقی نمی‌شود.

تبصره - گروه اقتصادی با منافع مشترک که موضوع آن فعالیت تجارتي است می‌تواند فعالیت‌های تجارتي مربوط را به حساب خود انجام دهد.

ماده ۱۰۴ - اشخاصی که به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در شرف ثبت که هنوز دارای شخصیت حقوقی نیست اقدام می‌نمایند، متضامناً و به‌طور نامحدود مسؤول اقدامات خود می‌باشند. در صورتی که گروه اقتصادی پس از ثبت و تشکیل قانونی اقدامات مزبور را تنفیذ کند، چنین فرض می‌شود که تعهدات مربوط از ابتدا به وسیله گروه اقتصادی به عهده گرفته شده است. به هر حال ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک موجب سقوط تعهدات در مقابل دیگران نمی‌شود.

ماده ۱۰۵ - بطلان قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک و همچنین عدم اعتبار

اقدامات و تصمیمات گروه، فقط در صورت تخلف از قواعد آمره مقید در این باب و یا به دلیل وجود یکی از علل بطلان قراردادها حاصل می‌شود، چنانچه علت و منشاء بطلان در هر مرحله‌ای از دادرسی از بین برود دعوی بطلان رد خواهد شد.

تبصره - به هر صورت بطلان گروه یا فعالیت‌ها و تصمیمات گروه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود.

ماده ۱۰۶ - اعضای گروه اقتصادی متضامناً مسؤول پرداخت دیون گروه اقتصادی از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر این‌که با اشخاص ثالث طرف قرارداد خلاف این امر توافق شده باشد. مع الوصف چنانچه قرارداد بین اعضاء اجازه بدهد عضو جدید می‌تواند نسبت به دیونی که قبل از عضویت او ایجاد شده‌اند معاف باشد. تصمیم به معافیت باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود. طلبکاران گروه اقتصادی در صورتی می‌توانند برای وصول طلب خود به اعضاء رجوع کنند که اقدامات آنها برای وصول طلب از گروه اقتصادی بی نتیجه مانده باشد.

تبصره - مسؤولیت اعضاء گروه در برابر یکدیگر تابع ضوابط قرارداد بین آنها می‌باشد.

ماده ۱۰۷ - گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند مطابق شرایط عمومی انتشار اوراق مشارکت به وسیله شرکتها، این‌گونه اوراق را صادر کند، به شرط آنکه خود گروه اقتصادی مزبور منحصراً از شرکت‌هایی تشکیل شده باشد که طبق قانون شرایط انتشار اوراق مشارکت را دارند. سررسید اوراق مشارکت نباید فراتر از مدت گروه اقتصادی باشد.

ماده ۱۰۸ - قرارداد تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، سازماندهی گروه مزبور را ضمن رعایت مقررات این باب تعیین می‌کند. این قرارداد باید کتبی باشد و موارد ذیل در آن قید گردد:

۱- نام گروه اقتصادی.

۲- اسامی اعضاء و نشانی اقامتگاه آنها.

۳- شماره ثبت آنها (در صورت وجود).

۴- مدت گروه اقتصادی.

۵- موضوع فعالیت گروه اقتصادی.

۶- نشانی اقامتگاه گروه اقتصادی.

۷- نام و مشخصات صاحبان حق امضاء اسناد تعهدآور.

۸- نحوه بازرسی حسابهای گروه.

موارد فوق و هرگونه تغییر و اصلاح آن طبق مقررات باید منتشر شود و فقط پس از انتشار برای عموم در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

ماده ۱۰۹- گروه اقتصادی با منافع مشترک در طول دوره فعالیت خود می تواند با رعایت شرایط قراردادی که براساس آن تشکیل شده عضو جدید بپذیرد و هر یک از اعضاء نیز می تواند با رعایت شرایط قرارداد از گروه خارج شود مشروط بر این که تعهدات خود را انجام داده باشد یا با موافقت سایر اعضاء به نحو مؤثری ترتیب انجام آن را بدهد.

ماده ۱۱۰- اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد تعیین مدیران، نحوه اداره گروه، انحلال پیش از موعد، افزایش یا کاهش در حقوق و تعهدات اعضاء گروه و یا تمدید مدت در صلاحیت اعضاء آن می باشد. شیوه تصمیم گیری و از جمله موارد ذیل باید در قرارداد مشخص شود:

الف - تعداد آرای که به هر یک از اعضاء تخصیص داده شود.

ب - حد نصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات.

ج - حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسات. در صورت سکوت قرارداد

در مورد بند (الف) هر عضو یک رأی دارد و در مورد بندهای (ب) و (ج) تصمیمات باید به اتفاق آراء اتخاذ گردد. جلسات به درخواست یک چهارم اعضای گروه لزوماً باید تشکیل شود.

تبصره - اتخاذ تصمیم در موارد ذیل باید به اتفاق آراء انجام شود مگر این که در قرارداد اکثریت دیگری پیش بینی شده باشد:

۱ - انحلال پیش از موعد گروه اقتصادی.

۲ - افزایش یا کاهش در حقوق یا تعهدات اعضاء گروه.

۳ - تمدید مدت پس از انجام موضوع قرارداد.

ماده ۱۱۱ - گروه اقتصادی با منافع مشترک که به وسیله یک یا چند مدیر اداره می شود، شخص حقوقی نیز می تواند به عنوان مدیر منصوب شود، به شرط آن که یک شخص حقیقی را به عنوان نماینده دائمی خود معرفی کند. این شخص همان مسؤلیت مدنی و کیفری را خواهد داشت که مدیر حقیقی دارد. مسؤلیت های نماینده رافع مسؤلیت های شخص حقوقی که او را انتخاب کرده است، نخواهد بود.

ماده ۱۱۲ - مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک و نمایندگان آنان در صورت نقض قوانین و مقررات یا تخلف از مفاد قرارداد حسب مورد به طور انفرادی یا تضامنی در مقابل گروه اقتصادی و اشخاص ثالث مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشند. در صورتی که خسارت حاصله ناشی از عمل دو یا چند مدیر باشد، در رابطه بین مدیران، دادگاه تجارتمی سهم هر یک را در جبران خسارت تعیین می کند.

ماده ۱۱۳ - هرگونه اقدام مدیر یا مدیران که در حدود موضوع گروه اقتصادی باشد گروه را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می سازد و محدود کردن اختیارات مدیران فقط برای اعضاء گروه و بین خود آنها معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۱۱۴ - گروه‌های اقتصادی که به فعالیت‌های تجاری اشتغال دارند، موظف هستند دفاتر تجاری موضوع ماده (۴) فصل اول این قانون را نگهداری نمایند و در پایان سال مالی صورت‌های مالی گروه را با رعایت استانداردهای حسابداری و مفاد آیین‌نامه موضوع ماده (۴) این قانون تهیه نمایند. صورت‌های مالی مزبور با رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط بازرس منتخب اعضاء مورد حسابرسی قرار می‌گیرد. اتخاذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی و عملکرد مدیران در اختیار اعضاء می‌باشد.

ماده ۱۱۵ - در کلیه اسناد، اوراق و مکاتبات (اعم از کاغذی و الکترونیکی) که به وسیله گروه اقتصادی صادر می‌شود، باید نام گروه اقتصادی که متضمن عبارت «گروه اقتصادی با منافع مشترک» باشد درج گردد. در غیر این صورت گروه اقتصادی به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

تبصره - تکلیف بازرس در ماده (۶۲۹) قانون تجارت و الزام ماده (۶۳۰) قانون تجارت مبنی بر دریافت گزارش بازرس توسط مجمع در خصوص گروه اقتصادی با منافع مشترک صادق خواهد بود.

ماده ۱۱۶ - گروه اقتصادی بدون انحلال می‌تواند به یک شرکت تضامنی تبدیل شود.

ماده ۱۱۷ - گروه اقتصادی با منافع مشترک در موارد ذیل منحل می‌شود:

۱- با انقضای مدت گروه.

۲- با انجام موضوع گروه یا غیر ممکن شدن انجام آن.

۳- با تصمیم اعضاء گروه اقتصادی با رعایت شرایط ماده (۱۱۰) این قانون.

۴- به موجب رأی قطعی دادگاه تجاری.

۵- با فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا

ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی عضو گروه، مگر این‌که قرارداد تشکیل گروه

اقتصادی طور دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۱۱۸ - در صورت انحلال گروه اقتصادی تا خاتمه عملیات تصفیه شخصیت حقوقی آن جهت انجام تصفیه باقی است.

ماده ۱۱۹ - تصفیه گروه اقتصادی مطابق شرایط قرارداد تشکیل آن انجام می شود. در صورت سکوت قرارداد یک یا چند مدیر تصفیه به وسیله اعضاء گروه اقتصادی تعیین می گردد. چنانچه اعضاء به هر دلیل نتوانند مدیر تصفیه را تعیین کنند، مدیر تصفیه طبق مقررات ناظر بر انحلال و تصفیه شرکت های تجاری انتخاب می شود و اقدام به تصفیه خواهد شد. مدیر تصفیه پس از پرداخت دیون، مازاد دارایی را مطابق شرایط مندرج در قرارداد تشکیل گروه بین اعضاء تقسیم می کند. در صورت سکوت قرارداد مازاد دارایی به نسبت مساوی بین اعضاء گروه تقسیم می گردد.

ماده ۱۲۰ - استفاده از عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» فقط به وسیله گروههایی که مطابق این قانون تشکیل می شوند مجاز است. استفاده غیرقانونی از این عنوان یا هر عنوان یا اصطلاح و عبارت دیگر که موجب اشتباه و اختلاط با این عنوان گردد مستوجب مجازات حبس از چهار ماه تا یک سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال برای مرتکبین می باشد. در صورت اقتضاء دادگاه تجاری می تواند حکم به انتشار تصمیم خود در جراید کثیرالانتشار بدهد.

ماده ۱۲۱ - آیین نامه اجرایی این باب به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

باب چهارم - ضمانت

ماده ۱۲۲ - ضمانت ناشی از فعالیت‌های تجاری ممکن است عادی یا مستقل باشد. ضمانت تجاری تابع احکام این باب است، مگر این‌که در قرارداد به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۲۳ - ضمانت تجاری تضامنی است، بدین معنی که مضمون‌له می‌تواند هم‌زمان به ضامن و متعهد اصلی رجوع کند یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم انجام تعهد برای تمام یا بقیه تعهد به دیگری رجوع کند، مگر این‌که در قرارداد شرط دیگری شده باشد.

ماده ۱۲۴ - ضمانت تجاری عادی قراردادی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری تعهد شخص ثالثی را به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و ثالث را مضمون‌عنه یا متعهد اصلی می‌گویند.

ماده ۱۲۵ - بقاء ضمانت تجاری عادی مبتنی بر بقاء تعهد اصلی است لذا اگر تعهد اصلی ساقط شود، ضامن نیز بری می‌شود.

ماده ۱۲۶ - در موردی که تعهد قائم به شخص است ضمانت از آن اثری ندارد مگر با رضایت مضمون‌له.

ماده ۱۲۷ - قبل از رسیدن موعد تعهد اصلی، نمی‌توان ضامن را ملزم به اجرای تعهد کرد مگر این‌که به واسطه ورشکستگی یا فوت متعهد اصلی تعهد او حال شده باشد یا در قرارداد تصریح شود.

ماده ۱۲۸ - در ضمان حال مضمون‌له می‌تواند انجام فوری تعهد را بخواهد.

ماده ۱۲۹ - اگر انجام تعهد اصلی مشروط به شرطی باشد، این شرط نسبت به ضامن نیز معتبر است.

ماده ۱۳۰ - با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمون‌له مکلف به پذیرش آن است، وگرنه ضمانت متفی می‌شود، هرچند ضمانت مؤجل باشد. در این صورت وثیقه دین حسب مورد فک یا مسترد می‌شود.

ماده ۱۳۱ - پس از اجرای عهد ضامن، مضمون‌له باید تمام اسناد، مدارک و وثائق مربوط به دین را برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه، به او تسلیم کند. اگر تعهد اصلی وثیقه غیر منقول داشته باشد، مضمون‌عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

ماده ۱۳۲ - هرگاه مضمون‌له از مطالبه تعهد اصلی منصرف شود یا دیگری مجاناً تعهد را انجام دهد، ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد.

ماده ۱۳۳ - ضامنی که بدون اذن مضمون‌عنه یا به قصد تبرع ضمانت کرده است، حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد.

ماده ۱۳۴ - ضمانت بخشی از تعهد جایز است، بنابراین هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک تعهد به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند، مضمون‌له به هر یک از آنها فقط به قدر سهم او حق رجوع دارد. هرگاه سهم هر یک از ضامنان متعدد تعیین نشده باشد، ظاهر در تساوی است، مگر این که شرط خلاف آن شده باشد.

ماده ۱۳۵ - ضمانت از ضامن جایز است، اما ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و فقط می‌تواند به مضمون‌عنه خود رجوع کند.

ماده ۱۳۶ -

۱ - ضمانت مستقل: تعهدی است پولی، مستند، لازم و غیر قابل برگشت و مستقل که به موجب آن صادر کننده ضمانت‌نامه (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون‌عنه) در برابر ذی‌نفع (مضمون‌له) و با موافقت او آن را برعهده می‌گیرد.

تبصره - مقصود از مستند بودن تعهد، مکتوب بودن آن است اعم از این که کاغذی باشد یا الکترونیکی، به گونه‌ای که براساس قوانین قابلیت استناد داشته باشد.

۲ - ضمانت متقابل: ضمانتی است که بنا به درخواست ضامن برای تضمین بازپرداخت مبالغی که باید طبق شرایط ضمانتنامه توسط او به مضمون له پرداخت شود، توسط مضمون عنه یا به درخواست وی به نفع ضامن صادر می‌شود.

۳ - ضامن: شامل ضامن متقابل و همچنین شخص تأیید کننده ضمانتنامه نیز می‌شود.

۴ - ضامن متقابل: شخصی است که ضمانتنامه متقابل را صادر می‌کند.

۵ - تأیید کننده: شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه توسط ضامن را تأیید و تعهد

می‌کند.

ماده ۱۳۷ - مقررات این فصل در مورد ضمانتنامه‌های متقابل که براساس ضمانت مستقل صادر شده باشند، نیز اعمال می‌شود.

ماده ۱۳۸ - ضمانتنامه‌ای مشمول عنوان ضمانت مستقل و تابع این قانون است که دارای یکی از شرایط زیر می‌باشد:

الف - دو طرف قرارداد آن را تابع مقررات این فصل قرار داده باشند.

ب - دو طرف به طور صریح عنوان ضمانت را به آن داده باشند.

ج - استنباط عرفی و معقول از متن قرارداد، آن را منطبق با ضمانت مستقل مندرج در

این قانون بداند.

تبصره - مفاد قراردادی که با شرایط مذکور در این فصل منعقد شود بر مبنای اهداف ضمانت مستقل و استحکام بخشیدن به آن تفسیر می‌شود.

ماده ۱۳۹ - تعهد ناشی از ضمانت مستقل در مقابل ذی‌نفع، مستقل از تعهد متقاضی

در برابر صادرکننده است. همچنین تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد

اصلی است، مستقل از تعهدات ایجاد شده به وسیله ضمانت مستقل می‌باشد.

ماده ۱۴۰ - صدور ضمانتنامه، صادرکننده را نسبت به مفاد آن متعهد می‌کند. ایراداتی که ممکن است از جهت مشروعیت موضوع یا جهت معامله و امثال آن به قرارداد اصلی وارد شود اعتبار ضمانتنامه را از بین نمی‌برد.

تبصره - ایرادات راجع به اهلیت اشخاص حقیقی قابل استناد است، لیکن ایرادات مربوط به صلاحیت یا اختیارات شخص حقوقی موجود شنیده نمی‌شود.

ماده ۱۴۱ - ضمانتنامه مستقل ممکن است به هر شکلی که عموماً مورد قبول است اعم از کاغذی یا الکترونیکی صادر شود، مشروط به این که مفاد آن به نحو مضبوطی محفوظ بماند و ممکن است به هر شکلی که صریحاً مورد توافق صادر کننده و ذی‌نفع باشد صادر شود.

ماده ۱۴۲ - مفاد ضمانتنامه و اصلاحیه‌های آن باید شامل موارد زیر باشد:

الف - مشخصات متقاضی (مضمون عنه).

ب - مشخصات صادرکننده (ضامن).

ج - مشخصات ذی‌نفع (مضمون له).

د - مشخصات قرارداد اصلی که به موجب آن صدور ضمانتنامه ضروری شده است.

ه - مبلغ معین و سقف مبلغ ضمانتنامه که باید پرداخت شود.

و - تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه یا واقعه‌ای که به موجب آن اعتبار ضمانتنامه پایان

می‌یابد.

ز - قید شرایط دقیق مطالبه مبلغ ضمانتنامه و اسنادی که باید ارائه شود.

ح - شرایط کاهش مبلغ ضمانتنامه.

ماده ۱۴۳ - هر شرطی که ماهیت ضمانت مستقل را تغییر دهد بی‌اثر است.

ماده ۱۴۴ - ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیر قابل برگشت می باشد و صادرکننده نسبت به مفاد آن متعهد می شود، مگر خلاف آن در ضمانتنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۴۵ - به محض این که ضمانتنامه مستقل از کنترل صادرکننده خارج و برای ذی نفع ارسال یا به وی تحویل شود، صادر شده محسوب می شود، مگر آن که در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۶ - به محض صدور ضمانتنامه، ذی نفع می تواند با رعایت شرایط مندرج در آن، مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آن که در ضمانتنامه زمان یا شرایط خاصی برای مطالبه آن تعیین شده باشد.

ماده ۱۴۷ - ضمانتنامه مستقل براساس شرایطی که برای اصلاح پیش بینی شده و با رعایت ماده (۱۴۰) قابل اصلاح است.

ماده ۱۴۸ - چنانچه ذی نفع با اصلاحیه موافقت کرده باشد، از لحظه صدور اصلاحیه ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود. چنانچه ذی نفع قبلاً با اصلاحیه موافقت نکرده باشد از لحظه ای که صادرکننده ضمانتنامه، اعلامیه ای مبنی بر پذیرش اصلاحات توسط ذی نفع را دریافت می کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آن که در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۹ - اصلاح ضمانتنامه نباید تأثیری به زیان متقاضی در حقوق و تکالیف متقاضی یا تأیید کننده داشته باشد، مگر این که آنان به نحو مضبوطی با اصلاح موافقت کرده باشند.

ماده ۱۵۰ - ضمانتنامه مستقل به موجب قرارداد یا قانون قابل انتقال است، انتقال بخشی از مبلغ ضمانتنامه باطل است.

ماده ۱۵۱ - انتقال قراردادی ضمانتنامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن آن

صریحاً قابل انتقال بودن قید شده باشد، ولی انتقال ضمانتنامه پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانتنامه ممنوع است.

ماده ۱۵۲ - هرگونه انتقال باید به نحو مضبوط به اطلاع صادرکننده برسد. قبل از وصول اطلاع به نحو مزبور به صادرکننده، انتقال گیرنده حقی بر وی ندارد،

ماده ۱۵۳ - وجود امضای ذی نفع در ذیل ضمانتنامه یا تصریح به انتقال آن، به منزله انتقال است.

ماده ۱۵۴ - هر یک از اطراف ضمانت می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث رسماً وکالت دهد. این وکالتنامه ممکن است کاغذی یا به صورت داده پیام مطمئن باشد.

ماده ۱۵۵ - در انتقال قانونی که به طور قهری یا به حکم دادگاه تجارتي انجام می شود، قائم مقامهای قانونی ذی نفع، اعم از وارثان متوفی، مدیر تصفیه شخص ورشکسته، قیم محجورین و امثال آن جانشین وی می شوند.

تبصره - تحقق مفاد این ماده خللی به تکالیف صادرکننده در مقابل ذی نفع یا متقاضی یا انتقال گیرنده ضمانتنامه در مقابل صادرکننده ایجاد نمی کند. در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی صادرکننده و عدم تعیین نماینده قانونی، تقاضای پرداخت از دادستان و ارائه اسناد طبق مقررات این فصل برای وصول مبلغ ضمانتنامه کافی است.

ماده ۱۵۶ - در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع به نحو مضبوطی اخطاریه ای مبنی بر انتقال غیر قابل برگشت ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می شود.

ماده ۱۵۷ - حقوق و تعهدات طرفهای ضمانتنامه مستقل تابع شرایط مقرر در ضمانتنامه و مقررات این قانون است.

ماده ۱۵۸ - تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت حسن نیت و با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد ذیل است:

الف - تمامی اسناد ارائه شده منطبق با مقررات بوده و هیچ یک از آنها مجعول نمی باشد.

ب - درباره موضوع و اسناد ارائه شده هیچ پرداختی انجام نشده است.

ماده ۱۵۹ - تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه و اسناد مندرج در آن باید قبل از انقضای مدت و حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار آن، در محل صدور آن به صادرکننده یا نماینده او ارائه شود، مگر این که در ضمانتنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

تبصره - انقضای اعتبار ممکن است به تاریخ مشخص باشد یا به تحقق شرایط یا واقعه معینی موقوف شود.

ماده ۱۶۰ - تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه و همچنین تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آن که این امر در ضمانتنامه پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۶۱ - صادرکننده باید با حسن نیت و با دقت معقول و متعارف تقاضای ذی نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف و از نظر ظاهر، مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه (یا نوع رایج آن اسناد در معاملات تجاری) را حداکثر یک هفته در روابط داخلی و حداکثر یک ماه در روابط بین المللی احراز و تعهد خود را ایفا کند.

تبصره - تعهد صادرکننده عبارت از تأدیه مبلغی است که ممکن است به طور نقدی

پرداخت شود یا از طریق صدور حواله به دستور ذی‌نفع، قبول و پرداخت برات و امثال آن ایفاء شود.

ماده ۱۶۲ - مغایرت اسناد ارائه شده با شرایط قرارداد یا اسناد نمونه متداول، در روابط داخلی و در روابط بین‌المللی ظرف دو روز باید به اطلاع ذی‌نفع یا نماینده او برسد. همچنین صادرکننده موظف است به سریع‌ترین وسیله و به نحو مضبوطی اصل اسناد را به ذی‌نفع مسترد کند و دلیل رد آنها را به وی اطلاع دهد.

ماده ۱۶۳ - قبول هیچ یک از اسناد توسط صادرکننده نباید منوط به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث شود.

ماده ۱۶۴ - در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول بوده یا وقوع جرمی بر روی آنها محرز باشد، اسناد باید به مراجع ذی‌صلاح قانونی تسلیم شود.

ماده ۱۶۵ - در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی‌نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران تمامی خسارات وارده به ذی‌نفع و متقاضی می‌باشد.

ماده ۱۶۶ - در صورتی که صادرکننده مبلغ ضمانتنامه را مطابق مقررات و شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی صدور ضمانتنامه ملزم به بازپرداخت مبلغ مزبور و سایر هزینه‌ها به صادرکننده می‌باشد. مبالغی که باید بازپرداخت شود عبارتند از:

۱ - مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی‌نفع پرداخت شده است.

۲ - در صدی از مبلغ ضمانت که ممکن است به‌عنوان کارمزد تعیین شده باشد.

۳ - هزینه‌های ناشی از پرداخت به ذی‌نفع و وصول آن از متقاضی.

۴ - سایر هزینه‌ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه

متحمل شده است.

تبصره - مفاد بند (۴) راجع به مطالبه خسارات، مانع از اجرای توافق دو طرف مبنی بر تعیین خسارت مقطوع نمی باشد.

ماده ۱۶۷ - در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه، صادرکننده ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) ضمانتنامه می باشد.

تبصره ۱ - عبارت نسخه جایگزین باید در متن ضمانتنامه اخیر درج شود.

تبصره ۲ - در صورتی که یکی از موارد فوق پس از تحقق شرایط مطالبه مبلغ ضمانتنامه و قبل از تقاضای پرداخت آن حادث شود، صادرکننده می تواند صدور نسخه جایگزین ضمانتنامه را موکول به سپردن تأمین متناسب تا انقضای اعتبار ضمانتنامه از جانب متقاضی صدور نسخه جایگزین کند.

ماده ۱۶۸ - هرکس از ضمانتنامه سوءاستفاه کند، متناسب با عمل ارتكابی، به جزای نقدی حداکثر تا مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده که از دو برابر مبلغ ضمانتنامه بیشتر نخواهد بود، محکوم می شود.

ماده ۱۶۹ - در صورت توقیف یا تأمین مبلغ ضمانتنامه توسط مراجع ذی صلاح قضایی، صادرکننده موظف است پس از تحقق شرایط پرداخت و ارائه اسناد مورد نیاز با رعایت مقررات این قانون، طبق دستور مرجع مذکور عمل کند.

ماده ۱۷۰ - ذی نفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه را ندارد:

الف - چنانچه قبلاً به نحو مضبوطی صادرکننده را از پرداخت معاف کرده باشد.

ب - چنانچه ذی نفع و صادرکننده به نحو مضبوطی ضمانت را فسخ نموده باشند.

ج - مبلغ ضمانتنامه پرداخت شده باشد.

د - دوره اعتبار ضمانتنامه طبق ماده (۱۷۱) این قانون منقضی شده باشد.

تبصره - وجود ضمانتنامه نزد صادرکننده به منزله برائت وی می باشد، مگر این که

اثبات شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است.

ماده ۱۷۱ - مدت اعتبار ضمانتنامه مستقل در موارد ذیل منقضی می شود:

- الف - با انقضای تاریخ تعیین شده در ضمانتنامه یا آخرین روز مهلت مندرج در آن. چنانچه تاریخ انقضای مدت ضمانتنامه مصادف با تعطیل رسمی در محل پرداخت آن باشد، مدت اعتبار ضمانتنامه با پایان اولین روز کاری پس از تاریخ مزبور، منقضی می شود.
- ب - در صورتی که انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه به تحقق شرایط یا واقعه معینی موکول شده باشد، پس از وصول گواهی یا اسناد مربوط به تحقق آن به صادرکننده، مدت اعتبار ضمانتنامه منقضی می شود.

ج - چنانچه در مورد انقضای مدت در ضمانتنامه سکوت اختیار شده باشد، پنج سال پس از تاریخ صدور ضمانتنامه اعتبار آن منقضی می شود.

باب پنجم - اسناد تجاری

فصل اول - چک

ماده ۱۷۲ - چک سندی است که به موجب آن صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می کند.

ماده ۱۷۳ - چک علاوه بر امضاء یا مهر و امضاء باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱ - قید کلمه چک.
- ۲ - دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین با حروف و عدد.
- ۳ - نام بانک محال علیه.

۴- نام صاحب حساب.

۵- نشانی محل پرداخت.

۶- تاریخ صدور.

۷- محل صدور.

۸- شماره حساب صادرکننده چک.

ماده ۱۷۴- در صورتی که چک متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده (۱۷۳) این قانون

نباشد جز در موارد زیر مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود:

۱- در صورت قید نشدن محل پرداخت، مکانی که کنار نام بانک محال علیه نوشته شده است، محل پرداخت خواهد بود، در غیر این صورت نیز مرکز اصلی بانک محال علیه محل پرداخت محسوب خواهد شد.

۲- چنانچه محل صدور چک ذکر نشده باشد محل تأدیه، محل صدور محسوب خواهد شد.

ماده ۱۷۵- چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور، مؤخر بر تاریخ واقعی صدور باشد اعتبار چک را دارد، با این حال مسؤولین سند از حیث رعایت مهلت ارائه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

ماده ۱۷۶- انواع چک عبارت است از:

۱- چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر می کنند.

۲- چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تعهد شده است.

تعهد صادره از سوی بانک می تواند قبل و یا بعد از صدور و همچنین شامل کل مبلغ یا

جزئی از آن باشد.

۳- چک پول، چکی است که به تقاضای اشخاص توسط بانک در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط کارگزاران آن پرداخت می‌شود از قبیل چک مسافرتی.

تبصره - هر یک از انواع چک‌های مذکور می‌تواند به صورت الکترونیکی باشد که بر اساس قوانین مربوط صادر می‌شود.

ماده ۱۷۷ - هرگاه در متن چک، پرداخت آن منوط به تحقق شرطی شده باشد، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. با این حال، بانک مکلف است وجه آن را پرداخت کند.
ماده ۱۷۸ - صدور چک در صورت بسته بودن حساب بانکی موجب سلب اعتبار سند به عنوان چک نمی‌شود.

ماده ۱۷۹ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا حواله کرد شخص معین باشد. چک فاقد نام ذی‌نفع، در وجه حامل تلقی می‌شود.

چنانچه در چک صادره در وجه شخص معین کلمه «حامل» نیز قید شده باشد، چک در وجه حامل تلقی می‌شود.

ماده ۱۸۰ - بانک گشاینده حساب جاری یا صادرکننده چک می‌تواند با درج عبارت «اریز به حساب» یا عبارت مشابه در متن چک پرداخت نقدی آن را منع کند، در این صورت وجه چنین چکی فقط قابل واریز به یک حساب بانکی خواهد بود.

چنانچه چک در وجه شخص معین، صادرکننده به حساب معینی در متن چک تصریح کند وجه چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

ماده ۱۸۱ - اگر مبلغ چک بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها

اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۱۸۲ - در صورتی که چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاء کننده یا امضاء کنندگان و صاحب حساب متضامناً مسؤول عدم پرداخت هستند مگر این که:

۱ - نماینده ثابت کند در حدود قانون و اختیارات مبادرت به امضاء یا مهر و امضای چک کرده و عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی او است و در متن چک سمت امضاء کننده آشکار باشد. در این صورت فقط صاحب حساب و نماینده بعدی دارای مسؤولیت تضامنی خواهند بود.

۲ - صاحب حساب ثابت کند که چک بدون اختیار یا فراتر از حدود اختیار امضاء یا مهر و امضاء شده است و اعتماد به اختیار امضاء کننده یا امضاء کنندگان دارای مسؤولیت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۸۳ - اگر چک هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۶) و (۷) ماده (۱۷۳) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را خواهد داشت، در این صورت:

الف - صادر کننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب - اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهر نویس امضاء یا مهر و امضاء کرده اند در حدود مفاد چک در برابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۱۸۴ - انتقال چک به حواله کرد شخص معین به وسیله ظهر نویسی و تسلیم سند به عمل می آید.

ماده ۱۸۵ - ظهرنویسی چکی که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده است انتقال عادی محسوب می شود و وجه چک صرفاً قابل واریز به حساب بانکی دارنده خواهد بود.

ماده ۱۸۶ - انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

ماده ۱۸۷ - ظهرنویسی چک با امضاء یا مهر و امضای دارنده در پشت چک محقق می شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که چک به نام او منتقل می شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده چک مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۱۸۸ - چک در وجه حامل، میتواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به غیر انتقال یابد.

چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

ماده ۱۸۹ - در موردی که چک در وجه حامل با ظهرنویسی در وجه شخص معین انتقال می یابد همچنان چک در وجه حامل محسوب می شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسؤلیت است.

ماده ۱۹۰ - ظهرنویس می تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب شده و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۸۵) این قانون می شود.

ماده ۱۹۱ - هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس های ماقبل خود و دارنده چک، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ چک محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۲ - ظهرنویسی حاکی از انتقال چک است مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال چک واقع نمی شود اما وکیل اختیار وصول، وخواست کردن و مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۱۹۳ - وکالت در وصول چک شرح ماده (۱۹۲) این قانون با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی شود.

ماده ۱۹۴ - چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد این شرط برای بانک بلااثر و ظهرنویسی معتبر است ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است.
تبصره - شرط فوق برای محاکم قابل استماع است.

ماده ۱۹۵ - ظهرنویسی چک پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا وخواست نامه انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۸۵) این قانون است.

ماده ۱۹۶ - ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.
ماده ۱۹۷ - ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضاء یا مهر و امضای ضامن توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود.

صرف درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضاء پشت چک، ظهرنویسی برای انتقال محسوب می شود مگر این که ذی نفع خلاف آن را ثابت کند.

ماده ۱۹۸ - ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسؤولیت تضامنی دارد. به هر حال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می تواند به هر یک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۱۹۹ - مسئولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۰۰ - ضامن در صورت پرداخت مبلغ چک، از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسئولیت دارند، برخوردار است.

ماده ۲۰۱ - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود، هرچند تاریخ مؤخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

ماده ۲۰۲ - چنانچه دارنده چک ظرف دو ماه از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند، دعوای او بر ظهر نویسان مسموع نیست و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است از بین برود دعوای دارنده چک بر صادرکننده نیز مسموع نیست. تسلیم چک به بانک به عنوان وکیل در وصول به منزله ارائه آن جهت مطالبه است.

ماده ۲۰۳ - اگر آخرین روز مهلت، تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده (۲۰۲) این قانون افزوده می شود.

ماده ۲۰۴ - چنانچه صادرکننده چک فوت کند یا محجور شود این امر مؤثر در اعتبار چکهای صادر شده نیست. بانک، در صورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی، ممنوع از پرداخت و مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت با ذکر علت است.

ماده ۲۰۵ - بانک پرداخت کننده چک، مکلف است در حد عرف بانکداری امضاء یا مهر و امضای آن را با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده تطبیق دهد.

ماده ۲۰۶ - انقضای مواعد مندرج در این قانون، مانع پرداخت وجه چک (در صورت وجود موجودی) یا صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک نیست.

ماده ۲۰۷ - هرگاه وجه چک پرداخت نشود بانک مکلف است گواهینامه ای با

محتویات زیر صادر و به دارنده تسلیم کند:

- ۱- مشخصات کامل چک.
 - ۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.
 - ۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی.
 - ۴- تاریخ ارائه چک به بانک.
 - ۵- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضاء یا مهر و امضای موجود در بانک.
 - ۶- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک.
 - ۷- علت یا علل عدم پرداخت.
- در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.
- تبصره - هر جا که در قوانین و مقررات دیگر و اخواست اسناد تجاری پیش‌بینی شده است گواهینامه عدم پرداخت چک به منزله و اخواست‌نامه تلقی می‌شود.
- ماده ۲۰۸ - بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه و عدم پرداخت یا صدور نادرست یا نقص آن است.
- ماده ۲۰۹ - بانک مکلف است رونوشت گواهینامه مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.
- ماده ۲۱۰ - در صورت خودداری بانک از صدور گواهینامه مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون، دارنده چک می‌تواند از طریق مرجع قضایی مبادرت به اخواست کند.

واخواست‌نامه باید متضمن مشخصات کامل پشت و روی چک و مشخصات دارنده چک باشد. مأمور ابلاغ با مراجعه به بانک، علل عدم پرداخت وجه چک و همچنین علل امتناع از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا امتناع از امضاء یا مهر و امضای واخواست‌نامه توسط بانک را در واخواست‌نامه قید و امضاء یا مهر و امضاء می‌کند.

ماده ۲۱۱ - صادرکننده یا صادرکنندگان، ظهرنویس‌ها و بانک تأییدکننده یا تضمین‌کننده در مقابل دارنده چک مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده چک در صورت عدم تأدیه می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوا بر یک یا چندتن از مسؤولان موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولان چک نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۱۲ - در اجرای ماده (۲۱۱) این قانون، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که چک را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمیشود.

ماده ۲۱۳ - ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسؤولیت در ضمن ظهرنویسی، خود را از قید مسؤولیت‌های مقرر در ماده (۲۱۱) این قانون معاف دارد.

ماده ۲۱۴ - دارنده چکی که منجر به صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه شده باشد باید مراتب را ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول گواهی‌نامه یا واخواست‌نامه به طریق مضبوطی به شخصی که چک را به او واگذار نموده ابلاغ کند.

هر یک از ظهرنویس‌ها نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق به طریق مضبوطی به ید ماقبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسؤول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

تبصره - عدم اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویسان از عدم پرداخت وجه چک رافع
مسئولیت‌های موضوع ماده (۲۱۱) این قانون در برابر دارنده نیست.

ماده ۲۱۵ - دارنده چک علاوه بر مبلغ تأدیه نشده چک می‌تواند ارقام زیر را از
مسئولین سند مطالبه کند:

۱ - خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تأدیه
نشده چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی نباشد، خسارت تأخیر تأدیه فقط به کسری
موجودی تعلق می‌گیرد حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد.

۲ - هزینه و اخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی یا
هزینه اجرای ثبت.

تبصره - خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی است که هر سال
توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود و تعیین می‌گردد. به هر حال
خسارت تأخیر تأدیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

ماده ۲۱۶ - هر یک از مسئولین تأدیه چک می‌تواند پرداخت را به تسلیم چک و
اخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج
قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۲۱۷ - اگر مبلغ چک به حکم قانون نزد بانک محال‌علیه توقیف شده باشد
در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول خواهد بود.

ماده ۲۱۸ - در صورت اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است با تقاضای دارنده چکی
که به علت اخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده است معادل وجه چک را از
اموال خواننده یا خوانندگان تأمین کند.

ماده ۲۱۹ - دادگاه تجارتي نمی‌تواند بدون رضایت صاحب چک برای تأدیه وجه آن

مهلت دهد.

ماده ۲۲۰ - اگر دارنده چک بخوهد از حقی که ماده (۲۱۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند باید ظرف یک سال از تاریخ واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعا کند.

هریک از ظهر نویس ها که بخوهد از حقی که در ماده (۲۱۱) این قانون به او داده شده است استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعا کند و نسبت به او موعد از فرای ابلغ احضاریه دادگاه تجارتي محسوب است و اگر وجه چک را بدون این که علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه کند از فرای روز تأدیه محسوب می شود.

ماده ۲۲۱ - پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق، دعوای دارنده چک بر ظهر نویس ها و همچنین دعوای هر یک از ظهر نویس ها بر ظهر نویس سابق خود مسموع نیست.

ماده ۲۲۲ - دعوای راجع به چک، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجارتي در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره - مواعد مذکور در ماده (۲۲۰) این قانون از شمول این ماده مستثنی است.
ماده ۲۲۳ - مالک چک مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۲۴ - مالک چک مفقود در صورت عدم توافق با صادرکننده می تواند با اثبات مالکیت خویش بر چک و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي، الزام صادرکننده را به پرداخت وجه آن بخوهد چنانچه دادن

تضمین ممکن نباشد، صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ چک به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد. ماده ۲۲۵ - مسؤولین چک ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند در غیر این صورت، ضامن خسارت وارده اند. ماده ۲۲۶ - مبدأ محاسبه خسارت تأدیه برای دارنده چک مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۲۷ - در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان چک صادر شود، دارنده چک می تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای مبلغی که به دارنده چک پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده چک تخصیص می یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می شود که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱ - در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲ - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می شود.

ماده ۲۲۸ - دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن، می تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک را به همراه خسارات تأدیه از صادرکننده وصول کند، برای صدور اجرائیه، دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیه وجه چک یا

محل اقامت صادرکننده تسلیم کند. در صورت دریافت جزئی از مبلغ چک از بانک، ارائه گواهینامه عدم پرداخت کافی است. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء یا مهر و امضای چک با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

ماده ۲۲۹ - در صورت مطالبه وجه چک از طریق اجراء ثبت، اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد.

ماده ۲۳۰ - صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید به عمد چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به دلیل عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضاء، قلم خوردگی در متن چک و اختلاف در مندرجات چک، از پرداخت وجه چک خودداری کند.

ماده ۲۳۱ - مجازات متخلف از هر یک از احکام ماده (۲۳۰) این قانون به قرار زیر است:

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد به حبس تا شش ماه و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و

ممنوعیت از داشتن چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم می شود.

تبصره ۱ - در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چکهای بلامحل نموده باشد. مجموع مبالغ مندرج چکها ملاک عمل است.

تبصره ۲ - دادگاه تجارتي می تواند در صورت وجود جهات مخففه مطابق مقررات مجازات اسلامی تخفیف قائل شود.

ماده ۲۳۲ - هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک کند، به حداکثر مجازات مندرج در بندهای ماده (۲۳۱) این قانون حسب مورد محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳۳ - در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست.

در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

ماده ۲۳۴ - هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند قرار

موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه، رسیدگی و حکم صادر کند.

محکوم علیه، ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک چهارم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

ماده ۲۳۵ - هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در ماده (۲۳۴) این قانون موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک دوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره - دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به‌طور متعارف برای وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تجارتي تقاضا کند، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه تجارتي صادرکننده حکم تقدیم کند.

ماده ۲۳۶ - جرایم مذکور در ماده (۲۳۱) این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست، در صورتی که دارنده چک تا نود روز از تاریخ مندرج چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه (۱۸۰ روز) از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک

ارائه داده است. برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعه دازنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند.

ماده ۲۳۷ - شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آن که انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

در صورتی که دازنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت بانک گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ می ماند.

ماده ۲۳۸ - در موارد زیر صادرکننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

- ۱- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.
- ۲- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۳- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۴- در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

ماده ۲۳۹ - صادرکننده چک یا دازنده یا قائم مقام قانونی آنها، با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری

تحصیل گردیده است می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک به بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر می کند. دارنده چک می تواند علیه شخصی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت نشود، در صورت اثبات سوء نیت دستور دهنده به مجازات مقرر در ماده (۲۳۱) این قانون محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، حداکثر ظرف مدت یک هفته برای اخذ دستور موقت به مرجع قضایی مراجعه و گواهی آن را به بانک ارائه کند، در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می کند. در مورد چک مفقودی لازم است مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد.

تبصره ۲ - در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری کند.

تبصره ۳ - پرداخت چک هایی را که بانکها عهده خود صادر می کنند، به استثناء چکهایی که بانکها در وجه شخص معین، عهده خود صادر کرده اند و مفقود شده است، نمی توان متوقف کرد، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعایی جعل کند، در هر حال دادگاه تجارتي می تواند دستور توقف را صادر کند.

تبصره ۴ - جز در موارد مقرر در این ماده یا امر دادگاه تجارتي، بانک به دستور عدم پرداخت ترتیب اثر نمی دهد.

ماده ۲۴۵ - وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

ماده ۲۴۱- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسؤلیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسؤول خواهد بود.

ماده ۲۴۲- در صورتی که به متهم دسترسی نباشد، ابلاغ به آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه به عمل می آید. هرگاه متهم در این نشانی شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۴۳- بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی های صاحب حساب و شغل صاحب حساب دقت متعارف را اعمال کند در غیر این صورت ضامن خسارات وارد به دارنده چک خواهد بود.

ماده ۲۴۴- بانک مکلف است در قرارداد افتتاح حساب جاری با مشتریان، تمهیدات لازم را برای حصول اطمینان از استرداد اوراق دسته چک داده شده به مشتری، پس از بسته شدن حساب وی پیش بینی کند.

ماده ۲۴۵- بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده اند و تعقیب آنها منتهی به محکومیت قطعی شده است، مسدود سازند و تا سه سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند.

ماده ۲۴۶- بانک ضامن زیانهای ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به چک، در برابر دارنده چک است.

ماده ۲۴۷- بانکها مکلفند ضمن انتشار فهرست شماره های حسابهای جاری مسدود شده، امکان دسترسی اشخاص به فهرست را فراهم کنند.

ماده ۲۴۸ - بانکها مکلفند هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون، نسخهای از آن را برای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال کنند.

ماده ۲۴۹ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بی محل کرده‌اند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست شده است، به صورت روزآمد، مرتب و منظم ضبط و نگهداری کنند و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد.

ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص مذکور از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذی‌نفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ به استعلام از بانکها به موجب آئین‌نامه‌ای که به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید شورای پول و اعتبار به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، تعیین می‌شود.

ماده ۲۵۰ - چنانچه بانکها به تکلیف مقرر در مواد (۲۴۷) و (۲۴۸) این قانون و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تکلیف ماده (۲۴۹) این قانون عمل نکنند، علاوه بر اعمال ضمانت‌اجراهای مقرر در قانون پولی و بانکی حسب مورد مسؤول جبران خسارات وارده نیز خواهند بود.

فصل دوم - سفته

ماده ۲۵۱ - سفته سندی است که به موجب آن شخصی بدون قید و شرط تعهد میکند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل، شخص معین و یا به حواله کرد او پرداخت کند.

ماده ۲۵۲ - سفته علاوه بر نام و امضاء یا مهر و امضای متعهد باید متضمن موارد زیر

باشد:

۱- قید کلمه «سفته»

۲- تاریخ و محل صدور

۳- مبلغی که باید تأدیه شود با حروف.

۴- گیرنده وجه

۵- تاریخ پرداخت

۶- نشانی کامل محل پرداخت

ماده ۲۵۳ - در صورتی که سفته متضمن یکی از مشخصات مقرر در مواد (۲۵۱) و

(۲۵۲) این قانون نباشد مشمول مقررات راجع به سفته نخواهد بود، مگر در موارد زیر:

۱- اگر گیرنده وجه قید نگردد، سفته در وجه حامل محسوب است.

۲- اگر سررسید درج نشود، سفته عندالمطالبه محسوب است.

۳- اگر محل صدور درج نگردد، محل تأدیه، محل صدور محسوب است.

ماده ۲۵۴ - چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه سفته از محل حساب

جاری یا حساب پس انداز یا هر نوع حساب دیگری پرداخت می شود، باید نشانی شعبه

بانک و شماره حساب به عنوان محل تأدیه در سفته درج شود.

ماده ۲۵۵ - اگر مبلغ سفته بیش از یک بار به حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف

باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف

باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین

آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۲۵۶ - سفته ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این

صورت اگر امضاء کننده سمت خویش را در متن سفته قید نکند با دستور دهنده مسؤولیت تضامنی دارد و اگر فراتر از حدود اختیار یا بدون اختیار عمل کند، شخصاً مسؤول است.

ماده ۲۵۷ - اگر سفته هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای (۳)، (۴)، (۵) و (۶) ماده (۲۵۲) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته را خواهد داشت. در این صورت:

الف - صادرکننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب - اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضاء یا مهر و امضاء کرده اند در حدود مفاد سفته در برابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۲۵۸ - سفته ممکن است عندالمطالبه باشد یا به وعده از مطالبه یا به وعده از تاریخ صدور. پرداخت سفته ممکن است به روز معینی موکول شود.

ماده ۲۵۹ - موعد پرداخت سفته ای که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از مطالبه وعده دارد به وسیله امضاء یا مهر و امضای مجدد صادرکننده در روی سفته توأم با درج تاریخ مطالبه معین می شود. در صورت استنکاف صادرکننده از امضاء یا مهر و امضای مجدد، رعایت تشریفات مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون به منزله مطالبه خواهد بود.

ماده ۲۶۰ - اگر موعد پرداخت سفته با تعطیل رسمی تصادف کند، باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود.

ماده ۲۶۱ - در سفته ای که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا مطالبه تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می شود.

ماده ۲۶۲ - انتقال سفته به حواله کرد شخص معین به وسیله ظهرنویسی و تسلیم سند به عمل می آید.

ماده ۲۶۳ - ظهرنویسی سفته با امضاء یا مهر و امضای دارنده در پشت سفته محقق می‌شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که سفته به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود، در غیراین صورت دارنده سفته مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۲۶۴ - ظهرنویسی سفته‌ای که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرده» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می‌شود. در موردی که بانک به عنوان محل تأدیه معین شده است وجه سفته فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است. ماده ۲۶۵ - انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند در مقابل دارنده به ایزادات شخصی ناشی از روابط خصوصاً اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

ماده ۲۶۶ - سفته در وجه حامل، بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض قابل به غیر انتقال یابد. سفته متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

اگر سفته در وجه حامل به نام شخص معین ظهرنویسی شود همچنان سفته در وجه حامل محسوب می‌شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسئولیت خواهد بود. ماده ۲۶۷ - ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند، در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۲۶۳) این قانون است.

ماده ۲۶۸ - هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدماتی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارده به ظهرنویس‌های ماقبل خود و دارنده سفته، به جزای نقدی معادل یک

چهارم مبلغ سفته محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۹ - ظهرنویسی حاکی از انتقال سفته است مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال سفته واقع نمی شود اما وکیل حق واخواست یا مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۲۷۰ - وکالت در وصول سفته شرح ماده (۲۶۹) این قانون با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل متفی نمی شود.

ماده ۲۷۱ - ظهرنویسی سفته پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست نامه، انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۲۶۳) این قانون می شود.

ماده ۲۷۲ - چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسؤولین سند نمی تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسؤولیت خویش خودداری کند. لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ سفته باطل است.

ماده ۲۷۳ - ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ سفته ضمانت شود.

ماده ۲۷۴ - ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضای ضامن و درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود. در صورت عدم ذکر نام مضمون عنه، ضمانت به نفع صادرکننده محسوب است.

ماده ۲۷۵ - ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسؤولیت تضامنی دارد. به هر حال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده سفته می تواند به هر یک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۲۷۶ - مسؤولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۷۷ - ضامن در صورت پرداخت مبلغ سفته از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که نسبت به شخص اخیر در سفته مسؤولیت دارند، برخوردار خواهد بود.

ماده ۲۷۸ - سفته به وعده از مطالبه یا صدور باید روز آخر وعده پرداخت شود.

ماده ۲۷۹ - روز رؤیت در سفته‌ای که به وعده از مطالبه است و روز صدور سفته در سفته‌هایی که به وعده از تاریخ صدور است، حساب نمی‌شود.

ماده ۲۸۰ - شخصی که وجه سفته را قبل از موعد می‌پردازد در مقابل اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند مسؤول است.

ماده ۲۸۱ - دارنده سفته را نمی‌توان به دریافت پیش از موعد مبلغ سفته اجبار کرد.

ماده ۲۸۲ - چنانچه وجه سفته قانوناً نزد صادرکننده توقیف شده باشد، صادرکننده نباید وجه سفته را بپردازد و در صورت پرداخت مسؤول خواهد بود.

ماده ۲۸۳ - اگر جزئی از مبلغ سفته پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه سفته می‌تواند به مسؤولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزئی از مبلغ سفته پرداخت‌کننده می‌تواند پرداخت را موکول به درج آن در پشت سفته یا امضاء یا مهر و امضاء دریافت‌کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی سفته کند.

ماده ۲۸۴ - دادگاه تجارتي نمی‌تواند بدون رضایت صاحب سفته برای تأدیه وجه آن مهلت دهد.

ماده ۲۸۵ - صادرکننده یا صادرکنندگان و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده سفته مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده سفته در صورت عدم تأدیه می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به

صادرکننده و ظهرنویس های ماقبل خود دارد.

طرح دعوا بر یک یا چند تن از مسؤولین موجب اسقاط حق رجوع به سایرین نیست. دارنده ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۸۶ - در اجرای ماده (۲۸۵) این قانون، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که سفته را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی شود.

ماده ۲۸۷ - ظهرنویس می تواند با تصریح به عدم مسؤولیت مقرر در ماده (۲۸۵) این قانون ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۲۸۸ - دارنده سفته علاوه بر مبلغ تأدیه نشده سفته می تواند ارقام زیر را نیز از مسؤولین سند مطالبه کند:

۱ - خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه سفته تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تأدیه نشده.

۲ - هزینه و اخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره - خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود. به هر حال خسارت تأخیر تأدیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

ماده ۲۸۹ - هر یک از مسؤولین تأدیه سفته می تواند پرداخت را به تسلیم سفته و اخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید پردازد، موکول کند.

ماده ۲۹۰ - مالک سفته مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را

با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده (۳۰۳) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۹۱ - مالک سفته مفقود، در صورت عدم توافق با صادرکننده می تواند با اثبات مالکیت خویش بر سفته و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتی الزام صادرکننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ سفته به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ سفته، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۲۹۲ - مسؤولین سفته ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند در غیر این صورت ضامن خسارت وارده خواهند بود.

ماده ۲۹۳ - مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۹۴ - نسبت به سفته هایی که وجه آن باید به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود دارنده سفته مکلف است پرداخت یا مطالبه آن را ظرف یکسال از تاریخ صدور سفته تقاضا کند و الا حق رجوع به ظهرنویسان را نخواهد داشت.

ماده ۲۹۵ - دارنده سفته باید ظرف پانزده روز از تاریخ سررسید وجه آن را مطالبه کند، در غیر این صورت دعوی او بر ظهرنویسان مسموع نیست.

ماده ۲۹۶ - اگر روز پانزدهم تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده قبل افزوده می شود.

ماده ۲۹۷ - در مورد مواد (۲۹۴) و (۲۹۵) این قانون تاریخ تقاضای واخواست یا

صدور گواهینامه عدم پرداخت رعایت مهلت‌های مذکور را ثابت می‌کند.

ماده ۲۹۸ - در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی که رفع آن از حیطة اختیار دارنده خارج است، ارائه سفته برای پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه سفته برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۲۹۹ - در خصوص ماده (۲۹۸) این قانون دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد و گرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و صادرکننده را نخواهد داشت.

ماده ۳۰۰ - دارنده سفته‌ای که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا واخواست‌نامه شده باشد باید مراتب را ظرف ده روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست‌نامه به طریق مضبوطی به شخصی که سفته را به او واگذار نموده، ابلاغ کند. هر یک از ظهرنویسان نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق مراتب را به طریق مضبوطی به بد ماقبل خود ابلاغ کند در غیر این صورت مسؤول خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

ماده ۳۰۱ - در صورت اقامه دعوی دادگاه تجارتي مکلف است به مجرد تقاضای دارنده سفته‌ای که به علت واخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده باشد معادل وجه سفته را از اموال خواننده یا خواندگان به‌عنوان تأمین توقیف کند.

ماده ۳۰۲ - ارائه سفته و عدم تأدیه وجه آن از طریق واخواست یا گواهینامه عدم

پرداخت ثابت می شود، در صورت فوت و ورشکستگی صادرکننده، دارنده از تکلیف فوق معاف خواهد بود. همین حکم در موردی نیز که صادرکننده سفته قبل از موعد سفته ورشکسته شود جاری خواهد بود.

ماده ۳۰۳- و اخواست نامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور و دفاتر دادگاههای تجارته طبق مقررات به محل پرداخت سفته ابلاغ می شود و باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱- رونوشت کامل سفته با تمام مندرجات سفته اعم از مشخصات ضامن، ظهن نویس و غیره و یا تصویر آن.

۲- تقاضای تأدیه وجه سفته.

ماده ۳۰۴- چنانچه بانک، محل تأدیه سفته باشد بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت، گواهینامه ای با محتویات زیر صادر نموده و به دارنده سفته تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل سفته.

۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.

۴- تاریخ ارائه سفته به بانک.

۵- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضاء

یا مهر و امضاء موجود در بانک.

۶- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده سفته.

۷- علت یا علل عدم پرداخت.

در صورتی که موجودی حساب صادرکننده سفته نزد بانک کمتر از مبلغ سفته باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت سفته پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر نماید. گواهینامه

بانک در این مورد برای دارنده سفته جانشین اصل سفته خواهد بود.

ماده ۳۰۵ - بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۳۰۶ - بانک مکلف است گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

ماده ۳۰۷ - اگر دارنده سفته بخواهد از حقی که ماده (۲۸۵) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف یک سال از تاریخ وخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعا کند.

هر یک از ظهر نویس ها که بخواهد از حقی که در ماده (۲۸۵) این قانون به او داده شده استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتمی محسوب است و اگر وجه سفته را بدون این که علیه او اقامه دعوا شده باشد تأدیه کند از فردای روز تأدیه محسوب است.

ماده ۳۰۸ - پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق دعوی دارنده سفته علیه ظهر نویس ها و همچنین دعوای هر یک از ظهر نویس ها بر ظهر نویس سابق خود مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ - دعوای راجع به سفته، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا وخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجاری در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره - مواعد مذکور در ماده (۳۰۷) این قانون از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۳۱۰ - صادرکننده و ظهر نویس ها و ضامن می توانند با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در سفته نوشته، امضاء یا مهر و امضاء می شود، دارنده را از

اعتراض عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه سفته ظرف مهلت مقرر معاف نمی‌کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می‌کند.

اگر این شرط توسط صادرکننده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسؤولان سفته می‌شود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علی‌رغم درج شرط در سفته به وسیله صادرکننده، دارنده سفته اعتراض به عمل آورد، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض (اگر انجام شده باشد) از تمام مسؤولان سفته قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت سفته بانک صادرکننده باشد اعمال نمی‌شود.

ماده ۳۱۱- در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان سفته صادر شود، دارنده سفته می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ‌یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده سفته پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این‌که مجموع مطالبی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده سفته تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱- در هر حال دارنده سفته نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک

دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می شود.

ماده ۳۱۲- دارنده سفته‌ای که محل تأدیة آن بانک است در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن می تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه سفته را به همراه خسارت تأخیر تأدیة از صادرکننده وصول کند. برای صدور اجرائیه دارنده سفته باید عین سفته و گواهینامه مذکور در ماده (۳۰۴) این قانون را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیة سفته یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند.

در صورتی که بخشی از وجه پرداخت شده باشد گواهینامه مزبور جانشین سفته هم هست.

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضاء یا مهر و امضای سفته با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده توسط بانک گواهی شده باشد.

ماده ۳۱۳- در صورتی که صادرکننده سفته، شخص حقوقی باشد و امضاء کننده یا امضاءکنندگان پرداخت وجه آن را از طرف شخص حقوقی ضمانت کرده باشند اجرائیه به نحو تضامن علیه شخص حقوقی و امضاء کننده یا امضاءکنندگان صادر می گردد.

ماده ۳۱۴- با تقاضای دارنده سفته، اجرای ثبت مکلف است معادل مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیة و هزینه اجرا را از اموال ثبت شده صادرکننده و همچنین ضامن مذکور در ماده (۳۱۳) این قانون رأساً شناسایی و بازداشت کند، درخصوص اموال ثبت نشده توقیف توسط اجرای ثبت مطابق مقررات موجود انجام خواهد شد.

ماده ۳۱۵- اجرای ثبت مکلف است به تقاضای دارنده و با معرفی مشخصات صادرکننده و شعبه بانک یا مؤسسه اعتباری و مالی که وی احتمال وجود حساب مفتوح صادرکننده را می دهد، شماره حساب بانکی صادرکننده و کفایت موجودی را استعلام در حدود طلب بازداشت کند.

ماده ۳۱۶ - تقاضای اجرا باید حداکثر ظرف یک سال از صدور گواهینامه عدم پرداخت به عمل آید.

ماده ۳۱۷ - در مورد سفته‌هایی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی سفته تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات ناشی از سفته (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. با وجود این، اگر شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از آن مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از سفته مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۱۸ - اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از سفته و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل سوم - برات

ماده ۳۱۹ - برات سندی است که به موجب آن شخصی به شخص دیگری دستور بی قید و شرط می‌دهد تا در موعد معین یا به رؤیت مبلغی را به شخص ثالث یا دستوردهنده یا به حواله کرد آنها پرداخت کند.

به دستوردهنده «براتکش» یا «صادرکننده» یا «برات دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می‌کند «براتگیر» و به شخص ثالث، «دارنده برات» می‌گویند.

ماده ۳۲۰ - برات علاوه بر امضاء یا مهر و امضای برات دهنده باید متضمن موارد زیر

باشد:

- ۱- قید کلمه «برات».
 - ۲- نام و محل اقامتگاه صادرکننده برات.
 - ۳- تاریخ صدور به روز و ماه و سال.
 - ۴- محل صدور.
 - ۵- مبلغ برات.
 - ۶- موعد پرداخت مبلغ برات.
 - ۷- نشانی کامل محل پرداخت برات.
 - ۸- نام و محل اقامتگاه (براتگیر).
 - ۹- نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله کرد او پرداخت شود.
 - ۱۰- در صورتی که برات در بیش از یک نسخه صادر شود قید این که نسخه اول، دوم، سوم یا الی آخر است.
- ماده ۳۲۱- در صورتی که برات مطابق ماده (۳۲۰) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات برات نخواهد بود مگر در موارد زیر:
- ۱- براتی که در آن موعد پرداخت مشخص نشده باشد، به رؤیت تلقی می شود.
 - ۲- در صورتی که مکان پرداخت مبلغ برات مشخص نباشد، اقامتگاه براتگیر مکان پرداخت تلقی می شود.
 - ۳- در صورتی که محل صدور برات ذکر نشود، اقامتگاه برات دهنده محل صدور برات تلقی می شود.
- ماده ۳۲۲- اگر برات هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۳۲۰) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار برات را خواهد داشت. در این صورت:

الف - صادرکننده نمی تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب - اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهر نویس امضاء یا مهر و امضاء کرده اند در حدود مفاد برات در برابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۳۲۳ - چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه برات از محل حساب جاری یا حساب پس انداز یا هر نوع حساب دیگری قابل پرداخت باشد، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل پرداخت در برات قید شود.

ماده ۳۲۴ - اگر مبلغ برات بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ به حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۳۲۵ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت امضاءکننده باید سمت خویش را در برات ذکر کند، وگرنه با دستوردهنده مسؤولیت تضامنی خواهد داشت و چنانچه فراتر از حدود اختیار، یا بدون داشتن اختیار عمل کند، شخصاً مسؤول است.

ماده ۳۲۶ - موعد پرداخت ممکن است برات به رؤیت به وعده از رؤیت یا به وعده از تاریخ صدور یا به روز معین باشد.

ماده ۳۲۷ - هرگاه براتگیر یا شخص ثالث، برات به رؤیت را قبول کند باید فوراً آن را پرداخت کند.

ماده ۳۲۸ - سررسید براتی که به وعده از رؤیت صادر شده، به وسیله تاریخ قبولی و در صورت خودداری براتگیر از قبول، به وسیله تاریخ وخواست نامه نکول معین می شود.

ماده ۳۲۹- اگر سررسید برات مصادف با تعطیل رسمی باشد باید روز بعد از تعطیل پرداخت شود.

ماده ۳۳۰- برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود.

ماده ۳۳۱- براتگیر تا زمانی که برات را قبول نکرده است نسبت به آن مسؤول نیست، ولی اگر قبول کند، حق نکول ندارد.

ماده ۳۳۲- قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضاء یا مهر و امضاء می شود. اگر در برات قابل پرداخت به وعده از رؤیت، قبولی بدون تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت تلقی می شود.

ماده ۳۳۳- هر عبارتی که براتگیر در برات بنویسد و امضاء یا مهر و امضاء کند قبولی محسوب است، مگر این که صراحت بر عدم قبول داشته باشد. در صورتی که عبارت حاکی از عدم قبول جزئی از مبلغ برات باشد، برات نسبت به بقیه مبلغ آن قبول شده محسوب می شود. در صورتی که براتگیر بدون درج عبارتی، برات را امضاء یا مهر و امضاء کند برات قبول شده تلقی می شود.

ماده ۳۳۴- قبول برات نباید مشروط به تحقق شرطی شود، در صورت قبولی مشروط، برات نکول شده محسوب می شود. با این حال براتگیر در حدود شرطی که نوشته مسؤول پرداخت وجه برات است.

ماده ۳۳۵- قبولی برات ممکن است منحصر به جزئی از مبلغ برات باشد، در این صورت دارنده می تواند برای بقیه مبلغ آن اعتراض کند.

ماده ۳۳۶- براتگیر نمی تواند تقاضا کند که برای نوشتن قبولی عین برات نزد او باقی بماند. هرگاه برات در نسخه های متعدد نوشته شده باشد، فقط نسخه ای که مخصوص

براتگیر است نزد او باقی خواهد ماند.

ماده ۳۳۷ - اعتراض به نکول برات باید با «واخواست نامه عدم قبول» تحقق یابد.

ماده ۳۳۸ - براتگیر می تواند هنگام قبول برات، حسب مورد محل دیگری را غیر از محل پرداخت یا اقامتگاه خود برای پرداخت مبلغ برات تعیین کند. در این صورت برات در محل اخیر قابل پرداخت است.

تبصره - محل ثالثی که توسط براتگیر تعیین می شود نمی تواند خارج از محدوده استان محل اقامتگاه او یا دارنده برات باشد.

ماده ۳۳۹ - با ارسال واخواست نامه عدم قبول، ظهرنویس ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامن معتبری برای تأدیه و مبلغ آن در موعد معرفی کنند یا مبلغ برات را به اضافه مخارج واخواست نامه فوری پرداخت کنند.

ماده ۳۴۰ - اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی مبلغ آن را نپرداخته است، واخواست نامه عدم پرداخت صادر شود، دارنده برات دیگری که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است، می تواند از قبول کننده تقاضا کند که برای پرداخت مبلغ آن ضامن معتبر معرفی کند یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

ماده ۳۴۱ - انتقال برات حتی در مواردی که با صراحت به حواله کرد صادر نشده باشد، از طریق ظهرنویسی به عمل می آید.

ماده ۳۴۲ - ظهرنویسی براتی که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می شود. در موردی که بانک به عنوان محل تأدیه معین شده است وجه برات فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

ماده ۳۴۳ - انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به موجب آن انتقال دهند، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می تواند

در مقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که وی سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

ماده ۳۴۴ - ظهر نویسی برات با امضاء یا مهر و امضای دارنده در پشت برات محقق می شود. ممکن است در ظهر نویسی نام شخصی که برات به نام او منتقل می شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیر این صورت دارنده برات مجاز به تکمیل ظهر نویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۳۴۵ - برات متضمن ظهر نویسی فاقد نام انتقال گیرنده یا «در وجه حامل» از طریق قبض و اقباض قابل انتقال به غیر است.

ماده ۳۴۶ - ظهر نویس برات می تواند ظهر نویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهر نویسی مجدد انتقال عادی محسوب می شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۳۴۲) این قانون است.

ماده ۳۴۷ - هرگاه در ظهر نویسی عامداً تاریخ مقدماتی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهر نویس های ماقبل خود و دارنده برات، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ برات محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۸ - چنانچه ظهر نویسی توأم با شرط باشد، ظهر نویسی معتبر است و هیچ یک از مسؤولین سند نمی تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسؤولیت خویش خودداری کند، لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است.

ظهر نویسی جزئی از مبلغ برات باطل است.

ماده ۳۴۹ - ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که ظهر نویس وکالت در وصول را قید کرده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نمی شود ولی وکیل حسب مورد حق اعتراض عدم قبول و یا اعتراض عدم پرداخت را از طریق و اخواست نامه یا گواهی نامه

عدم پرداخت خواهد داشت.

ماده ۳۵۰- وکالت در وصول برات به شرح ماده (۳۴۹) این قانون با فوت یا حجر
ظهن نویس (موکل) منتفی نمی شود.

ماده ۳۵۱- برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهن نویس ها در مقابل دارنده
برات مسؤولیت تضامنی دارند. در صورت عدم پرداخت مبلغ برات، دارنده آن می تواند پس
از اعتراض عدم پرداخت به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر به انفراد یا اجتماع
رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهن نویس ها نسبت به برات دهنده و ظهن نویس های
ماقبل خود دارد.

اقامه دعوا بر یک یا چند نفر از مسؤولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر
مسؤولان برات نیست. اقامه کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهن نویسی را از حیث تاریخ
رعایت کند.

ماده ۳۵۲- در اجرای ماده (۳۵۱) این قانون، جز در موارد ایرادات مرتبط با شرایط
شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی
که برات را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی شود.

ماده ۳۵۳- ظهن نویس می تواند با تصریح به عدم مسؤولیت مقرر در ماده (۳۵۱) این
قانون ضمن ظهن نویسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۳۵۴- دارنده برات، علاوه بر مبلغ پرداخت نشده برات می تواند از قام زیر را نیز
از مسؤولان برات مطالبه کند:

- ۱- خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ و اخواست نامه عدم پرداخت یا گواهی نامه عدم
پرداخت تا روز پرداخت نسبت به مبلغ پرداخت نشده.
- ۲- هزینه و اخواست نامه یا گواهی نامه عدم پرداخت و حق الوکاله و هزینه دادرسی و

هزینه اجرای ثبت.

تبصره - خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین می‌گردد. به هر حال خسارت تأخیر تأدیه نباید از شش درصد (۶٪) در سال کمتر باشد.

ماده ۳۵۵ - هر یک از مسؤولان پرداخت برات، می‌تواند پرداخت مبلغ آن را به تسلیم برات، وخواست‌نامه یا گواهی‌نامه عدم پرداخت و حسب مورد صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موقوف کند.

ماده ۳۵۶ - در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان برات صادر شود، دارنده برات می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ برات، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود، مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده برات پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده برات تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱ - در هر حال، دارنده برات نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲ - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

ماده ۳۵۷ - پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید با این حال در مواردی که برات به پول خارجی است و پرداخت آن به دلیل موانع قانونی متعذر شده و همچنین در صورت توافق طرفین، مبلغ برات ممکن است معادل ارزش روز سرسید و اگر

برات با تأخیر پرداخت می شود، معادل ارزش روز سررسید یا روز پرداخت، به انتخاب دارنده برات به ریال پرداخت شود.

ماده ۳۵۸- دارنده برات رانمی توان به دریافت پیش از موعد مبلغ برات اجبار کرد.
ماده ۳۵۹- برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود. شخصی که وجه برات را قبل از موعد، پرداخت می کند در مقابل اشخاصی که نسبت به مبلغ برات حقی دارند مسؤول است.

ماده ۳۶۰- در براتی که به وعده از رؤیت است، روز مطالبه و در براتی که به وعده از تاریخ صدور است، روز صدور محاسبه نمی شود.

ماده ۳۶۱- در براتی که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا رؤیت تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می شود.

ماده ۳۶۲- اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، حق مراجعه به ظهرنویس های قبل از خود و برات دهنده ای که به مهلت رضایت نداده اند، ندارد.
ماده ۳۶۳- پرداخت مبلغ برات در وعده سبب براثت است، مگر این که مبلغ برات به حکم قانون نزد پرداخت کننده توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را پردازد و در صورت پرداخت مسؤول خواهد بود.

ماده ۳۶۴- اگر جزئی از مبلغ برات پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویس ها بری می شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه برات می تواند به مسؤولان سند رجوع کند. در صورت پرداخت جزئی از مبلغ برات پرداخت کننده می تواند پرداخت را موکول به درج آن در پشت برات با امضاء یا مهر و امضاء دریافت کننده، ارائه رسید، تصویب مصلدق پشت و روی برات کند.

ماده ۳۶۵- پرداخت مبلغ برات ممکن است به موجب نسخه دوم، سوم و چهارم و به

بعد، به عمل آید، مشروط بر این که در روی نسخه‌ای که برات براساس آن پرداخت می‌شود ذکر شود که پس از پرداخت مبلغ برات به موجب این نسخه، نسخه‌های دیگر از اعتبار ساقط هستند.

ماده ۳۶۶ - شخصی که مبلغ برات را براساس نسخه‌ای پردازد که قبولی در روی آن نوشته نشده است، در مقابل شخصی که نسخه قبول شده برات را در اختیار دارد، مسؤول پرداخت مبلغ آن است.

ماده ۳۶۷ - در صورت مفقود شدن نسخه‌ای از براتی که در چند نسخه صادر شده و هنوز قبول نشده است، دارنده آن می‌تواند قبولی و وصول آن را براساس نسخه‌های دوم یا سوم یا چهارم و بعد از آن تقاضا کند.

ماده ۳۶۸ - اگر نسخه متضمن قبولی مفقود شده باشد، ذی‌نفع می‌تواند با مراجعه به دادگاه تجارته، با اثبات اخذ قبولی و دادن تضمین مناسب، وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۶۹ - در صورت مفقود شدن براتی که فقط در یک نسخه صادر شده است، اعم از این که قبولی در روی آن نوشته شده یا نشده باشد، ذی‌نفع آن می‌تواند به‌ترتیبی که در ماده (۳۷۰) این قانون پیش‌بینی شده، نسخه جایگزین برات را تحصیل کند. چنانچه تحصیل نسخه جایگزین برات ممکن نشود و براتگیر یا صادرکننده نیز به پرداخت مبلغ برات رضایت ندهند، ذی‌نفع می‌تواند با اثبات مالکیت خویش نسبت به برات و اثبات اخذ قبولی (در صورتی که ذی‌نفع مدعی اخذ قبولی برات مفقود شده باشد) و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارته، حسب مورد الزام قبول‌کننده یا صادرکننده یا سایر مسؤولان برات را به پرداخت مبلغ برات به‌طور تضامنی تقاضا کند.

چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، قبول‌کننده یا صادرکننده حسب مورد ملزم به

ایداغ مبلغ برات در صندوق دادگستری هستند. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ برات، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۳۷۰ - صاحب برات مفقود، برای تحصیل نسخه جایگزین باید به ظهرنویس پیش از خود، رجوع کند.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات، اختیار مراجعه به ظهرنویس مقابل خود را بدهد و او را راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس مقابل خود بدهد تا به برات دهنده برسد، مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۳۷۱ - دادگاههای تجارتي نمی توانند بدون رضایت دارنده برات، برای پرداخت مبلغ آن مهلتی بدهند.

ماده ۳۷۲ - مالک برات مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده (۳۶۵) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۳۷۳ - مسؤولین برات ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند، وگرنه ضامن خسارت وارده می شوند.

ماده ۳۷۴ - مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده برات مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۳۷۵ - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده، یکی از ظهرنویس ها یا یکی از ضامن ها مبلغ برات اعتراض شده را پرداخت کند. دخالت شخص ثالث و پرداخت

مبلغ باید در واخواست نامه عدم پرداخت ذکر شود.

ماده ۳۷۶ - پرداخت توسط شخص ثالث باید شامل تمام مبلغی باشد که مدیون اصلی مکلف به پرداخت آن است. این پرداخت باید تا پایان مهلت مقرر در واخواست نامه عدم پرداخت صورت گیرد. در صورت پرداخت، اصل برات و واخواست نامه عدم تأدیه باید به شخص ثالث مسترد شود.

ماده ۳۷۷ - دارنده ای که پرداخت مبلغ برات توسط شخص ثالث را رد می کند، حق رجوع خود را نسبت به مسؤولانی که با این پرداخت بری می شوند از دست می دهد.

ماده ۳۷۸ - شخص ثالثی که مبلغ برات را پرداخت می کند باید ذکر کند پرداخت از طرف کدام یک از مسؤولان برات انجام می گیرد. در صورت عدم ذکر، پرداخت از طرف برات دهنده فرض می شود.

ماده ۳۷۹ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است؛ با این حال پرداخت کننده نمی تواند برات را دوباره ظهرنویسی کند.

ماده ۳۸۰ - اگر مبلغ برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت کند، تمام ظهرنویسها و ضامن ها بری می شوند و اگر پرداخت مبلغ از طرف یکی از ظهرنویس ها یا ضامن ها باشد، ظهرنویس های بعد از او و ضامنان آنها بری می شوند.

ماده ۳۸۱ - اگر چند شخص به اتفاق برای پرداخت مبلغ برات از سوی یکی از مسؤولان برات اعلام آمادگی کنند، پیشنهاد شخصی پذیرفته می شود که پرداخت مبلغ از سوی او تعداد بیشتری از مسؤولان را بری می کند. اگر خود براتگیر پس از اعتراض، برای پرداخت مبلغ برات حاضر شود، بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد. هر شخصی که با آگاهی از موضوع، خلاف این قاعده عمل کند، حق رجوع خود را نسبت به آنهایی که برات می یافتند از دست می دهد.

ماده ۳۸۲- ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ برات ضمانت شود.
ماده ۳۸۳- ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسؤولیت تضامنی دارد. به هر حال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده برات می تواند به هر یک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۳۸۴- ضمانت با درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضای توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می شود، با وجود این، صرف درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضای روی برات، ضمانت از صادرکننده محسوب می شود. صرف درج نام و امضاء یا مهر و امضای پشت برات به عنوان ضمانت تلقی نمی شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

ماده ۳۸۵- ضامن در صورت پرداخت مبلغ برات، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسؤولیت دارند، برخوردار است.
ماده ۳۸۶- مسؤولیت ضامن، جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۳۸۷- نسبت به برات هایی که مبلغ آنها باید در ایران عندالمطالبه یا به وعده از رؤیت پرداخت شود، اعم از این که برات در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، دارنده برات مکلف است قبولی یا پرداخت آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنویس ها و همچنین به برات دهنده ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

ماده ۳۸۸- اگر در برات، اعم از اینکه در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد، دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنویس ها و همچنین برات دهنده ای که مبلغ

برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

ماده ۳۸۹- اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد، دارنده برات باید در همان مدت تقاضای قبولی کند، وگرنه درمقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات راجع به برات استفاده کند.

ماده ۳۹۰- هرگاه دارنده برات عندالمطالبه یا به وعده از رؤیت که در ایران صادر شده است و باید در یک کشور دیگر پرداخت شود، در مواعید مقرر در مواد قبل، قبولی یا پرداخت مبلغ برات را تقاضا نکرده باشد، مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد، مگر این که بین دارنده برات و برات دهنده و ظهرنویس ها به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۳۹۱- دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۹۲- اعتراض به امتناع از پرداخت مبلغ برات باید ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله وخواستنامه عدم پرداخت معین شود.

تبصره - در مواردی که بانک براتگیر به عنوان محل پرداخت مبلغ برات تعیین شده است گواهینامه عدم پرداخت که ظرف ده روز از تاریخ وعده به تقاضای دارنده از سوی بانک براتگیر صادر می شود، جایگزین وخواستنامه عدم پرداخت محسوب می شود.

ماده ۳۹۳- اگر روز دهم تعطیل باشد، وخواستنامه باید در اولین روز غیر تعطیل بعد از آن ارسال شود. در صورتی که محل پرداخت برات بانک باشد صدور گواهینامه عدم پرداخت نیز باید روز بعد از تعطیل تقاضا شود.

ماده ۳۹۴- در صورت فوت یا ورشکستگی براتگیر، دارنده برات از اعتراض عدم قبولی یا نکول یا اعتراض پرداخت معاف است. همین حکم در موردی نیز که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود، جاری خواهد بود.

ماده ۳۹۵ - در صورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی که رفع آن از حیطة اختیار دارنده خارج است، ارائه برات برای قبولی یا پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیر قابل پیش بینی افزایش می یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه برات برای قبولی یا پرداخت و در صورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۳۹۶ - در خصوص ماده (۳۹۵) این قانون دارنده مکلف است در اولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد و گرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و برات دهنده را نخواهد داشت.

ماده ۳۹۷ - در مورد براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده است، دارنده برات باید ظرف ده روز از تاریخ اعتراض، مراتب عدم پرداخت مبلغ برات را به طریق مضبوطی به کسی که برات را به او واگذار کرده اطلاع دهد. همین تکلیف را هر یک از ظهرنویس هان نسبت به ظهرنویس ماقبل خود دارد، در غیر این صورت دارنده برات و هر یک از ظهرنویس ها، مسؤول خساراتی خواهد بود که در نتیجه عدم اطلاع به ظهرنویس قبلی خود وارد شده است.

ماده ۳۹۸ - اگر دارنده براتی که باید در ایران پرداخت شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواند از حقی که ماده (۳۵۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوا کند. این مدت برای برات هایی که باید در کشور دیگر پرداخت شود، یک سال خواهد بود.

تبصره - در مورد برات هایی که مطابق ماده (۴۰۹) این قانون متضمن شرط بدون

اعتراض است، دعوا باید به ترتیب ظرف شش ماه و یک سال از تاریخ عدم پرداخت اقامه شود.

ماده ۳۹۹ - هر یک از ظهرنویس ها که بخواهد از حقی که ماده (۳۵۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید در مهلت های مذکور در ماده (۳۹۸) این قانون اقامه دعوا کند و نسبت به او مهلت های اقامه دعوا از فردای روز ابلاغ اخطاریه دادگاه تجارتي محاسبه می شود و اگر مبلغ برات را بدون این که بر او اقامه دعوا شود، پرداخت کرده باشد، این مهلت ها از فردای روز پرداخت محاسبه خواهد شد.

ماده ۴۰۰ - پس از انقضای مهلت های مذکور در مواد (۳۹۸) و (۳۹۹) این قانون، دعوای دارنده برات علیه ظهرنویس ها و همچنین دعوای هر یک از ظهرنویس ها علیه ید سابق خود برای استفاده از حقوق ماده (۳۵۱) این قانون در دادگاه تجارتي پذیرفته نمی شود. ماده ۴۰۱ - پس از انقضای مواعد مذکور در مواد (۳۹۸) و (۳۹۹) این قانون، دعوای دارنده و ظهرنویس های برات علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر این که برات دهنده کند در سر وعده مبلغ برات را به براتگیر پرداخت کرده است. در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به براتگیر را خواهد داشت.

ماده ۴۰۲ - اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض یا برای اقامه دعوا مقرر است، برات دهنده یا هر یک از ظهرنویس ها از طریق تهاثر یا عنوان دیگر مبلغی را که به منظور پرداخت برات به براتگیر رسانیده بود، مسترد کند، دارنده برات حق خواهد داشت علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوا کند.

ماده ۴۰۳ - پس از اقامه دعوا، دادگاه تجارتي مکلف است صرف تقاضای دارنده براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده یا دارنده براتی که پرداخت نشده ولی در مورد آن مطابق ماده (۴۰۸) اعتراض عدم پرداخت ضرورت نداشته است، دستور توقیف معادل

مبلغ برات را از اموال خواننده به عنوان تأمین خواسته صادر کند.

ماده ۴۰۴ - اعتراض در موارد زیر به عمل می آید:

۱- امتناع از قبول یا نکول.

۲- عدم پرداخت مبلغ برات.

۳- اعتراض عدم قبول یا نکول از طریق وخواست نامه و اعتراض عدم پرداخت

توسط وخواست نامه یا گواهینامه عدم پرداخت حسب مورد صادر می شود.

ماده ۴۰۵ - وخواست نامه توسط دادگاههای تجارتهی طبق مقررات به محل اقامت

براتگیر، اشخاصی که برای پرداخت برات معین شده اند یا شخص ثالثی که برات را قبول کرده است ابلاغ می شود و باید منضم به رونوشت کامل برات شامل مشخصات برات دهنده، براتگیر، ظهرونویس (ها) یا تصویر پشت و روی برات و متضمن تقاضای پرداخت مبلغ برات باشد.

ماده ۴۰۶ - چنانچه بانک محل پرداخت برات باشد، بانک مکلف است در صورت

عدم پرداخت، گواهینامه ای با محتویات زیر صادر کرده به دارنده برات تسلیم کند:

۱- مشخصات کامل برات.

۲- هویت و نشانی کامل برات دهنده.

۳- هویت و نشانی کامل براتگیر (صاحب حساب).

۴- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.

۵- تاریخ ارائه برات به بانک.

۶- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای براتگیر با نمونه امضاء یا

مهر و امضای موجود در بانک.

۷- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده برات.

۸- علت یا علل عدم پرداخت.

تبصره - در صورتی که موجودی حساب براتگیر نزد بانک کمتر از مبلغ برات باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده برات مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت برات پرداخت کند و گواهینامه عدم پرداخت را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده برات جانشین اصل برات خواهد بود.

ماده ۴۰۷ - بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۴۰۸ - بانک مکلف است نسخه ثانی گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب (براتگیر) ارسال کند.

ماده ۴۰۹ - برات دهنده و ظهر نویس ها و ضامن می توانند با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در برات نوشته، امضاء یا مهر و امضاء می شود، دارنده را از اعتراض عدم قبول یا نکول یا عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه برات ظرف مهلت مقرر معاف نمی کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می کند.

اگر این شرط توسط برات دهنده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسؤولان برات می شود. در صورتی که این شرط توسط یکی از ظهر نویس ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهر نویس یا ضامن مجری است.

اگر علی رغم درج شرط در برات به وسیله برات دهنده، دارنده برات اعتراض به عمل آورد، باید هزینه های مربوط را نیز متحمل شود. در صورتی که این شرط از جانب ظهر نویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض (اگر انجام شده باشد) از تمام مسؤولان برات قابل مطالبه است. مفاد این ماده در صورتی که محل پرداخت برات بانک براتگیر باشد اعمال نمی شود.

ماده ۴۱۰- در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است. در هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است با وجود این، اگر شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران جمع باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این را ندارد که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۴۱۱- اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل چهارم - اسناد تجارתי الکترونیکی

ماده ۴۱۲- اسناد تجارתי الکترونیکی شامل برات، سفته، چک، قبض رسمی انبار، سهام، اوراق مشارکت و سایر اسنادی تجاری است که با رعایت شرایط تعیین شده در قانون به صورت الکترونیکی اعلام و مبادله می شوند.

ماده ۴۱۳- سند تجارתי الکترونیکی به دوروش سند جایگزین یا سند اصیل الکترونیکی به وجود می آید.

ماده ۴۱۴- سند جایگزین، خارج نویسی شده الکترونیکی اصل سند تجارתי (کاغذی) یا تصویر آن به نحوی است که اطلاعات قابل پردازش و انتقال باشد سند جایگزین باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱- تصویر یا مندرجات رو و پشت اصل سند.

- ۲- برخورداری از ساختار مناسب مبتنی بر امنیت روز برای اتوماسیون.
- ۳- ثبت ترکیب امنیتی به کار رفته در سند.
- ۴- رعایت ضوابط فنی و ایمنی فن آوری به کار رفته.
- تبصره - ضوابط فنی و ایمنی مذکور در بند (۴)، باید به تأیید مرکز موضوع ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ برسد یا توسط آن مرکز ابلاغ شود.
- ماده ۴۱۵ - در صورتی که سندی متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده (۴۱۴) این قانون نباشد به عنوان سند جایگزین الکترونیکی تلقی نمی شود.
- ماده ۴۱۶ - اسناد اصیل الکترونیکی، بدون بدیل کاغذی و با استفاده از فناوری های امضای الکترونیکی مطمئن، به نحو مذکور در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به وجود می آیند.
- ماده ۴۱۷ - سند جایگزین الکترونیکی از هر حیث در حکم اصل آن سند است و در صورت وجود مغایرت بین سند جایگزین و اصل سند تجاری، اصل سند ملاک است.
- ماده ۴۱۸ - در تنظیم شکل الکترونیکی اسناد تجاری، باید شرایط مقرر در مورد صورت آن اسناد در قوانین ذی ربط رعایت شوند.
- ماده ۴۱۹ - شکل و اخواست یا گواهی عدم پرداخت، نحوه ابلاغ و طرز نگهداری اسناد تجاری الکترونیکی به موجب آئین نامه ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.
- ماده ۴۲۰ - نسبت به سند الکترونیکی می توان ادعای جعل نمود.
- ماده ۴۲۱ - مدعی جعل اسناد تجاری الکترونیکی یا مدعی وجود مغایرت اسناد جایگزین با سند کاغذی، می تواند حسب مورد با تکمیل فرم های مخصوصی که متضمن علت مغایرت، ایجاد ضرر و ضرورت اعاده اصل (کاغذی) سند جایگزین و یا جعل اسناد

تجاری الکترونیکی است، حقوق خود را نسبت به اسناد مذکور محفوظ بدارد. نحوه آن به موجب آئین نامه‌ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری و بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد.

ماده ۴۲۲ - جعل سند تجارتي الکترونیکی علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات حبس از یک تا سه سال و مجازات نقدی معادل دو برابر وجه سند تجاری الکترونیکی محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - هرکس سند تجاری الکترونیکی مجعول را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی معادل وجه سند محکوم می‌شود.

در صورتی که جعل سند و استفاده از آن توسط یک شخص انجام شود، متخلف به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - مجازات شروع به جعل اسناد تجاری الکترونیکی، حداقل مجازات در این ماده خواهد بود.

تبصره ۳ - در صورت ارتکاب جرایم مندرج در این ماده توسط اشخاص حقوقی مجازاتهای پیش‌بینی شده در مورد اشخاص حقیقی مرتکب جرم اعمال می‌شود و شخص حقوقی متضامناً با اشخاص حقیقی مسؤول جبران خسارات وارده به ذی‌نفع خواهد بود.

ماده ۴۲۳ - مرجع ایجادکننده سند جایگزین مکلف است در صورت تقاضای آخرین ذی‌نفعی که سند جایگزین به او منتقل شده است پس از احراز هویت او، در حدود متعارف اصل سند را به‌طور کامل و به همراه عملیات مربوط به سند به وی مسترد کند.

ماده ۴۲۴ - مرجع ایجادکننده سند جایگزین، مسؤول و متعهد جبران خسارت ناشی از عملیات وی در زمینه اسناد تجاری الکترونیکی در مقابل اشخاص ذی‌نفع می‌باشد.

ماده ۴۲۵ - وزارت بازرگانی مکلف است در مواردی که اجرای مقررات این بخش از قانون نیاز به تدوین آئین نامه دارد، آئین نامه مذکور را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند.

ماده ۴۲۶ - به جز مقرراتی که به موجب این قانون و آئین نامه های آن که خاص اسناد تجاری الکترونیکی است، مقررات سند تجاری کاغذی، در خصوص سند تجاری الکترونیکی ذی ربط حاکم خواهد بود.

باب ششم: اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری

فصل اول - اشخاص حقوقی

ماده ۴۲۷ - شرکت های تجاری مذکور در این قانون دارای شخصیت حقوقی می باشند.

ماده ۴۲۸ - کلیه اشخاص حقوقی به جز آنها که به موجب قانون خاص تشکیل می گردند، باید به ثبت برسند و استناد به تشکیل آنها پیش از ثبت و آگهی مطابق مقررات مربوطه در روزنامه رسمی در مقابل اشخاص ثالث پذیرفته نیست.

ماده ۴۲۹ - تأسیس، اداره و انحلال اشخاص حقوقی که با اهداف غیر تجاری تشکیل می گردند جز در مواردی که تابع قوانین خاص هستند، مطابق آیین نامه مصوب هیأت وزیران می باشد.

ماده ۴۳۰ - تشخیص و ثبت شخص حقوقی که هدف آن مخالف با قانون باشد ممنوع است.

ماده ۴۳۱ - تشکیل و ثبت مؤسسات غیر تجاری با موضوعات تجاری مقرر در ماده

(۴۲۸) این قانون و نیز اشتغال این گونه مؤسسات به امور تجاری ممنوع است. در صورت مبادرت مؤسسه غیر تجاری به فعالیت تجاری حسب مورد، به مجازات نقدی از پنجاه درصد (۵۰٪) تا هفتاد درصد (۷۰٪) ارزش معامله محکوم خواهد شد.

ماده ۴۳۲ - اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیعتش می تواند دارای آنها باشد.

ماده ۴۳۳ - اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز اصلی آنها می باشد. مرکز اصلی، محلی است که امور مربوط به اداره شخص حقوقی در آنجا انجام می گیرد و باید در اساسنامه قید گردد، مگر در مورد اقامتگاه قراردادی که صرفاً نسبت به طرفین قرارداد معتبر است.

ماده ۴۳۴ - اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آنجاست.

ماده ۴۳۵ - اشخاص حقوقی ایرانی نمی توانند اقامتگاه خود را در خارج از کشور قرار دهند.

ماده ۴۳۶ - اقامتگاه اشخاص حقوقی غیرایرانی که مطابق مقررات مربوطه مبادرت به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران می نمایند، محل شعبه می باشد. حکم این ماده مانع از حق مراجعه اشخاص ثالث به مرکز اصلی شخص حقوقی نمی باشد.

ماده ۴۳۷ - هیچ یک از ارکان شخص حقوقی ایرانی نمی تواند تابعیت آن را تغییر دهد.

فصل دوم - شرکت های تجاری

ماده ۴۳۸ - شرکت های تجاری بر چهار نوع می باشند:

۱- شرکت سهامی (عام و خاص)

۲- شرکت با مسئولیت محدود

۳- شرکت تضامنی

۴- شرکت تعاونی

ماده ۴۳۹ - شرکت‌های تجاری مخصوص در ماده ۴۳۸ صرفنظر از موضوع فعالیت آنها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می‌باشند.

مبحث اول: کلیات

ماده ۴۴۰ - منظور از «روزنامه شرکت» روزنامه کثیرالانتشار (کاغذی یا الکترونیکی) سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آنها ضروری است، در آن منتشر شود.

هنگام تأسیس شرکت، تعیین روزنامه شرکت حسب مورد توسط مؤسسين یا مجمع عمومی مؤسس انجام می‌شود. پس از تشکیل شرکت و نیز در دوره تصفیه، تغییر و یا تعیین روزنامه حسب مورد با مجمع عمومی عادی یا شرکاء شرکت است.

ماده ۴۴۱ - در کلیه موارد، دعوت از صاحبان سهام یا باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به عمل آید. مع ذلک، رعایت مقررات مربوط به نشر آگهی و تشریفات دعوت در زمانی که کلیه صاحبان سهام یا شرکاء حاضر باشند، الزامی نیست.

در صورت توقف انتشار روزنامه شرکت و استمرار بیش از یک ماه آن به هر علت، هیأت مدیره در شرکتهای دارای هیأت مدیره، و مدیر عامل در سایر شرکت‌ها موظفند ظرف بیست روز از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده یا شرکاء جهت تعیین روزنامه

جایگزین از طریق آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار دعوت به عمل آورند. در صورت خودداری هیأت مدیره یا مدیر عامل از انجام تکلیف فوق، بازرس شرکت ظرف مدت بیست روز مبادرت به دعوت به طریق مزبور خواهد نمود. در غیر این صورت هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکت ها دعوت از مجمع مزبور را درخواست نماید. ثبت شرکت ها مکلف است ظرف مدت بیست روز از تاریخ درخواست به هزینه ذی نفع مجمع مذکور را دعوت نماید.

ماده ۴۴۲ - منظور از «مدیران» در این قانون، کسانی هستند که به موجب تصمیم مؤسسين، یا مجمع عمومی یا شرکاء و یا صاحب سرمایه در شرکت یک نفره حسب مورد به عنوان عضو هیأت مدیره، مدیر و یا مدیر عامل انتخاب شده اند. مدیر یا مدیران تصفیه شرکت های در حال تصفیه نیز از نظر مقررات این قانون مدیر تلقی می شوند.

تبصره ۱- عنوان مزبور شامل شخصی که از سوی هیأت مدیره یا مدیران به عنوان مدیر عامل برگزیده شده اند، نیز خواهد بود.

تبصره ۲- موضوع این ماده شامل شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیأت مدیره یا مدیر معرفی شده باشد نیز خواهد شد.

ماده ۴۴۳ - منظور از سرمایه شرکت در این قانون، سرمایه ثبت شده می باشد.

ماده ۴۴۴ - «صورت های مالی» عبارت است از گزارش وضعیت مالی، نتایج عملیات، جریانهای نقدی و سایر اطلاعات مالی که بر مبنای استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه می شود.

ماده ۴۴۵ - شرکت مادام که به ثبت نرسیده فاقد شخصیت حقوقی است و انجام هر گونه عمل حقوقی جز در راستای تشکیل شرکت مجاز نمی باشد. در غیر این صورت و نیز در صورتی که اشخاص به نام شرکت های تجاری و در شکلی به جز اشکال پذیرفته شده

در این قانون به فعالیت پیردازند، در مقابل اشخاص ثالث، دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی خواهد بود.

ماده ۴۴۶ - هر کس به منظور تأسیس شرکت به عمد مدارک خلاف واقع به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به مبلغ پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۴۷ - نماینده یا نمایندگان انتخابی از سوی مجمع مؤسس یا مؤسسين، مکلف به تسليم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ظرف پانزده روز پس از تنظيم صورتجلسه نهايي مجمع عمومي مؤسس در مورد شرکت سهامی عام و صورتجلسه مؤسسين در مورد سایر شرکت‌ها می‌باشند. همچنین رفع نقص یا ایرادات وارد به مدارک یاد شده که مطابق مقررات این قانون و سایر قوانین برای ثبت شرکت تجاری بر حسب نوع آن بر عهده نماینده یا نمایندگان مزبور می‌باشد.

به هر حال در صورتی که عدم ثبت شرکت ناشی از قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان یاد شده باشد، آنان متضامناً ملزم به جبران کلیه خسارت وارده به مؤسسين و پذیره‌نویسان می‌باشند. قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان رافع مسئولیت مؤسس یا مؤسسين در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود.

ماده ۴۴۸ - چنانچه تا شش ماه از تاریخ تسليم اظهارنامه تأسیس به مرجع ثبت شرکت‌ها، شرکت به ثبت نرسد، هر یک از مؤسسين و پذیره‌نویسان، می‌توانند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها در خواست صدور گواهی عدم ثبت شرکت را بنمایند. با وصول گواهی مذکور، بانک کارگزار بنا به درخواست هر یک از مؤسسين و پذیره‌نویسان، وجوه پرداختی را به آنان مسترد خواهد کرد.

ماده ۴۴۹ - در صورتی که شرکت به ثبت نرسد، کلیه هزینه‌هایی که برای تأسیس

شرکت پرداخت یا تعهد گردیده، بر عهده مؤسس یا مؤسسين خواهد بود. چنانچه عدم تأسيس شرکت را بتوان به عمل مؤسس یا مؤسسين منتسب نمود، اشخاص ذی نفع و از جمله پذيرهنويسان شرکت های سهامی عام می توانند علاوه بر استرداد اصل وجوه مندرج در ماده (۴۴۷)، جبران کاهش ارزش وجوه پرداختی خود را در فاصله زمانی پذيرهنويسی تا استرداد، بر اساس نرخ رشد شاخص بهای مصرف کننده (شهری) اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطالبه کنند.

ماده ۴۵۰ - مؤسسين شرکت های تجاری نسبت به تصمیمات و اقداماتی که به منظور تأسيس و ثبت شرکت اتخاذ نموده و انجام می دهند، مسؤولیت تضامنی دارند.
مؤسسينی که در تصمیم گیری یا انجام عمل مورد نظر دخالت نداشته یا مخالفت خود را به نحو مضبوطی با آن اعلام داشته اند، مشمول حکم این ماده نمی باشند.

ماده ۴۵۱ - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد، رعایت نشود، حسب مورد بنا به درخواست هر ذی نفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه تجاری اعلام می شود. لیکن، مؤسسين یا شرکاء و مدیران و بازرس شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.

ماده ۴۵۲ - در صورتی که قبل از صدور حکم قطعی بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات موضوع دعوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، دادگاه تجاری قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۴۵۳ - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات هر یک از ارکان شرکت، اشخاصی که بطلان منتسب به آنهاست، متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به شرکت، شرکاء و اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۴۵۴ - در مواردی که حکم بطلان یا انحلال شرکت توسط دادگاه تجارتي صادر شود دادگاه تجارتي بايد ضمن صدور حکم، مدير يا مديران تصفيه را بنا به معرفي سازمان تصفيه امور ورشکستگي انتخاب کند. حق الزحمه مدير يا مديران تصفيه مطابق مقررات مربوطه تعيين خواهد شد.

ماده ۴۵۵ - سمت مديریت در شرکت قائم به شخص بوده و غير قابل واگذاري به ديگران می باشد. ليکن، مدير يا مديران شرکت در چارچوب مقررات قانونی و اساسنامه مجاز به تفويض بخشی از وظايف و اختيارات خود به ديگری می باشند.

ماده ۴۵۶ - مديران شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، نسبت به تخلف از مقررات قانونی يا اساسنامه شرکت و يا تصميمات مجمع عمومی يا شرکا بر حسب مورد منفرداً يا مشترکاً مسؤول می باشند و دادگاه تجارتي حدود مسؤوليت هر يك را برای جبران خسارت تعيين می کند.

ماده ۴۵۷ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود يا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأديه ديون آن کافی نیست، دادگاه تجارتي صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذي نفع، مدير يا مدیرانی را که ورشکستگي شرکت يا کافی نبودن دارایی به نحوی از انحاء معلول تخلفات آنها بوده است، منفرداً يا متضامناً به تأديه آن قسمت از ديونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نمایند. اين حکم مانع از آن نیست که ساير اشخاص ذي ربط به سبب قصور يا تقصير خود با مديران شرکت دارای مسؤوليت تضامنی باشند.

ماده ۴۵۸ - اشخاص زیر از مديریت شرکت ممنوع می باشند:

الف - محجورین و ياکسانی که به دليل ارتکاب یکی از جرایم ماده (۱۰۰۵) به بعد اين قانون (بخش ورشکستگي) به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي از حقوق اجتماعی کلاً يا

بعضاً محروم شده باشند در طول مدت محرومیت.

ب- کسانی که به دلیل ارتکاب خیانت در امانت، کلاهبرداری و یا جرایمی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری است، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تدلیس و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتي محکوم شده‌اند.

ج- کسانی که به حکم قطعی دادگاه تجارتي از مدیریت شرکت منع شده‌اند تا پایان دوره ممنوعیت.

ماده ۴۵۹- علاوه بر افرادی که به موجب قوانین خاص از مدیریت شرکت منع شده‌اند اشخاص زیر نیز از مدیریت شرکت ممنوع هستند:

- ۱- اشخاص مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی.
- ۲- مشاورین رئیس جمهور.
- ۳- رئیس قوه قضائیه، معاونین، مشاورین، قضات و کارکنان قوه قضائیه، سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی.
- ۴- نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی.
- ۵- اعضاء و کارکنان شورای نگهبان.
- ۶- اعضاء و هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری.
- ۷- اعضاء و کارکنان شورای امنیت ملی.
- ۸- اعضاء و کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونین وی.
- ۹- مشاورین معاونین رئیس جمهور.
- ۱۰- رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاونین و مشاورین رئیس دفتر رهبری و رؤسای نهادهای وابسته و مدیران کل حوزه دفتر مقام معظم رهبری.

- ۱۱- رؤسای دفاتر سران سه قوه.
- ۱۲- سرپرستان وزارتخانه‌ها.
- ۱۳- معاونین و مشاورین وزرا.
- ۱۴- مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حوزه وزارتی و رؤسای دفاتر وزرا.
- ۱۵- رییس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی.
- ۱۶- دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی.
- ۱۷- رییس و دادستانها و معاونین و مشاورین و مستشاران دیوان محاسبات.
- ۱۸- رییس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی.
- ۱۹- رییس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی.
- ۲۰- رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونین و مشاورین وی.
- ۲۱- رؤسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی و سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.
- ۲۲- رییس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.
- ۲۳- رییس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.
- ۲۴- ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر ائمه جمعه.
- ۲۵- نمایندگان ولی فقیه در دستگاهها و نهادها.
- ۲۶- رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیر دولتی.
- ۲۷- استانداران، معاونین و مشاورین استانداران.
- ۲۸- فرمانداران و بخشداران در استان مربوطه.
- ۲۹- شهرداران و رؤسای مناطق شهرداری و کارکنان شهرداری.

۳۰- اعضای شورای اسلامی شهر.

۳۱- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانکها.

۳۲- رؤسا و سرپرستان سازمانهای دولتی.

۳۳- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت های دولتی و وابسته به دولت.

ماده ۴۶۰- شخص یا اشخاصی که برخلاف مواد فوق به مدیریت شرکت انتخاب یا پس از انتخاب شدن مشمول موارد فوق شده باشند باید از پذیرش مدیریت امتناع یا استعفا کنند در غیر این صورت هر ذی نفع می تواند از هیأت مدیره بخواهد از مجمع عمومی جهت برکناری چنین مدیری دعوت کند. در صورت خودداری هیأت مدیره از انجام این وظیفه ظرف مدت بیست روز یا شمول وضعیت مذکور در صدر مواد نسبت به اکثریت اعضای هیأت مدیره، ذی نفع مزبور می تواند تقاضا بالا را به بازرس شرکت ارایه کند بازرس مکلف است ظرف ده روز مجمع عمومی را برای این منظور دعوت کند چنانچه بازرس به تکالیف بالا عمل نکند و یا شرکت دارای هیأت مدیره و یا بازرس نباشد، و یا مجمع عمومی تشکیل نگیرد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای ذی نفع نسبت به برکناری چنین مدیری اقدام خواهد کرد.

در شرکت هایی که مجمع عمومی وجود ندارد شرکاء و در شرکت هایی که هیأت مدیره وجود ندارد مدیر یا مدیریت باقیمانده شرکت، مکلف به انجام تکلیف بالا می باشند.

ماده ۴۶۱- هیچ کس نمی تواند همزمان مدیرعامل بیش از یک شرکت باشد.

در غیر این صورت، مرجع منصوب کننده نسبت به برکناری چنین مدیرعاملی مبادرت خواهد نمود. در غیر این صورت، دادگاه تجارتي صلاحیتدار به تقاضای هر ذی نفع و یا بازرس شرکت حکم به برکناری چنین مدیری از شرکت یا شرکت هایی که مدیر مزبور موخرأ در آنها قبول سمت نموده است، صادر می کند، حکم صادره قطعی خواهد می باشد.

ماده ۴۶۲- در صورت صدور حکم دادگاه تجارتي به برکناری شخصی از سمت

مدیریت شرکت، مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است با اعلام اجرای احکام، مراتب را جهت اطلاع عمومی در روزنامه رسمی آگهی کند.

ماده ۴۶۳ - در صورتی که مدیر عامل شرکت هنگام انتخاب شدن مشمول ممنوعیت‌های مذکور در مواد (۴۵۸)، (۴۵۹) و (۴۶۱) این قانون باشد یا پس از انتخاب مشمول چنین ممنوعیت‌هایی شود، بایستی از قبول سمت خودداری و یا از مدیریت شرکت کناره‌گیری کند. در غیر این صورت هیأت مدیره و در شرکت‌هایی که هیأت مدیره ندارند شرکاء پس از آگاهی، مکلف به برکناری مدیر عامل انتخاب شده و تعیین جانشین وی می‌باشند.

در صورتی که حسب مورد هیأت مدیره و یا شرکاء به تکلیف خود عمل نکنند، دادگاه تجارتي با درخواست هر ذی‌نفع حکم عزل چنین مدیر عاملی را صادر می‌کند. اعضای هیأت مدیره‌ای که به حکم دادگاه تجارتي متخلف شناخته شوند از یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجارتي محروم می‌شوند.

ماده ۴۶۴ - تصمیمات و اقدامات مدیری که برخلاف مفاد مواد (۴۵۸)، (۴۵۹) و (۴۶۱) این قانون انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر بوده و مسؤولیت‌های ناشی از مدیریت شامل او خواهد شد.

ماده ۴۶۵ - چنانچه هر یک از مدیران شرکت مطابق مفاد (۴۶۰) و (۴۶۳) از مدیریت شرکت مستعفی یا برکنار گردند، از تاریخ استعفا یا برکناری بلا سمت محسوب می‌شوند، مرجع ذی‌صلاح شرکت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیر یا مدیرانی که سمت آنها بلا تصدی مانده است، اقدام کند.

ماده ۴۶۶ - اگر کسی به رغم ممنوعیت‌های مذکور در ماده (۴۵۸) و (۴۵۹) مدیریت شرکتی را بپذیرد، به تقاضای هر ذی‌نفع به محرومیت از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری، از یک تا سه سال، محکوم می‌شود.

ماده ۴۶۷ - چنانچه مدیری به رغم حکم دادگاه تجارتي مبنی بر محرومیت یا عزل وی

از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری، آگاهانه چنین حکمی را نقض نماید، به تقاضای هر ذی‌نفع، دادگاه تجارتي مدير متخلف را به حبس برابر با مدت محرومیت موضوع نقض محکوم می‌کند. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

ماده ۴۶۸ - در صورتی که مدیری مرتکب جرایم خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل اسناد، استفاده از سند مجعول، اختلاس و ارتشا در رابطه با شرکت گردد، دادگاه تجارتي رسیدگی کننده علاوه بر مجازات مقرر قانونی، مکلف به صدور حکم به محرومیت وی از مدیریت شرکت‌های تجارتي از دو تا پنج سال می‌باشد.

ماده ۴۶۹ - مدیران باید صورت‌های مالی میان دوره‌ای شش ماهه شرکت را تا پایان ماه هفتم سال مالی، تنظیم و به بازرس (در صورتی که در شرکت بازرس وجود داشته باشد) تسلیم کنند.

ماده ۴۷۰ - مدیران شرکت‌ها مکلف هستند ظرف یک ماه هر گونه تغییر در نام میزان سرمایه و اقامتگاه شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در غیر این صورت هر یک از مدیران متخلف به پرداخت ده تا بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۴۷۱ - علاوه بر مواردی که دادگاه تجارتي مکلف به صدور حکم محرومیت مدیر متخلف از تصدی سمت مدیریت شرکت می‌باشد، دادگاه تجارتي می‌تواند مدیری را که به حکم مقررات این قانون و یا سایر قوانین به علت نقض مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی یا شرکاء از جهت کیفری محکوم می‌گردد از یک تا سه سال به محرومیت مزبور محکوم کند.

ماده ۴۷۲ - چنانچه معلوم شود شخصی بر خلاف آنچه که راجع به صلاحیت و سوابق علمی و تجربی خود در هنگام انتخاب به عنوان مدیر شرکت اظهار نموده، فاقد شرایط مزبور است، به درخواست شرکت و به شرط احراز سوءنیت او، به دو تا سه سال محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شود.

ماده ۴۷۳ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام و یا سهم الشرکه آنها دست کم یک پنجم سرمایه شرکت باشد، می توانند در صورت تخلف یا تقصیر هر یک از مدیران یا بازرس شرکت به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه آنها اقامه دعوی نموده و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها بخواهند. در صورت محکومیت خواندگان، حکم به نفع شرکت اجرا می شود و اقامه کنندگان دعوی صرفاً مستحق هزینه ها و خسارات دادرسی می باشند.

ماده ۴۷۴ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی و یا شرکاء به هیچ عنوان نمی تواند حق سهامداران و یا شرکاء، را در مورد طرح دعوای کیفری یا مدنی علیه مدیران شرکت محدود کند.

ماده ۴۷۵ - شرکت تجارتمی می تواند به عنوان شرکت وابسته یا شرکت تابعه تحت کنترل شرکت دیگری که شرکت مادر نامیده می شود قرار گیرد.

شرکت تابعه شرکتی است که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن مستقیم یا غیر مستقیم به شرکت مادر تعلق داشته باشد.

شرکت وابسته شرکتی است که علی رغم تعلق مالکیت کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به شرکت مادر از طریق سهام ممتازه یا سایر طرق پیش بینی شده در اساسنامه یا با کسب اکثریت اعضای هیأت مدیره در کنترل شرکت مادر باشد.

ماده ۴۷۶ - شرکت مادر باید علاوه بر صورت های مالی خود، صورت های مالی تلفیقی را مطابق استانداردهای حسابداری تهیه و به مجمع ارائه کند.

ماده ۴۷۷ -

۱- معامله بین شرکت مادر و شرکت تابعه و یا شرکت وابسته آن و همچنین تضمین تعهدات یکدیگر توسط آنها، باید با تصویب مجمع عمومی صاحبان سرمایه و رعایت حقوق سهامداران اقلیت انجام شود.

۲- در مواردی که شواهد و قراین ثابت کند که تعهدات و دیون ایجاد شده برای شرکت تابعه و یا شرکت وابسته ناشی از دستورات و یا سیاستهای ابلاغی شرکت مادر باشد، شرکت مادر نیز در قبال تعهدات و دیون مزبور مسؤول می‌باشد. حدود مسؤولیت هر یک را دادگاه تجارتي معین می‌کند.

۳- در صورتی که شرکت تابعه یا وابسته ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی آن برای تأدیه دیونش کافی نیست، دادگاه تجارتي به تقاضای هر ذی نفع مبنی بر اینکه امر فوق، ناشی از تصمیم و اقدام شرکت مادر بوده، رسیدگی کرده و شرکت مادر را به پرداخت آن بخشی از دیونی که در اثر تصمیم یا اقدام آن ایجاد شده، محکوم می‌کند.

۴- خرید سهام یا سهم الشرکه شرکت‌های مادر، توسط شرکت‌های تابعه و وابسته ممنوع می‌باشد.

تبصره- تمامی شرکت‌های تابعه و وابسته موجود که دارای سهام شرکت مادر هستند، باید ظرف مدت یک سال نسبت به واگذاری سهام مزبور به غیر اقدام کنند.
ماده ۴۷۸- مجامع یا هیج اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات شرکاء بیفزاید.

مبحث دوم - شرکت سهامی

ماده ۴۷۹- شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست.

ماده ۴۸۰- شرکت سهامی به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود: در شرکت سهامی عام، حداقل سی و پنج درصد (۳۵٪) از سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم تأمین می‌شود.

در شرکت سهامی خاص، سرمایه شرکت منحصرأ توسط مؤسسين تأمین می‌گردد.

ماده ۴۸۱ - در شرکت سهامی عام عبارت «سهامی عام» و در شرکت سهامی خاص عبارت «سهامی خاص» باید قبل یا بعد از نام شرکت بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق، اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۴۸۲ - تعداد سهامداران در شرکت‌های سهامی عام از ده نفر و در شرکت‌های سهامی خاص از سه نفر نباید کمتر باشد.

ماده ۴۸۳ - در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از مبلغ پنج میلیارد ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از مبلغ پانصد میلیون ریال نباید کمتر باشد.

تبصره - در صورتی که تصدی به موضوع تجاری خاصی مستلزم سرمایه‌گذاری بالاتری باشد، با تصویب هیأت وزیران حداقل سرمایه لازم تعیین خواهد شد.

ماده ۴۸۴ - چنانچه پس از تأسیس، سرمایه ثبت شده شرکت از حداقل مزبور در ماده قبل کمتر گردد، هیأت مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده را برای اتخاذ تصمیم در مورد شیوه‌های جبران کسری سرمایه و یا تبدیل شرکت‌های به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری دعوت کند. در صورت خودداری هیأت مدیره از انجام تکلیف بالا، بازرس شرکت مکلف است مجمع عمومی مزبور را فراخواند.

اگر ظرف شش ماه از تاریخ کم شدن سرمایه، هیأت مدیره یا بازرس شرکت به تکلیف بالا عمل ننماید و یا ظرف شش ماه از تاریخ دعوت مجمع عمومی مزبور تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید، هر ذی نفع می‌تواند از دادگاه تجارتي صلاحیتدار انحلال شرکت را درخواست نماید.

تبصره - هر گاه پیش از قطعی شدن رأی، موجبات درخواست انحلال مرتفع گردد، دادگاه تجارتي حکم رد دعوی را صادر خواهد کرد.

مبحث سوم - نحوه تشکیل شرکت سهامی

ماده ۴۸۵ - برای تأسیس شرکت سهامی عام، مؤسسين بايد دست كم بيست درصد كل سرمايه را نقداً در حسابي به نام «شرکت در شرف تأسیس» نزد یکی از بانک‌هایی که به منظور امر کارگذاری پذیرنده نویسی تعیین شده است، واریز نموده و گواهی دریافت دارند.

ماده ۴۸۶ - مؤسسين بايد به انضمام گواهی مذکور در ماده بالا اظهارنامه‌ای همراه با پیش نویس اساسنامه و طرح اعلامیه پذیرنده نویسی را که به امضاء همه مؤسسين رسیده باشد به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت دارند.

تبصره - چنانچه انجام موضوع شرکت مستلزم دریافت مجوز خاصی باشد، مجوز مزبور نیز باید به پیوست مدارک فوق به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد.

ماده ۴۸۷ - اظهارنامه تأسیس شرکت باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسين رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين.
- ۳- موضوع شرکت.
- ۴- مبلغ كل سرمايه.
- ۵- تعداد سهام و ارزش اسمی هر سهم و نیز تعیین تعداد سهام بی نام در صورت وجود چنین سهامی.
- ۶- تعداد سهام ممتاز و تعیین دقیق ویژگی‌ها و امتیازات این گونه سهام، چنانچه این گونه سهام مدنظر باشد.
- ۷- میزان آورده هر یک از مؤسسين، نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.

۸- مرکز اصلی شرکت.

۹- مدت شرکت.

ماده ۴۸۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر

مطالب زیر باشد:

۱- نام شرکت.

۲- موضوع شرکت به طور صریح و منجز.

۳- مدت شرکت.

۴- مرکز اصلی شرکت.

۵- مبلغ سرمایه شرکت.

۶- تعداد سهام بی نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.

۷- نحوه انتقال سهام با نام.

۸- شرایط و ترتیبات مربوط به انتشار اوراق مشارکت و تبدیل آن به سهام.

۹- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه سهام.

۱۰- مواقع و ترتیب دعوت مجمع عمومی.

۱۱- مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره

آنها.

۱۲- طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع

عمومی.

۱۳- تعداد اعضاء اصلی و علی البدل هیأت مدیره و مدت مأموریت آنها و نحوه

جایگزینی اعضاء اصلی به وسیله اعضاء علی البدل.

۱۴- نحوه انتخاب اعضاء هیأت مدیره و تعیین وظایف و حدود اختیارات آنها.

- ۱۵- تعیین میزان تضمینی که مدیران باید بسپارند.
- ۱۶- چگونگی انتخاب بازرس و مدت مأموریت وی و نحوه جایگزینی وی به وسیله
اعضاء علی البدل.
- ۱۷- تعیین آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم صورت‌های مالی و تسلیم آن به
بازرس و به مجمع عمومی سالانه.
- ۱۸- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- ۱۹- نحوه تغییر اساسنامه.
- ۲۰- نحوه توزیع پاره سهام بین سهامداران ذی نفع در حدود ماده (۵۰۹) این قانون.
- ماده ۴۸۹- آگهی پذیره نویسی باید در برگیرنده موارد زیر باشد:
- ۱- نام شرکت.
 - ۲- موضوع شرکت.
 - ۳- مرکز اصلی شرکت.
 - ۴- مدت شرکت.
 - ۵- هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسين.
 - ۶- مبلغ سرمایه شرکت.
 - ۷- تعداد و نوع سهام از جهت بانام و بی نام و یا ممتاز بودن.
 - ۸- در صورتی که مؤسسين برای خود سهام ممتاز در نظر گرفته باشند، تعداد این گونه
سهام و مزایای آنها.
 - ۹- ذکر هزینه هایی که مؤسسين تا آن زمان به منظور فراهم ساختن مقدمات تشکیل
شرکت پرداخت نموده و برآورد هزینه های احتمالی تا آغاز به کار شرکت.
 - ۱۰- تعیین حداقل سهامی که هر پذیره نویس باید پذیره نویسی نماید.
 - ۱۱- تعیین مهلت پذیره نویسی.

۱۲- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ پذیره نویسی به آن واریز گردد.

۱۳- قید اینکه اظهارنامه تأسیس شرکت و طرح اساسنامه برای ملاحظه علاقمندان

نزد مرجع ثبت شرکت‌ها موجود است.

۱۴- تعیین روزنامه شرکت.

۱۵- چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.

ماده ۴۹۰- مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ

دریافت مدارک مقرر در ماده (۴۸۶) این قانون در صورت وجود مغایرت، مراتب را به

مؤسسه اعلام و در صورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی

پذیره نویسی را صادر نماید.

ماده ۴۹۱- آگهی پذیره نویسی علاوه بر نشر در حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار دو

بار با فاصله پانزده روز، باید در پایگاه الکترونیکی بانک کارگزار پذیره نویسی در معرض

دید مردم قرار گیرد.

ماده ۴۹۲- سند پذیره نویسی (اعم از کاغذی و الکترونیکی) علاوه بر امضاء باید

دربرگیرنده موارد زیر باشد:

۱- نام شرکت.

۲- موضوع شرکت.

۳- مرکز اصلی شرکت.

۴- مدت شرکت.

۵- سرمایه شرکت.

۶- مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیره نویسی.

۷- تعداد و مبلغ اسمی حداقل سهام هر پذیره نویس که باید پذیره نویسی شود.

۸- نام و شعبه بانک و شماره حسابی که واریز وجوه به آن انجام می‌گیرد.

۹- هویت و نشانی پذیره نویسی.

۱۰- قید و شرط زمان استرداد وجوه پرداخت شده بابت پذیره نویسی.

ماده ۴۹۳ - ظرف مهلت مقرر در آگهی پذیره نویسی، متقاضیان ضمن تکمیل سند پذیره نویسی مبلغ پذیره نویسی را واریز و رسید دریافت خواهند نمود. چنانچه سند مزبور را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل نموده باشد، مشخصات و اقامتگاه وی تصریح و مدرک نمایندگی وی اخذ می شود.

ماده ۴۹۴ - امضاء سند پذیره نویسی به منزله پذیرش مقررات اساسنامه شرکت و مصوبات مجامع عمومی می باشد.

ماده ۴۹۵ - پرداخت تمام یا بخشی از سرمایه شرکت سهامی عام به صورت غیر نقد مجاز نمی باشد.

ماده ۴۹۶ - پس از پایان مهلت پذیره نویسی، مؤسستین حداکثر ظرف مدت سی روز ضمن بررسی امر پذیره نویسی و احراز پذیره نویسی تمامی سرمایه شرکت، تعداد سهم هر یک از پذیره نویسان را مشخص و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند کرد.

ماده ۴۹۷ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت تشریفات مقرر در این قانون تشکیل می گردد. این مجمع پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی تمامی سرمایه شرکت به نحو مقرر در ماده قبل، نسبت به بررسی مفاد طرح اساسنامه، عنداللزوم اصلاح و سپس تصویب آن اقدام و نخستین اعضای هیأت مدیره و بازرس را انتخاب خواهد نمود.

مدیران و بازرس شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند، این قبولی به منزله آگاهی آنان نسبت به تکالیف خود می باشد.

ماده ۴۹۸ - اساسنامه مصوب همراه با صورت جلسه مجمع عمومی مؤسس و اعلام کتبی قبول سمت از سوی مدیران و بازرس، به منظور ثبت شرکت و آگهی تشکیل آن جهت اطلاع عموم به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم خواهد شد.

ماده ۴۹۹ - چنانچه در مجمع عمومی مؤسسين معلوم گردد که لزوماً سرمايه مذکور در اعلاميه پذيره نويسي تأمين نشده است، مؤسسين و پذيره نويسان حاضر با رعايت شرط مقرر در ماده (۴۸۰)، (تأمين حداقل سي و پنج درصد (۱/۳۵) سرمايه از طريق عرضه به عموم) مي توانند نسبت به تأمين كسري سرمايه اقدام كنند، در غير اين صورت تشكيل شركت منتفی تلقي می شود.

ماده ۵۰۰ - مرجع ثبت شركت ها مكلف است حداكثر ظرف بيست روز از تاريخ تسليم مدارك موضوع ماده قبل، مفاد آنها را با مقررات قانوني تطبيق و در صورت مطابقت آن با مقررات قانوني، نسبت به ثبت شركت اقدام نمايد.

ماده ۵۰۱ - در صورتی که سرمايه تأمين شده از ميزان سرمايه مقرر در اعلاميه پذيره نويسي بيشتر باشد مجمع فوق مي تواند سرمايه تاسيس را معادل مبلغ تأمين شده منظور کند و يا آنکه مبلغ مازاد را با نسبتی يکسان، معادل نسبت مبلغ مازاد به مبلغ سرمايه تأمين شده به مأخذ پرداختی هر پذيره نويس به آنان مسترد کند.

ماده ۵۰۲ - تا هنگامی که شركت به ثبت نرسيده، بانك كارگزار پذيره نويسي از پرداخت وجوه و اريز شده به حساب شركت در شرف تاسيس به هر كس ممنوع می باشد، مگر آنکه از سوی مرجع ثبت شركت ها گواهی عدم ثبت شركت صادر و تسليم شده باشد.

ماده ۵۰۳ - هر كس آگاهانه و بر خلاف واقع پذيره نويسي سهام را تصديق و يا برخلاف مقررات اين قانون آگهی پذيره نويسي منتشر کند به حبس تعزیری از سه ماه تا يك سال و يا مجازات نقدی از سي ميليون ريال تا هشتاد ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۰۴ - برای تشكيل و ثبت شركت سهامی خاص به پيوست اظهارنامه ای که بايد به امضاء كلييه مؤسسين رسیده باشد، مدارك زیر به مرجع ثبت شركت ها تسليم خواهد شد:
۱- اساسنامه شركت که بايد به امضاء كلييه سهامداران رسیده و متضمن موارد مذکور در ماده (۴۸۸) اين قانون باشد.

۲- اظهار نامه حاکی از پرداخت تمام سرمایه شرکت که به امضاء همه مؤسسين رسیده باشد. چنانچه بخشی از سرمایه شرکت به صورت غیر نقد باشد، کل این گونه سرمایه باید تأمین شده و صورت ارزیابی آن به تفکیک، همراه با اسناد مالکیت پیوست اظهار نامه باشد. سرمایه غیر نقد نمی تواند بیش از کل سرمایه شرکت باشد و نمی توان سرمایه غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس رسمی پذیرفت.

۳- گواهی بانکی مبنی بر اینکه سرمایه نقدی شرکت در دو حسابی تحت عنوان شرکت در شرف تأسیس نزد این بانک تأمین شده است.

۴- صورت جلسه ای که به امضاء کلیه سهامداران رسیده و در آن ضمن انتخاب نخستین گروه از اعضاء هیأت مدیره و بازرس، روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی مربوط به شرکت تا اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر می گردد، تعیین شده باشد.

۵- قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرس.

۶- ارایه تصویر مدارک هویت مؤسس یا مؤسسين.

تبصره ۱- سرمایه غیر نقد تا زمان ثبت شرکت به صورت امانی نزد آورنده این گونه سرمایه، نگاهداری خواهد شد و پس از ثبت شرکت تحویل مدیران آن می شود.

تبصره ۲- رعایت سایر شرایطی که برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مقرر است، در مورد شرکت سهامی خاص ضروری نمی باشد.

ماده ۵۰۵- شرکت سهامی خاص مجاز به تأمین سرمایه از طریق آگهی عمومی به هر شکل و از جمله پذیره نویسی یا توسط بانکها نمی باشد. همچنین نمی توان سهام این نوع شرکت را در بازار بورس اوراق بهادار عرضه نمود.

ماده ۵۰۶- هرگاه کارشناس یا مؤسسين عالماً و عامداً در تعیین و یا ارزیابی آورده غیر نقد مبلغی بیشتر از ارزش واقعی آن آورده را اعلام نمایند، به مجازات نقدی معادل دو برابر تفاوت قیمت اعلامی با ارزش واقعی به علاوه پرداخت خسارات وارده به ذی نفع

محکوم خواهند شد.

ماده ۵۰۷- تا هنگامی که شرکت سهامی خاص به ثبت نرسیده، برداشت از وجوه موجود در حساب شرکت در شرف تأسیس ممنوع می باشد، مگر در مورد موضوع ماده ۴۴۸ این قانون.

مبحث چهارم - سرمایه و سهام

ماده ۵۰۸- سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی باشد. گواهی سهم، سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

ماده ۵۰۹- مبلغ اسمی سهام باید مساوی باشد و صدور پاره سهم مجاز نمی باشد. در صورتی که در اثر انتقال قهری یا کاهش یا افزایش سرمایه و یا به هر دلیل دیگر پاره سهم به سهامداران تعلق گیرد پاره سهم به ترتیبی که در اساسنامه تعیین شده بین سهامداران ذی نفع توزیع خواهد شد.

ماده ۵۱۰- سهام شرکت عادی بوده، مگر آنکه اساسنامه برای آن امتیازاتی قائل شده باشد، که سهم ممتاز نامیده می شود. صدور سهام با هر نام یا عنوان دیگری خارج از انواع مذکور و یا اعطای هر نوع اختیاری تحت هر عنوان به جزء در قالب سهام ممتاز مجاز نمی باشد. سهام ممتاز باید به صورت با نام باشد.

ماده ۵۱۱- در شرکت های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون ریال بیشتر باشد.

ماده ۵۱۲- گواهی سهام بایستی به صورت یکسان و دارای شماره ترتیب بوده و دارای شرایط زیر می باشد:

۱- نام و شماره ثبت شرکت.

۲- مبلغ سرمایه شرکت.

۳- تعیین نوع سهم از جهت بانام بی نام یا ممتاز بودن.

۴- مبلغ اسمی هر سهم.

۵- تعداد سهامی که هر گواهی سهم نماینده آن است.

۶- امضاء.

ماده ۵۱۳- شرکت باید تا سه ماه پس از تشکیل، گواهی سهام صادر و به سهامداران تسلیم گردد.

ماده ۵۱۴- تا هنگامی که شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده صدور گواهی سهم ممنوع می‌باشد. در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسؤول جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۵۱۵- هر کس پیش از ثبت شرکت و یا در صورتی که شرکت مزورانه به ثبت رسیده باشد، با آگاهی از واقع امر، گواهی سهم صادر نماید، علاوه بر جبران خسارات به سه ماه تا یکسال حبس یا پرداخت معادل مبلغ سهام منتشره محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۶- هر سهم در مجامع عمومی از یک رأی برخوردار می‌باشد، مگر آنکه سهام از نوع ممتاز بوده و برای این گونه سهام حق رأی بالاتری مقرر شده است.

ماده ۵۱۷- سهم بی نام، سندی است در وجه حامل که ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. واگذاری این گونه سهام با قبض و اقباض انجام می‌گیرد.

ماده ۵۱۸- شرکت‌های سهامی اعم از عام و خاص مجاز به انشای سهام بی نام بیش از سی درصد (۳۰٪) سرمایه نمی‌باشند.

ماده ۵۱۹- سهام با نام سندی است که نام دارنده و یا عبارت «با نام» در آن قید شود. صدور و انتقال سهام مزبور به استثنای سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

که تابع مقررات بورس خواهند بود، باید با قید مشخصات کامل و اقامتگاه دارنده یا طرفین در دفتر ثبت سهام شرکت و امضاء انتقال دهنده و یا نماینده قانونی وی انجام شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۲۰- واگذاری سهام در شرکت‌های سهامی عام نباید مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۵۲۱- هر گونه تغییر در امتیازات سهام ممتاز باید از طریق اصلاح اساسنامه و پس از جلب موافقت دارندگان حداقل دوسوم سهام مذکور در مجمع عمومی فوق العاده به تصویب برسد.

ماده ۵۲۲- در صورتی که صدور یا اعطای سهام ممتاز برای برخی از سهامداران مدنظر باشد، سهامداران ذی نفع، در جلسه مجمع عمومی فوق العاده‌ای که به این منظور تشکیل شده، حق رأی ندارند.

ماده ۵۲۳- در صورت انتقال سهام ممتاز، امتیازات این سهام نیز منتقل خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه خلاف این امر پیش بینی شده باشد.

مبحث پنجم - تبدیل سهام

ماده ۵۲۴- تبدیل سهام از بی نام به بانام مطابق مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده به عمل می‌آید. تبدیل سهام از بی نام به بی نام مجاز نمی‌باشد.

ماده ۵۲۵- در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر گردد و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه کنند. در آگهی باید تصریح گردد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده

تلقی خواهد شد.

ماده ۵۲۶- سهام بی نام که ظرف مهلت مذکور در ماده ۵۲۵ برای تبدیل به سهام با نام به شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب شده و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بازار بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بازار بورس، وگرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت دیگر طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۵۲۷- از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده (۵۲۶) فروخته می شود بدو آ هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب پس انداز بانکی خاصی سپرده می شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و سود مربوط به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال، وجوه مزبور در حکم مال بلاصاحب بوده و باید توسط بانک و با اطلاع دادستان محل به خزانه دولت منتقل گردد.

تبصره- در مورد ماده قبل و این ماده، هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا این که برابر تعداد سهام بی نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده ۵۲۸ - پس از کلیه سهام بی نام به سهام با نام، یا گذشتن هر یک از مهلت های مذکور در ماده ۵۲۵، شرکت باید مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها منعکس کند تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۵۲۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را ندارند.

مبحث ششم - اوراق مشارکت

ماده ۵۳۰ - ورقه مشارکت، سند قابل معامله ای است که به مبلغ اسمی مشخصی برای سررسید معین به صورت با نام یا بی نام منتشر می شود و معرف میزان مشارکت دارنده آن در موضوع مشارکت بوده و علاوه بر سود حاصله از موضوع مشارکت، حقوق دیگری نیز ممکن است برای آن منظور نمود.

ماده ۵۳۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط زیر، اوراق مشارکت منتشر

نماید:

الف - شرکت در زمان انتشار اوراق مشارکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و از فهرست شرکت های موجود در بورس حذف یا معلق نشده باشد.

ب - در صورت نیاز مجوز لازم برای اجرای موضوع مشارکت از مرجع ذی صلاح را اخذ نموده باشد و سرمایه در گردش مورد نیاز آن به تأیید بازرس رسیده باشد.

ج - پیش بینی سود اجرای موضوع مشارکت و یا سود عملکرد تا سررسید اوراق مشارکت، طبق استانداردهای حسابداری مربوط توسط بازرس شرکت رسیدگی و درخصوص آن اظهار نظر شده باشد.

د - شرایط مصوب شورای پول و اعتبار در مورد سقف کلی انتشار اوراق مشارکت،

مدت و حداکثر نرخ سود علی الحساب آن رعایت شده باشد.

ه- تناسب حجم اوراق مشارکت قابل انتشار توسط شرکت باخالص دارایی های آن (مجموع دارایی ها منهای مجموع بدهی ها) به تأیید بازرس رسیده باشد.

ماده ۵۳۲- دارندگان اوراق مشارکت در اداره امور شرکت حق هیچ گونه دخالتی ندارند.

ماده ۵۳۳- نقل و انتقال اوراق با نام فقط از طریق بورس اوراق بهادار امکان پذیر بوده و از این جهت تابع مقررات حاکم بر بورس می باشد.

ماده ۵۳۴- تصمیم در اجرای به انتشار و فروش اوراق مشارکت و شرایط آن باید با رعایت مندرجات ماده (۵۳۱) این قانون و طرح اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع ثبت شرکت ها پس از دریافت مندرجات مزبور و همچنین تطبیق مندرجات اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت با این قانون، اجازه نشر اطلاعیه مذکور را صادر خواهد نمود. شرکت با دریافت اجازه مذکور، اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت را با قید شماره و تاریخ مجوز مرجع ثبت شرکت ها، در روزنامه شرکت، آگهی می کند.

تبصره- قبل از اخذ مجوز مذکور در این ماده، هر گونه آگهی برای فروش اوراق مشارکت ممنوع است.

ماده ۵۳۵- اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضای مجاز شرکت، امضاء شده باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت.
- ۳- شماره و تاریخ ثبت شرکت.
- ۴- مرکز اصلی شرکت.
- ۵- مدت شرکت.

۶- مبلغ سرمایه شرکت.

۷- اطلاعات مربوط به اوراق مشارکت تسویه نشده قبلی، شامل: مبلغ، تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای باز پرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ باز پرداخت نشده آن.

۸- در صورتی که اوراق مشارکت یا بدهی‌های اشخاص دیگری را تضمین کرده باشد، مبلغ، مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.

۹- مبلغ و مدت اوراق مشارکت انتشار یافته، مبلغ اسمی هر ورقه، نرخ و مواعد پرداخت سود علی الحسابی که به اوراق مشارکت تعلق می‌گیرد، ذکر سایر حقوق و امتیازاتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است، موعد و یا مواعد و شرایط باز پرداخت اصل و پرداخت سود اوراق و در صورتی که اوراق مشارکت قبل از سررسید قابل بازخرید باشد، شرایط و ترتیب بازخرید آن.

۱۰- تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱- اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۲- خلاصه صورت‌های مالی اساسی آخرین سال مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.

۱۳- موضوع شرکت که به منظور تأمین مالی تمام یا قسمتی از آن، اوراق مشارکت منتشر شده است و همچنین شماره مجوزهای صادر شده توسط مراجع ذی صلاح برای اجرای موضوع مشارکت در صورت نیاز.

۱۴- نام بازرس شرکت و اظهار نظر وی در مورد حساب‌های شرکت و پیش بینی سود موضوع مشارکت.

۱۵- مهلت خرید اوراق مشارکت.

۱۶- نام و نشانی مرجعی که برای فروش اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۷- با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.

۱۸- دوره پرداخت سود علی الحساب.

ماده ۵۳۶- صادر کننده اوراق مشارکت می تواند برای اخذ تضمین نسبت به تأمین تمامی اعتبار مورد نیاز، گزارش توجیه اقتصادی طرح مربوطه را به تأیید بانک یا مؤسسه معتبر برساند به نحوی که بانک یا مؤسسه مزبور تعهد کند که پس از عرضه عمومی اوراق مشارکت، آن قسمت از اوراق که به فروش نرسیده را ظرف مدت یک هفته یکجا و نقدی خریداری کند. اگر بخشی از اوراق صادره طی مهلت مقرر به فروش نرسد و تضمین خرید باقیمانده اوراق اخذ نشده باشد، صادر کننده اوراق، موظف است علاوه بر استرداد اصل مبالغ واریزی، خساراتی را معادل سود علی الحساب اوراق فوق، از تاریخ واریز وجوه بپردازد.

تبصره- خرید اوراق مشارکت، توسط شرکت صادر کننده ممنوع می باشد.

ماده ۵۳۷- مهلت عرضه اوراق مشارکت حداکثر برای یک بار و به مدت نصف دوره زمانی اولیه اعلام شده برای عرضه اوراق، قابل تمدید است.

ماده ۵۳۸- ورقه مشارکت باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیب مقرر برای اوراق سهام، امضاء شود:

۱- نام شرکت.

۲- شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۳- مرکز اصلی شرکت.

۴- مبلغ سرمایه شرکت.

۵- مدت شرکت.

۶- موضوع شرکت.

۷- مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه مشارکت.
۸- تاریخ و شرایط بازپرداخت اصل اوراق مشارکت و نیز شرایط بازخرید ورقه مشارکت (اگر قبل از سررسید قابل باز خرید باشد).
۹- نرخ و مواعد پرداخت سود علی الحساب و نحوه پرداخت سود قطعی اوراق مشارکت.
۱۰- تضمیناتی که احتمالاً برای استرداد وجوه اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱- سایر حقوق و امتیازاتی که برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.
۱۲- اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۳- قید با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.
ماده ۵۳۹- قبل از تأمین مبلغ مورد نیاز، شرکت حق استفاده از وجوه جمع آوری شده از محل فروش اوراق مشارکت را ندارد و این وجوه به صورت امانت نزد شرکت می ماند.
ماده ۵۴۰- شرکت این اختیار را دارد که صرفاً به اعتبار وضعیت و با پشتوانه های دارایی های خود اوراق مشارکت صادر کند. در عین حال شرکت می تواند از طریق بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری و یا شرکت های دیگر اصل یا اصل و سود اوراق مشارکت صادره را تضمین کند.

ماده ۵۴۱- تصمیم به انحلال و یا تجزیه شرکت، پیش از تصفیه حقوق دارندگان اوراق مشارکت قابلیت ثبت و اجرا ندارد.

ماده ۵۴۲- شرکت می تواند با اعطای امتیازاتی که باید از قبل تعیین شده باشد، اوراق مشارکت خود را قبل از سررسید باز خرید کند، مشروط به آنکه این موضوع در اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت و در ورقه مشارکت به صراحت قید شده باشد.

ماده ۵۴۳- شرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کند.

تبصره ۱- اوراق مشارکت نمی تواند در عین حالی که از سرسید قابل باز خرید، است، قابل تبدیل به سهام باشد.

تبصره ۲- تازمانی که کلیه تعهدات شرکت بابت اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهامی که قبلاً انتشار یافته، انجام نگیرد، انتشار اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام مجاز نمی باشد.

ماده ۵۴۴- تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مذکور در ماده ۵۴۳، مبنی بر اجازه انتشار اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، منوط به اجازه مجمع مزبور مبنی بر افزایش سرمایه تا میزان مبلغ کل اوراق مشارکت منتشره در سرسید این اوراق و همچنین سلب حق تقدم کلیه سهامداران ر خرید سهامی که در مقابل تبدیل اوراق مشارکت صادر می شود، است.

ماده ۵۴۵- بهای سهام قابل واگذاری به دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام باتوجه به بهای روز سهام شرکت در تابلوی بورس پس از افزایش سرمایه محاسبه می شود، لیکن شرکت می تواند تخفیفاتی را برای دارندگان اوراق مشارکت مذکور، منظور کند مشروط بر آنکه موضوع قبلاً به تصویب مجمع عمومی فوق العاده مندرج در ماده (۵۴۳) این قانون رسیده باشد.

ماده ۵۴۶- دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت، در صورت تمایل به تبدیل اوراق مشارکت خود، باید تا دو ماه قبل از سرسید اوراق مذکور، درخواست خود را تسلیم کنند. و گرنه حق آنها به تبدیل اوراق مشارکت خود به سهام ساقط می شود.

تبصره- همراه با تسلیم درخواست تبدیل اوراق مشارکت بی نام به سهم، اوراق مذکور باید به نحو مقتضی و روشن مهمور گردد.

ماده ۵۴۷- دارنده اوراق مشارکت نمی تواند پس از تسلیم در خواست تبدیل، اعلام انصراف نماید.

ماده ۵۴۸- حداکثر ظرف یک ماه از سررسید اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، به منظور افزایش سرمایه شرکت معادل اوراق مشارکتی که طبق در خواست دارندگان آن به سهام شرکت قابل تبدیل است. هیأت مدیره شرکت باید مصوبه مجمع عمومی راجع به افزایش سرمایه موضوع ماده (۵۴۴) این قانون و گواهی بازرس شرکت حاکی از موافقت دارندگان اوراق مشارکت با تبدیل اوراق مشارکت آنها به سرمایه را به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند. پس از ثبت این افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت ها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور در مقابل اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند، تحویل خواهد شد.

ماده ۵۴۹- در سررسید پس از پرداخت اصل و سود علی الحساب، میزان سود قطعی اوراق مشارکت بر اساس استانداردهای حسابداری محاسبه و همراه با اظهار نظر بازرس شرکت، حداکثر ظرف یک ماه پس از تاریخ سررسید اوراق مشارکت، با درج اطلاعیه در روزنامه شرکت نشر می گردد. اگر سود قطعی اوراق مشارکت، مازاد بر سود علی الحساب پرداخت شده باشد نحوه و مهلت پرداخت مازاد مذکور که نمی تواند بیش از دو ماه از تاریخ سررسید باشد، در اطلاعیه مذکور درج خواهد شد.

تبصره- تبدیل اوراق مشارکت به سهام، بر اساس اصل و سود علی الحساب خواهد بود و زمان تبدیل اوراق مشارکت به سهام نباید به تعویق افتد. ما به التفاوت سود علی الحساب و سود قطعی پس از تبدیل اوراق مشارکت به سهام نقداً به دارندگان اوراق پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۰- چنانچه سود شرکت مربوط به موضوع مشارکت از سود علی الحساب مقرر کمتر باشد، سود علی الحساب، سود قطعی تلقی می شود.

ماده ۵۵۱ - فقط اشخاص زیر بار عایت این قانون مجاز به انتشار اوراق مشارکت می باشند:

- ۱- شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس.
- ۲- شرکت های سهامی عام پذیرفته نشده در بورس در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت یا تأیید بانک مرکزی (به شرط آنکه دو سال تمام از تاریخ ثبت آنها گذشته باشد و همچنین دو صورت مالی آخرین سالهای مالی آنها تصویب شده باشد).
- ۳- دولت و شرکت های دولتی مطابق تبصره های قانون بودجه کشور.
- ۴- شهرداریها در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود با تأیید بانک مرکزی.
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب شورای پول و اعتبار.

ماده ۵۵۲ - مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر موضوع مشارکت، در حکم تصرف غیر قانونی اموال عمومی محسوب می شود.

ماده ۵۵۳ - به محض آنکه یکی از پرداختها بابت سود یا استرداد اصل مبلغ اوراق مشارکت با تأخیر مواجه شد، بانک کارگزار مکلف است نسبت به تأمین و پرداخت هر یک حسب مورد از محل تضمین اقدام کند.

ماده ۵۵۴ - حداکثر تا ۵ ماه پس از سررسید اوراق مشارکت، سود قطعی اوراق محاسبه و پس از تأیید سازمان حسابرسی به عنوان امین پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۵ - در صورت عدم ایفای تعهدات ناشر در بازپرداخت اصل و سود در سررسیدهای مقرر، بانک کارگزار مکلف است رأساً اقدام کند.

سوابق جداگانه به چاپ رسیده است.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره چاپ ۹۸۹
شماره ثبت ۴۵۹

دوره هفتم - سال دوم
تاریخ چاپ ۱۳۸۴/۶/۱۲

دو شوری

لایحه تجارت

جلد دوم

(از ماده ۵۵۶ تا ۱۰۲۸)

اقتصادی: کمیسیونهای ارجاعی، اصلی:

فرعی: اجتماعی - صنایع و معادن - عمران - قضایی و حقوقی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

مبحث هفتم - مجامع عمومی

ماده ۵۵۶ - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع سهامداران تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حد نصاب لازم برای تشکیل و تعداد آرای لازم برای تصمیم‌گیری در مجمع عمومی در اساسنامه پیش‌بینی می‌شود. حد نصاب و تعداد آرای که برای تصمیم‌گیری در اساسنامه پیش‌بینی می‌شود نباید کمتر از حدنصاب‌ها و آرای تعیین شده در این قانون باشد.

ماده ۵۵۷ - مجامع عمومی عبارتند از:

۱- مجمع عمومی مؤسس.

۲- مجمع عمومی عادی.

۳- مجمع عمومی فوق العاده.

ماده ۵۵۸ - مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأمین مبالغ آن.

۲- بررسی و اصلاح و تصویب طرح اساسنامه شرکت.

۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس شرکت.

۴- تعیین روزنامه شرکت که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره ۱- گزارش مؤسسين باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی

مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده باشد.

تبصره ۲- تصویب طرح اساسنامه در مورد سهام ممتاز نمی تواند مغایر با مفاد آگهی پذیره نویسی باشد.

ماده ۵۵۹- برای رسمیت یافتن مجمع عمومی مؤسس، حضور اشخاصی که حداقل نیمی از سرمایه شرکت را پذیره نویسی نموده اند، ضروری است. چنانچه در جلسه اول حدنصاب مذکور به دست نیاید، مؤسسين مکلفند مجمع را تا دو نوبت دیگر دعوت نمایند، مشروط بر اینکه دست کم بیست روز قبل از تشکیل مجمع، آگهی دعوت با ذکر دستور جلسه و نتیجه جلسه قبل در روزنامه شرکت منتشر گردد. برای رسمیت یافتن جلسه نوبت دوم حضور دارندگان دست کم یک سوم سرمایه در جلسه ضرورت دارد. در صورت عدم حصول حدنصاب در جلسه دوم، سهامداران برای سومین بار به ترتیب بالادعوت خواهند شد. در صورتی که در جلسه سوم، حدنصاب مذکور حاصل نگردد، شرکت قابل تشکیل نیست و مؤسسين موظفند نسبت به آگهی عدم تشکیل شرکت در روزنامه شرکت مبادرت ورزند. مقررات ماده (۴۴۸) در مورد این ماده نیز قابل اعمال است.

ماده ۵۶۰- در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک حق رأی خواهد بود و تصمیمات با دو سوم آراء حاضرین اتخاذ می شود.

ماده ۵۶۱- در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست و مؤسسين وظایف مجمع عمومی مؤسس را به انجام می رسانند. در این نوع شرکت ها، صورتجلسه مذکور در بند ۴ ماده ۵۰۴ این قانون در حکم صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس است.

ماده ۵۶۲- در شرکت‌های سهامی خاص هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غير نقد داشته باشند بايد نظر کتبي کارشناس رسمي دادگستري در مورد ارزيابي اين نوع آورده‌ها جلب و مورد پذيرش ساير مؤسسين قرار گيرد.

ماده ۵۶۳- مجمع عمومي عادي مي تواند نسبت به کليه امور شرکت به جز آنچه که در صلاحيت مجمع عمومي فوق العاده است تصميم بگيرد.

ماده ۵۶۴- در جلسه مجمع عمومي عادي حضور دارندگان حداقل بيش از نصف سهامی که حق رأی دارند، ضروري است. اگر در اولين دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور دارندگان هر ميزان سهام داراي حق رأی رسميت يافته و تصميم گيري خواهد شد، مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتيجه دعوت اول قيد شده باشد.

ماده ۵۶۵- در مجمع عمومي عادي تصميمات همواره با اکثريت نصف به علاوه یک آراء حاضرین در جلسه رسمي، معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب اعضاء هیأت مدیره که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب هیأت مدیره تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۵۶۶- مجمع عمومي عادي باید سالی یک بار در هنگامی که اساسنامه پیش بینی نموده برای رسیدگی و تصمیم گيري نسبت به صورت های مالی سال مالی قبل و گزارش هیأت مدیره و بازرس تشکیل گردد.

بدون قرائت گزارش بازرس شرکت در مجمع عمومي اخذ تصميم نسبت به

صورت‌های مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۵۶۷ - تقسیم سود و اندوخته بین سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم بیست درصد (۲۰٪) از سود ویژه سالانه بین سهامداران الزامی است.

ماده ۵۶۸ - مجمع عمومی فوق العاده منحصرأ به منظور رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به امور خاصی که در این قانون آمده است تشکیل می‌گردد. این مجمع با حضور دارندگان بیش از نصف سهام دارای حق رأی، رسمیت می‌یابد. چنانچه حد نصاب مزبور در نخستین جلسه به دست نیاید، جلسه برای بار دوم و با حضور یک سوم سهام دارای حق رأی رسمیت خواهد یافت، به شرط آنکه نتیجه دعوت نخست در دعوت دوم قید شده باشد.

ماده ۵۶۹ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت دوسوم آراء حاضرین در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۵۷۰ - هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه از جمله اتخاذ تصمیم راجع به سرمایه شرکت، صدور سهام ممتاز یا تغییر در مزایای این گونه سهام، تجویز انتشار اوراق مشارکت، تبدیل سهام و همچنین تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده قرار دارد.

ماده ۵۷۱ - دعوت از مجامع عمومی بر عهده رئیس هیأت مدیره است که در مواردی که هیأت مدیره مکلف به آن است پس از تصویب هیأت مدیره، مبادرت به این امر می‌کند.

ماده ۵۷۲ - چنانچه هیأت مدیره در مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرس شرکت مکلف است رأساً به دعوت مجمع مزبور اقدام کند.

ماده ۵۷۳ - در صورت عدم تنظیم و تسلیم به موقع مدارک مقرر در ماده (۷۲۵) این قانون و یا عدم دعوت از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام، حداکثر پنج ماه پس از پایان هر

سال مالی توسط رییس و اعضای هیأت مدیره و همینطور در صورت عدم دعوت از مجمع عمومی عادی، ظرف یک ماه پس از انقضای مدت مذکور توسط بازرس، از آنها حسب مورد به جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهند شد.

حکم این ماده برای سایر مواردی که رییس و اعضاء هیأت مدیره و بازرس مکلف به دعوت مجمع عمومی هستند و در موعد مقرر اقدام نکنند نیز جاری است.

ماده ۵۷۴- هیأت مدیره و همچنین بازرس شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۵۷۵- سهامدارانی که حداقل یک پنجم سهام شرکت را دارا می باشند، حق دارند خواستار دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده از هیأت مدیره شوند و هیأت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس شرکت خواستار شوند. در این صورت، بازرس مکلف خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نماید و گرنه سهامداران درخواست کننده حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت مدیره و بازرس تصریح نمایند.

ماده ۵۷۶- در مورد ماده ۵۷۵، دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در درخواست درج شده است.

ماده ۵۷۷- فاصله بین نشر دعوتنامه و تاریخ تشکیل مجامع عمومی حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

ماده ۵۷۸ - در آگهی دعوت مجمع عمومی، دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع، ساعت و نشانی کامل باید ذکر شود.

تبصره ۱- محل تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهری اقامتگاه شرکت باشد، مگر اینکه صددرصد صاحبان سهام برای تشکیل مجمع، محل دیگری را توافق نمایند.

تبصره ۲- اتخاذ هر گونه تصمیمی خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه آگهی شده، فاقد اعتبار است، مگر آنکه دارندگان صددرصد سهام دارای حق رأی در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.

تبصره ۳- اساسنامه می تواند شیوه تشکیل جلسات مجمع را به صورت ویدئو کنفرانس یا الکترونیکی نیز پیش بینی کند.

ماده ۵۷۹ - مجامع عمومی به وسیله هیأت ریسه‌ای مرکب از یک رییس، یک منشی و دو ناظر اداره می شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رییس هیأت مدیره می باشد، به جز هنگامی که دستور جلسه مجمع انتخاب یا برکناری همه یا برخی از اعضای هیأت مدیره باشد که در این صورت رییس مجمع از میان سهامداران حاضر در جلسه برگزیده خواهد شد، ناظرین از میان دارندگان سهام با نام حاضر انتخاب می شوند، لیکن منشی ممکن است سهامدار نباشد. هر سهامدار می تواند برای هر تعداد از سهام متعلق به خود، شخصی را به نمایندگی معرفی کند. هر یک از نمایندگان مزبور از جهت رعایت مقررات مربوط به انتخاب اعضاء هیأت ریسه مجمع و اعمال حق رأی به عنوان سهامدار تلقی می گردند. در هر حال تعداد نمایندگان معرفی شده هر سهامدار نباید بیشتر از ۵ نفر باشد.

تبصره - در صورت عدم حضور رییس و نایب رییس هیأت مدیره، ریاست با یکی دیگر از اعضای هیأت مدیره و چنانچه هیچ عضوی از اعضای هیأت مدیره در جلسه حاضر

نباشند، یکی از سهامداران بدین منظور برگزیده می‌شود.

ماده ۵۸۰- قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی، شرکت ضمن احراز مالکیت سهامداران متقاضی حضور در جلسه مجمع به تعیین میزان سهام و تعداد آراء آنان اقدام خواهد کرد. از حاضرین در مجمع صورتی تنظیم خواهد شد که در آن هویت کامل، اقامتگاه، تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.

تبصره ۱- چنانچه شرکت نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و به گونه‌ای عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود هر یک از اعضای متخلف هیأت مدیره از یکصد میلیون ریال تا یکصد و پنجاه میلیون ریال جریمه خواهد شد.

تبصره ۲- اگر هیأت مدیره نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام نکند و یا به گونه‌ای عمل کند که منجر به تشکیل جلسه مجمع شرکت نشود، بازرس موظف است نسبت به احراز مالکیت و تعیین آراء اقدام کند در این صورت بازرس از کلیه اختیارات هیأت مدیره در این خصوص برخوردار خواهد بود.

ماده ۵۸۱- هر کس مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی گردد، به حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال یا جزای نقدی از ده تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۲- رییس و هر یک از اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده (۵۸۰) تنظیم نکنند، به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۳- هر کس با سوء نیت و به خلاف واقع خود را دارنده سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید، اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام داده باشد، به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا

هشتاد میلیون (۸۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۴- رییس و هر یک از اعضای هیأت ریسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام در این قانون را رعایت نکرده باشند به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۵- در تمامی مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی آمده است، منظور اکثریت آراء حاضرین دارای حق رأی می باشد.

ماده ۵۸۶- هرگاه در مجمع عمومی در خصوص تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد تصمیم گیری نشود، هیأت ریسه مجمع با تصمیم مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسه بعد، مجمع با حداقل حد نصاب قانونی جلسه قبل رسمیت خواهد داشت.

ماده ۵۸۷- از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صور تجلسه ای توسط منشی تهیه می شود که به امضای اعضای هیأت ریسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز اصلی شرکت نگهداری خواهد شد. مسؤولیت تنظیم صور تجلسه به عهده هیأت ریسه مجمع عمومی می باشد.

صور تجلسه تنظیمی با داشتن امضای اکثریت اعضاء هیأت ریسه، معتبر است.

ماده ۵۸۸- چنانچه صور تجلسه مذکور در ماده (۵۸۷) تنظیم نشده باشد، هر یک از اعضاء متخلف هیأت ریسه به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

چنانچه صور تجلسه مذکور به صورت ناقص یا برخلاف واقع تنظیم شود، به تقاضای هر ذی نفع و با صدور حکم دادگاه تجارתי ابطال می شود و هر یک از امضاء کنندگان به

پرداخت یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا دویست میلیون (۲۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۹- در مواردی که تصمیمات در مجامع عمومی متضمن یکی از موارد ذیل باشد، یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال شود:

۱- انتخاب مدیران و بازرس.

۲- تصویب صورت های مالی.

۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر دیگر در اساسنامه.

۴- انحلال، تجزیه و ادغام شرکت و نحوه تصفیه آن.

۵- انتشار اوراق مشارکت.

مبحث هشتم - مدیریت شرکت

ماده ۵۹۰- اداره شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره ای مرکب از اشخاص حقیقی و حقوقی که از میان سهامداران یا خارج از آنها انتخاب می گردند و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند، صورت می پذیرد.

تبصره- شخص حقوقی که برای عضویت هیأت مدیره انتخاب می شود، باید یک شخص حقیقی را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

ماده ۵۹۱- جز در مورد نخستین گروه از اعضای هیأت مدیره که توسط مجمع عمومی مؤسس یا مؤسسين برگزیده می شود، انتخاب و برکناری اعضای هیأت مدیره توسط مجمع عمومی عادی انجام می شود.

ماده ۵۹۲- مدت مدیریت اعضای هیأت مدیره در اساسنامه معین می شود لیکن این

مدت از سه سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد اعضاء هیأت مدیره بلامانع می باشد.

ماده ۵۹۳ - حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی خاص سه و در شرکت سهامی عام پنج عضو می باشد.

تبصره - شمار اعضای هیأت مدیره باید فرد باشد.

ماده ۵۹۴ - مجمع عمومی باید برای شرکت های سهامی خاص حداقل ۲ نفر و برای شرکت های سهامی عام حداقل ۳ نفر، عضو علی البدل هیأت مدیره انتخاب نماید.

ماده ۵۹۵ - در صورت فوت، پذیرش استعفا و فقد صلاحیت و یا نقد شرایط از یک یا چند عضو هیأت مدیره، اعضای علی البدل بلافاصله مطابق مقررات اساسنامه و بدون انجام هر گونه تشریفات جای آنها را خواهند گرفت. در صورتی که اعضای علی البدل کافی برای پر کردن سمت های خالی در هیأت مدیره نباشند و یا به هر دلیل نا توان و یا ممنوع از تصدی چنین سمتی باشند، مدیر یا مدیران باقی مانده مکلفند از مجمع عمومی عادی برای تکمیل تعداد اعضای هیأت مدیره دعوت کنند. در صورت عدم امکان و یا خودداری مدیر یا مدیران باقیمانده از انجام تکلیف مزبور یا شمول یکی از حالات مذکور در بالا نسبت به کلیه مدیران، بازرس شرکت به محض اطلاع از موضوع، موظف به دعوت از مجمع عمومی عادی به منظور فوق می باشد.

در صورت عدم امکان یا خودداری بازرس شرکت از انجام تکالیف فوق و یا شمول حالات مذکور نسبت به وی، هر ذی نفع می تواند از مجمع عمومی دعوت به عمل آورد، مشروط به آنکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت از مجمع به منظور بالا از سوی مدیران باقیمانده و یا بازرس را در دعوتنامه قید نماید.

ماده ۵۹۶ - جز در مورد موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، هیأت مدیره شرکت دارای کلیه

اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات هیأت مدیره در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط در روابط اعضای هیأت مدیره و شرکت معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است.

ماده ۵۹۷- هیأت مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود، یک رییس و یک نایب رییس که باید شخص حقیقی باشند برای هیأت مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رییس و مدت نیابت رییس هیأت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره نخواهد بود. هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند رییس و نایب رییس هیأت مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود بی‌اثر خواهد بود.

تبصره ۱- از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان شخص حقوقی عضو هیأت مدیره معرفی شده باشد، در حکم عضو هیأت مدیره خواهد بود.

تبصره ۲- هرگاه رییس هیأت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد، وظایف او را نایب رییس هیأت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۵۹۸- دعوت از اعضای هیأت مدیره و اداره جلسات بر عهده رییس هیأت مدیره و در غیاب وی بر عهده نایب رییس هیأت مدیره است.

ماده ۵۹۹- برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیأت مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ گردد، مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۶۰۰- ترتیب تشکیل جلسات هیأت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضای هیأت مدیره را تشکیل دهند، می‌توانند در صورتی که از تاریخ آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با

ذکر دستور جلسه هیأت مدیره را دعوت نمایند.

تبصره - دعوتنامه باید به نحو مضبوطی به آگاهی سایر اعضای هیأت مدیره برسد.
ماده ۶۰۱ - برای هر یک از جلسات هیأت مدیره باید صورتجلسه‌ای تنظیم و به امضای مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیأت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ آن، ذکر می‌شود. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد نظر او باید در صورتجلسه قید شود. خودداری یک یا چند تن از مدیران حاضر از امضای صورتجلسه به منزله مخالفت با تصمیمات اتخاذ شده می‌باشد.

ماده ۶۰۲ - هیأت مدیره می‌تواند باید یک شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و در حدود اختیارات، مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رییس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی.

تبصره - هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را برکنار نماید.

ماده ۶۰۳ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضاء دارد.
ماده ۶۰۴ - نام، مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورتجلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود.

ماده ۶۰۵ - مدیران شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیران شرکت، شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آنها می‌باشند و یا به میزانی که بیش از ۵ درصد شریک آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملات که با شرکت یا به حساب

شرکت می شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند. همچنین معاملات شرکت با سهامداران دارای بیش از ۲۰ درصد سهام آن و با شرکت ها و مؤسساتی که بطور مشترک بیش از ۲۰ درصد سهم شرکت دیگری را دارا باشند باید با کسب اجازه از هیأت مدیره باشد. در چنین معاملاتی هیأت مدیره موظف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده است بلافاصله مطلع کند و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی سال مربوطه ارائه نماید. بازرس نیز مکلف است نظر خود را درباره شرایط چنین معامله ای در گزارش سالانه به همان مجمع ارائه کند. اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل و سهامداران ذی نفع به هنگام اتخاذ تصمیم در مورد چنین معاملاتی در جلسه هیأت مدیره و مجمع عمومی مربوط حق رأی نخواهند داشت.

تبصره - معاملات شرکت با اشخاص حقوقی مشمول این ماده و شرکت های تابعه در امور مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات مرتبط با فعالیت جاری شرکت در صورتی که مطابق روال عادی و متعارف مبادلات شرکت با سایرین انجام شود صرفاً از حیث اخذ مجوز هیأت مدیره مشمول مقررات مندرج در این ماده نخواهد بود.

ماده ۶۰۶ - معاملات مذکور در ماده ۶۰۵ هر چند در مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث آن شرکت داشته و یا از آن آگاه بوده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد، مدیران ذی نفع و مدیرانی که آگاهانه اجازه معامله را داده اند متضامناً مسؤول جبران خسارت وارده به شرکت می باشند.

ماده ۶۰۷ - در صورتی که معاملات مذکور در ماده (۶۰۵) این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد، هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد هر معامله و در

صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن، ابطال معامله را از دادگاه تجارتي صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسؤولیت مدیر یا مدیران ذی نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست ابطال معامله با مجمع عمومی عادی است که پس از استماع گزارش بازرس مبنی بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیران ذی نفع در معامله، حق شرکت در رأی گیری را نخواهند داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. معاملات موضوع این ماده در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

ماده ۶۰۸- مدیران شرکت حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آن را تضمین یا تعهد کند، مگر با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت به اتفاق آراء این گونه عملیات باطل و متخلف ملزم به استرداد اصل و پرداخت خسارت جریمه بر پایه بیست درصد (۲۰٪) در سال از تاریخ پرداخت وام یا اعتبار تا روز استرداد آن به شرکت می باشد. در مورد بانکها و شرکت های مالی و اعتباری، معاملات مذکور به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهند بود. ممنوعیت مذکور شامل اشخاصی نیست که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر، پدر، مادر، اولاد، اولاد اولاد، برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد. پرداخت وام به افراد اخیر که دارای رابطه استخدامی با شرکت می باشند، مطابق ضوابط داخلی شرکت امکان پذیر است.

ماده ۶۰۹- مدیران نمی توانند فعالیت تجاری که متضمن رقابت با شرکت باشد، انجام دهند. هر مدیری که از این ماده تخلف کند و تخلف مدیر موجب ضرر شرکت گردد، مسؤول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم از ورود خسارت تقویت

منفعت است.

ماده ۶۱۰- پرداخت هر گونه حقوق و مزایا به اعضای موظف و پرداخت حق حضور به اعضای غیر موظف هیأت مدیره با تصویب مجمع عمومی عادی مجاز می باشد.

مجمع عمومی می تواند اختیار فوق در خصوص تعیین حقوق و مزایای اعضای موظف را به تفویض کند. پرداخت پاداش به اعضای هیأت مدیره متناسب با بهبود عملکرد سالیانه شرکت و با تصویب مجمع می باشد و پاداش پرداختی به هر عضو موظف نباید از یکسال حقوق وی و به هر عضو غیر موظف از یکسال حق حضور وی بیشتر باشد لیکن در مواردی که عملکرد شرکت متضمن سود باشد مجمع می تواند پاداشی مازاد بر پاداش فوق را با تصویب دو سوم آراء به اعضای هیأت مدیره پرداخت کند. در هر حال مجموع پاداش پرداختی به اعضای هیأت مدیره نباید در شرکت سهامی عام از دو درصد (۲٪) سود قابل تخصیص و در شرکت سهامی خاص از پنج درصد (۵٪) سود قابل تخصیص شرکت بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هر گونه تضمینی که مغایر با این ماده باشد باطل و بلااثر است.

تبصره- اطلاعات مربوط به تمامی پرداختهای موضوع این ماده باید به صورت مشخص در گزارش منضم به صورت های مالی هیأت مدیره به مجمع افشا شود.

ماده ۶۱۱- اعمال و اقدامات مدیران شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها، اعمال آنان را غیر معتبر دانست.

ماده ۶۱۲- در صورتی که مدیر یا مدیران فاقد حق امضاء، مبادرت به انجام اعمال حقوقی تعهد آور به نام و برای شرکت بکنند، منفرداً و متضامناً با شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسؤولیت خواهند داشت. در صورت عدم تأیید عمل از سوی شرکت، مدیر یا مدیران شرکت مسؤولیت خواهند داشت.

ماده ۶۱۳ - هیأت مدیره موظف است ظرف یک ماه قبل از انقضای مدت مأموریت، از مجمع عمومی برای انتخاب اعضای هیأت مدیره دعوت کند. در صورتی که هیأت مدیره از مجمع دعوت نکند و یا به هر دلیلی مانع از تشکیل آن شود، بازرس موظف است ظرف مدت دو هفته از مجمع دعوت کند و در صورت خودداری بازرس از دعوت و یا عدم وجود بازرس در شرکت، دارندگان سرمایه شرکت حق خواهند داشت، مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و علاوه بر ذکر دستور جلسه، عدم دعوت از مجمع توسط هیأت مدیره و یا بازرس را در دعوتنامه قید کنند.

در صورتی که به هر دلیل مجمع برگزار نشود و یا نسبت به انتخاب هیأت مدیره اتخاذ تصمیم نکنند، هر ذی نفع می تواند از دادگاه تجارتي ذی صلاح درخواست تعیین هیأت مدیره کند. دادگاه تجارتي مکلف است به ترتیب از میان صاحبان بیشترین سرمایه یا سهام، هیأت مدیره را انتخاب کند.

در صورتی که صاحبان سرمایه یا سهام واجد شرایط لازم برای احراز سمت هیأت مدیره نباشند، دادگاه تجارتي نسبت به چگونگی ادامه فعالیت شرکت یا انحلال آن اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ماده ۶۱۴ - مدیران شرکت که عمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرس شرکت باید انجام پذیرد، به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرس شرکت را در مواقعی که حضور او طبق قانون الزامی است، به مجمع عمومی دعوت نکنند به پرداخت جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت یک تا سه سال از مدیریت شرکت های تجاری محروم خواهند شد.

ماده ۶۱۵ - هیأت مدیره مکلف است، امکان دسترسی هر یک از سهامداران را بصورت‌های مالی، گزارش فعالیت مدیران و گزارش بازرس و نسخه برداری از آنها را ده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی فراهم نماید.

ماده ۶۱۶ - هیأت مدیره مکلف است هر سال مالی یک پانزدهم از سود قابل تخصیص شرکت، موضوع ماده (۷۲۸) را به عنوان اندوخته قانونی منظور کند، همین که این اندوخته به بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت رسید، منظور کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد، کسر یک پانزدهم مذکور تا وقتی که اندوخته قانونی به بیست و پنج درصد (۲۵٪) کل سرمایه برسد ادامه خواهد یافت.

ماده ۶۱۷ - اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیأت مدیره مکلف است بلافاصله ضمن ارائه گزارش لازم متضمن امکان تأدیه بدهی‌های شرکت از محل دارایی‌های شرکت به بازرس، نسبت به دعوت مجمع عمومی فوق العاده اقدام کند تا موضوع انحلال یا ابقای شرکت مورد تصمیم‌گیری واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش و یا سرمایه شرکت را به میزان لازم برای خروج از شمول صدر ماده افزایش دهد.

در صورتی که هیأت مدیره بر خلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت نکند یا علی‌رغم دعوت، مجمع مزبور تشکیل نشود یا در صورت تشکیل مطابق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم نکند، هر ذی نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تجارتي صلاحیتدار درخواست نماید.

ماده ۶۱۸ - هر یک از مدیران شرکت که اموال، دارایی‌ها و امکانات شرکت و یا با سوء نیت اختیارات خود را، بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا

مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی نفع می باشد و یا با تبانی با هر شخص دیگری مورد استفاده قرار دهند، علاوه بر بازپرداخت منافع حاصله و جبران خسارات وارده، به حبس تعزیری از سه ماه و یک روز تا سه سال و محرومیت از تصدی مدیریت هر شرکت تجاری به مدت سه برابر حبس محکوم خواهند شد.

مبحث نهم - بازرس شرکت

ماده ۶۱۹ - مجمع عمومی عادی در هر سال شخصی را به عنوان بازرس انتخاب می کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کند. انتخاب مجدد بازرس بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر زمان می تواند بازرس را به شرط انتخاب جانشین عزل کند. تبصره - نحوه انتخاب بازرس برای شرکت های سهامی. مطابق آیین نامه ای است که به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۶۲۰ - مجمع عادی باید علاوه بر بازرس اصلی، یک شخص را به عنوان بازرس علی البدل انتخاب کند تا در صورت معذوریت، فوت، استعفا و سلب صلاحیت بازرس و یا انحلال (برای اشخاص حقوقی) بازرس اصلی، جایگزین وی گردد.

ماده ۶۲۱ - انتخاب اولین بازرس شرکت های سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس شرکت های سهامی خاص توسط مؤسسين به عمل خواهد آمد.

ماده ۶۲۲ - اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند:

۱- اشخاص مذکور در ماده ۴۵۸ و ۴۵۹ این قانون.

۲- مدیران شرکت.

۳- پدر، مادر، اجداد، خواهر، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و

همسر فرزندان مدیران شرکت.

۴- هر کس که خود یا همسرش از مدیران شرکت موظفاً حقوق دریافت می‌کند.

۵- هر کس که خود یا همسرش موظفاً از شرکت‌هایی که یک یا چند تن از مدیران در آنها مدیر یا سهامدار باشند، حقوق دریافت می‌کند.

۶- اشخاص حقوقی که مدیران شرکت در آنها مدیر یا شریک می‌باشند.

۷- سهامدارانی که بیش از ده درصد (۱۰٪) از سهام شرکت را داشته باشند.

۸- شرکاء و مدیران اشخاص حقوقی که به عنوان بازرس شرکت انتخاب شده‌اند.

۹- مؤسسات حسابرسی که خود یا یک چند تن از مدیران آن در شرکتی سمت مدیریت دارند و یا مدیران و یا اعضای آن در مجموع بیش از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه شرکتی را دارا می‌باشند از انتخاب شدن به عنوان بازرس شرکت مزبور ممنوع می‌باشند.

ماده ۶۲۳- هر کس با وجود منع قانونی، آگاهانه سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد، به جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا سیصد میلیون ریال و محرومیت از تصدی بازرسی شرکت‌های تجاری از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۴- بازرس علاوه بر وظایفی که در سایر موارد این قانون برای وی مقرر گردیده، مکلف است درباره صورت‌های مالی که هیأت مدیره برای تسلیم به مجمع عمومی عادی تهیه می‌کند بر پایه استانداردهای حسابرسی اظهار نظر کند و همچنین درباره درستی مطالب و اطلاعاتی که مدیران در گزارش خود به مجمع عمومی گذاشته‌اند، اظهار نظر کند. بازرس باید اطمینان حاصل کند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده است و در صورتی که مدیران اطلاعاتی بر خلاف واقع در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرس مکلف است که مجمع عمومی را از آن آگاه سازد. بازرس باید گزارش موضوع این ماده را به مجمع عمومی عادی تسلیم کند و

هیأت مدیره مکلف است امکان دسترسی هر یک از سهامداران به گزارش مذکور و نسخه برداری از آن را لااقل ۱۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی فراهم کند.
ماه ۶۲۵- در صورتی که بازرس شرکت از انجام تکالیف مقرر در ماده ۶۲۴ تخلف نماید، به پرداخت جزای نقدی از سی میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۶- هرگاه بازرس شرکت سهامی در گزارشهای خود راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی آگاهانه اطلاعات خلاف واقع بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نمی باشد.

ماده ۶۲۷- بازرس در چارچوب وظایف خود، می تواند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را، نسبت به امور شرکت انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوطه به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهد. بازرس می تواند به مسؤلیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارد از نظر کارشناسان استفاده نماید به شرط آنکه آنها را قبلاً به نحو مضبوطی به شرکت معرفی شده باشد. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می کند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

ماده ۶۲۸- هر یک از مدیران شرکت که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرس شود یا اسناد و اطلاعاتی را که برای انجام وظایف وی لازم است در اختیار بازرس قرار ندهد، به جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت دو تا پنج سال از مدیریت هر شرکت تجاری محروم خواهد شد.

ماده ۶۲۹- چنانچه بازرس در جریان بررسی امور شرکت متوجه تخلف یا تقصیری از ناحیه مدیران شرکت شود، بایستی مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش کند. در

صورتی که انتظار تا تشکیل جلسه مزبور موجب ورود زیان به شرکت شود، بازرس موظف است با قید فوریت مجمع یاد شده را به طور فوق العاده دعوت کند.

ماده ۶۳۰- در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که بر خلاف ماده ۶۲۲ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند، صورت‌های مالی شرکت را مورد تصویب قرار دهد، این تصویب فاقد اثر قانونی است.

تبصره- تصمیمات مجامع عمومی فوق العاده مشمول حکم این ماده می‌شود.

ماده ۶۳۱- در صورتی که مجمع عمومی بازرس تعیین نکرده باشد، یا بازرس تعیین شده از ارائه گزارش ناتوان باشد و یا خودداری نماید. مرجع قضایی صلاحیتدار به درخواست هر ذی نفع، شخصی را به طور موقت به سمت بازرس شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهد. تصمیم مرجع قضایی در این مورد قطعی و لازم الاجراست.

ماده ۶۳۲- بازرس شرکت به سبب تخلفاتی که در رابطه با انجام وظایف خود مرتکب می‌شود، در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث مسؤول جبران خسارات وارده می‌باشد.

ماده ۶۳۳- بازرس و همچنین همسر و فرزندان وی نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذی نفع شوند. چنین معاملاتی باطل بوده و بازرس متخلف مسؤول جبران خسارات وارده بر شرکت خواهد بود. تبصره- در صورتی که بازرس شخص حقوقی باشد، ممنوعیت مندرج در ماده ۶۲۲ اعمال می‌شود.

ماده ۶۳۴- در صورتی که بازرس شرکت آگاهانه در معاملات مذکور در ماده ۶۳۳ مشارکت کند، به مدت سه تا پنج سال از تصدی سمت بازرسی شرکت‌های تجاری محروم

خواهد شد.

ماده ۶۳۵ - دریافت وام، اعتبار، هدیه، و هر گونه تسهیلات و نیز اخذ تضمین برای دیون و یا تعهد توسط بازرس شرکت، پدر، مادر، اجداد، خواهر، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و همسر فرزندان بازرس به شرح مزبور در ماده ۶۳۳ این قانون، از شرکت ممنوع می باشد، تخلف از این ماده توسط بازرس موجب بطلان عمل حقوقی انجام شده و الزام به جبران خسارات وارده به شرکت توسط بازرس و پرداخت معادل بیست درصد (۲۰٪) مبلغ دریافتی یا ارزش تعهد در هر سال از سوی ذی نفع عمل مربوط به شرکت می باشد. همچنین متخلف از این ماده به محرومیت از تصدی سمت بازرسی و مدیریت شرکت های تجاری، به مدت سه سال محکوم می شود.

تبصره ۱- در صورتی که بازرس شخص حقوقی باشد، شرکت های مادر، تابعه و وابسته به آن نیز مشمول این محدودیت خواهد بود.

تبصره ۲- در مورد بانک ها و شرکت های مالی و اعتباری در صورتی که بازرس، پدر، مادر، اجداد، خواهد، برادر، همسر و بستگان درجه یک همسر، فرزندان و همسر فرزندان بازرس تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا شرکت مالی و اعتباری ذی ربط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معتبر خواهد بود.

ماده ۶۳۶ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۶۳۷ - بازرس علاوه بر رعایت موارد مذکور در این قانون، در تمامی مراحل انجام وظایف خود، ملزم به رعایت ظوابط و موازین حرفه ای مربوطه از جمله درستکاری، بی طرفی، دقت و رازداری می باشد.

مبحث دهم - تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۶۳۸ - سرمایه شرکت فقط با صدور سهام جدید افزایش می‌یابد.

ماده ۶۳۹ - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از شیوه‌های زیر امکان‌پذیر است:

۱- پرداخت نقدی.

۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.

۳- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته اختیاری یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سهام شرکت.

۴- تبدیل اوراق مشارکت به سهام.

تبصره ۱- فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

تبصره ۲- انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

ماده ۶۴۰ - شرکت می‌تواند سهام جدید را برای مبلغ اسمی بفروشد یا مبلغی را علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته مستقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

ماده ۶۴۱ - مجمع عمومی فوق العاده، که در مورد افزایش سرمایه، به پیشنهاد هیأت مدیره و پس از قرائت گزارش بازرس شرکت، اتخاذ تصمیم می‌کند.

مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌نماید. شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل صورت‌های مالی شرکت از ابتدای سال مالی جاری و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس که باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد، و حداقل ۳۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار سهامداران قرار گیرد. ماده ۶۴۲ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا مبلغ معینی افزایش دهد.

ماده ۶۴۳ - هیأت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه، حداکثر ظرف مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت، به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۶۴۴ - هر یک از مدیران که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد، سهام جدید صادر و منتشر کنند، به جزای نقدی از سی میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۴۵ - در خرید سهام جدید، سهامداران شرکت به نسبت سهامی که دارا می‌باشند حق تقدم دارند و این حق قابل واگذاری است. مهلتی که طی آن سهامداران را می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از یک ماه نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد، شروع می‌شود.

ماده ۶۴۶ - به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است، در صورتی که هر یک از مدیران شرکت در هنگام افزایش سرمایه حق تقدم سهامداران را نسبت به

پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به سهامداران ندهند، به جزای نقدی از سی میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۴۷- اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار تصمیم به افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

ماده ۶۴۸- در صورتی که شرکت قبلاً اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کرده باشد چنانچه هر یک از مدیران شرکت، حقوق دارندگان این گونه اوراق نسبت به تبدیل آنها به سهام شرکت را در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت است، اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا پیش از تبدیل اوراق مشارکت یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند، به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۴۹- مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می دهد، می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید را از آنها سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرس اتخاذ گردیده و متناسب با میزان سهام هر سهامدار باشد و گرنه باطل خواهد بود.

گزارش هیأت مدیره باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است،

باشد. گزارش بازرس باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است.

ماده ۶۵۰ - در مورد ماده ۶۴۹ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید موجب هر نوع انتفاع برای بعضی از صاحبان سهام گردد، این گروه سهامداران حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی، سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده ۶۵۱ - پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه، مراتب باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به اطلاع سهامداران برسد. در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر سهامدار به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد، مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر گردد. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۶۵۲ - شرکت مکلف است ظرف مهلتی که نباید کمتر از یک ماه باشد، گواهی حق تقدم خرید سهام ناشی از افزایش سرمایه را به وسیله مطمئنی از قبیل پست سفارشی، الکترونیکی و غیره برای دارنده حق تقدم ارسال نماید. صاحبان سهام بی نام مکلفند برای دریافت گواهی حق تقدم ظرف مدت مزبور به نشانی مشخص شده در آگهی افزایش سرمایه حضوراً یا از طریق رایانه رجوع نمایند.

ماده ۶۵۳ - گواهی نامه حق تقدم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر شده امضاء و مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- نام و مرکز اصلی شرکت.

۲- شماره ثبت شرکت.

۳- مبلغ سرمایه فعلی و مبلغ افزایش سرمایه شرکت.

۴- تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی نامه، حق خرید آن را دارد و ذکر مبلغ اسمی

سهام و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.

۵- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخت شود.

۶- مهلتی که دارنده گواهی نامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهی نامه استفاده

کند.

۷- شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد.

ماده ۶۵۴ - در صورتی که سهامداران دارای حق تقدم، ظرف مدت مقرر از این حق

استفاده نکنند، حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ خاتمه

پذیره نویسی به متقاضیان فروخته خواهد شد.

حق تقدم موضوع این ماده در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تنها از طریق بازار بورس فروخته خواهد شد و در سایر شرکت‌های سهامی عام و

شرکت‌های سهامی خاص نحوه عرضه و فروش سهام فوق طبق تصمیم مجمع تعیین

می‌شود.

تبصره - چنانچه حق تقدم خرید سهام متعلق به سهامدارانی که در مهلت مقرر در

ماده (۶۴۵) از حق تقدم خود استفاده نکرده‌اند، فروخته شود، مبلغ مذکور پس از کسر

هزینه‌های مربوطه به عرضه و فروش به حساب سهامداران مربوط منظور و پرداخت

می‌شود.

ماده ۶۵۵ - هر یک از مدیران شرکت سهامی که عامداً اطلاعات نادرستی به مجمع

عمومی بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند که منجر به سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید شود، به جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم و به مدت یک تا سه سال از مدیریت شرکت های تجاری محروم خواهند شد.

ماده ۶۵۶- شرکت های سهامی عام باید قبل از عرضه سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی، ابتدا طرح آگهی پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۶۵۷- طرح آگهی پذیره نویسی مذکور در ماده (۶۵۶) باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و شماره ثبت شرکت.
- ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیت های آن.
- ۳- مرکز اصلی شرکت.
- ۴- در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن.

- ۵- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۶- اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
- ۷- هویت کامل اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.
- ۸- شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.
- ۹- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه.

۱۰- مبلغ و تعداد اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و

مهلت و شرایط تبدیل اوراق مشارکت به سهم.

۱۱- مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق مشارکتی که شرکت منتشر کرده است و تصمیمات مربوط به آن.

۱۲- مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

۱۳- مبلغ افزایش سرمایه.

۱۴- تعداد و نوع سهام جدیدی که سهامداران با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.

۱۵- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره نویسی.

۱۶- مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید پذیره نویسی شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.

۱۷- حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود.

۱۸- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

۱۹- نحوه عمل در مورد کسر و یا اضافه مبلغ پذیره نویسی شده نسبت به مبلغ افزایش سرمایه اعلام شده.

۲۰- ذکر نام روزنامه شرکت.

ماده ۶۵۸- صورت‌های مالی سال قبل شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه سند پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که تا آن موقع صورت‌های مالی سال قبل شرکت تصویب نگردیده باشد این نکته باید در سند پذیره نویسی قید شود.

ماده ۶۵۹- مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده ۶۵۷، در صورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی پذیره نویسی را صادر نماید.

ماده ۶۶۰- آگهی پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه شرکت، دست کم در دو روزنامه کثیرالانتشار و نیز در محل مرجعی که خرید سهام در نزد آن به عمل می آید یا در پایگاه الکترونیکی منتشر شود. در آگهی پذیره نویسی باید قید شود که آخرین صورت‌های مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.

ماده ۶۶۱- خریداران ظرف مهلتی که در آگهی پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از یک ماه کمتر باشد، سند پذیره نویسی سهام را امضاء کرده، مبلغی را که باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۶۶۲- پذیره نویسی سهام جدید به موجب سند پذیره نویسی سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد:

- ۱- نام، موضوع، مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.
 - ۲- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
 - ۳- مبلغ افزایش سرمایه.
 - ۴- شماره و تاریخ اجازه انتشار آگهی پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
 - ۵- تعداد و نوع سهامی که پذیره نویسی می شود و مبلغ اسمی آن.
 - ۶- نام بانک و شماره حسابتی که بهای سهم در آن پرداخته می شود.
 - ۷- هویت و نشانی کامل پذیره نویس.
- ماده ۶۶۳- مقررات مواد ۴۹۳ و ۴۹۴ این قانون در مورد سند پذیره نویسی موضوع

ماده قبل نیز حاکم است.

ماده ۶۶۴- پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده، هیأت مدیره حداکثر تا یک ماه به امر پذیره نویسی رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از پذیره نویسان را تعیین و اعلام مراتب را جهت ثبت به آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

ماده ۶۶۵- هر گاه پس از رسیدگی به اسناد پذیره نویسی، مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد، هیأت مدیره مکلف است ضمن تعیین مقدار سهام خریدار، دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوطه بدهد.

ماده ۶۶۶- هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم آگهی پذیره نویسی مذکور در ماده (۶۵۷) به مرجع ثبت شرکتها، به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید، مرجع ثبت شرکتها که آگهی پذیره نویسی به آن تسلیم شده است، گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به مرجع یا بانکی که پذیره نویسی یا خرید سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت شد یا تعهد شده باشد به عهده شرکت است

ماده ۶۶۷- برای ثبت افزایش سرمایه شرکت های سهامی خاص، ارائه اظهار نامه ای که به امضای کلیه اعضای هیأت مدیره رسیده باشد، به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها، کافی خواهد بود:

۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیأت مدیره داده است و در صورت اخیر، صورتجلسه هیأت مدیره در مورد

افزایش سرمایه.

۲- یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده (۶۵۱) این قانون در آن منتشر

گردیده است.

۳- اظهار نامه‌ای که حاکی از فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که همه یا برخی از

سهام جدید، سهام ممتاز باشد شرح امتیازات و موجبات آن.

۴- در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت

غیر نقد تسلیم شرکت گردیده باشد. مجمع عمومی فوق‌العاده باید با حضور صاحبان سهام

شرکت و آورندگان سرمایه نقدی و غیر نقدی تشکیل شده و رعایت مقررات ۵۶۵ لغایت

۵۶۸ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک

نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید به اظهار نامه مذکور در این ماده ضمیمه

شود.

تبصره- اظهار نامه‌های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه اعضاء هیأت مدیره

رسیده باشد.

ماده ۶۶۸- وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شوند باید در حساب

سپرده مخصوص نگهداری شوند. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حسابهای شرکت

ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

ماده ۶۶۹- در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده، افزایش سرمایه را تصویب و

تأدیه آن را از طریق تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت نیز تجویز کرده باشد، سهام

جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهند شد، با امضای سند خرید سهم

توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی و یا خرید سهام جدید، حسب مورد باشند، انجام

می‌گیرد. سهامدارانی که فاقد مطالبات حال شده از شرکت می‌باشند و یا مطالبات آنها

کافی نباشد می‌توانند یا تأدیه بهای سهام از حق تقدم خود در افزایش سرمایه استفاده کنند.
ماده ۶۷۰ - در سند خرید سهم مذکور در ماده (۶۶۹)، نکات مندرج در بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۵) و (۷) ماده (۶۶۲) باید قید شود.

ماده ۶۷۱ - پس از انجام پذیره نویسی یا خرید، با توجه به ماده (۶۶۹) باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها، صورت کاملی از مطالبات حال شده بستانکاران پذیره‌نویس یا متقاضی که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از صحت مطالبات مذکور که بازرس شرکت آن را تأیید کرده باشد، همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهار نامه هیأت مدیره مبنی بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.
ماده ۶۷۲ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده (۶۱۷) مجمع عمومی فوق العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تناسب حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۴۸۳ این قانون کمتر نگردد.

تبصره - کاهش سرمایه از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی و یا کاهش بهای اسمی سهام و یا رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.
ماده ۶۷۳ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل ظرف مدت یک ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم گردد.
پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل صورت‌های مالی شرکت از ابتدای سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد شامل صورت‌های مالی سال قبل باشد.

ماده ۶۷۴ - بازرس شرکت پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۶۷۵ - هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش، حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی کند.

ماده ۶۷۶ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت، هر یک از دارندگان اوراق مشارکت و یابستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ آخرین آگهی مذکور در ماده ۶۷۵ باشد، می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تجارتي تقدیم کنند.

ماده ۶۷۷ - در صورتی که به نظر دادگاه تجارتي، اعتراض نسبت به کاهش سرمایه، وارد تشخیص داده شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه تجارتي کافی باشد نسپارد، در این صورت آن دین حال شده و دادگاه تجارتي حکم به پرداخت آن خواهد داد.

ماده ۶۷۸ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده (۶۷۶) و همچنین در صورتی که اعتراض شده و وثیقه موضوع ماده قبل تودیع نشده باشد کاهش سرمایه تا اجرای حکم قطعی دادگاه تجارتي، ممنوع است.

ماده ۶۷۹ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم، هیأت مدیره شرکت باید مراتب را طی آگهی به اطلاع کلیه سهامداران برساند. آگهی باید در روزنامه شرکت منتشر شود و به نحو مضبوطی به آگاهی سهامداران برسد.

ماده ۶۸۰ - آگهی مذکور در ماده (۶۷۹) باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.
 - ۲- مبلغ سرمایه شرکت قبل و بعد از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.
 - ۳- بهای اسمی سهام و یا تعداد سهام قبل و بعد از کاهش سرمایه.
 - ۴- نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم یا مبلغ سهام کاهش یافته در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد.
- ماده ۶۸۱- خرید سهام شرکت، توسط خود شرکت ممنوع است.
- ماده ۶۸۲- هر یک از اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه، مقررات مواد (۶۷۲)، (۶۷۳) و (۶۷۹) این قانون را رعایت نکنند، به جزای نقدی از پانزده میلیون (۱۵ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال و محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.
- ماده ۶۸۳- هر یک از اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد بررسی قرار گیرد و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور، اقدام نکنند به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال و محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال، محکوم خواهند شد.

مبحث یازدهم - انحلال و تصفیه شرکت سهامی

- ماده ۶۸۴- شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:
- ۱- شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است، انجام داده یا انجام آن غیر

ممکن باشد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق العاده در خصوص تغییر موضوع از طریق اصلاح اساسنامه اتخاذ تصمیم کند.

۲- شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر این که مجمع عمومی فوق العاده مدت مذکور را قبل از انقضا تمدید کند.

۳- در صورت ادغام در شرکت دیگر و یا تجزیه که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود.

۴- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه تجارتي طبق ماده (۶۸۵) این قانون.

۵- در صورت ورشکستگی.

۶- با تصمیم اختیاری مجمع عمومی فوق العاده.

ماده ۶۸۵- در موارد زیر هر ذی نفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تجارتي

درخواست کند:

۱- در صورتی که تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت، اقدام مؤثر برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه در مورد صورت های مالی هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده، اتخاذ تصمیم نکرده باشد.

۳- در صورتی که سمت هر یک از مدیران شرکت بیش از شش ماه بلا متصدی مانده

باشد.

۴- در مورد بندهای (۱) و (۲) ماده (۶۸۴)، در صورتی که مجمع فوق العاده برای اعلام

انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد.

ماده ۶۸۶- در خصوص موارد مذکور در ماده (۶۸۵)، دادگاه تجارتي بلافاصله

برحسب مورد ضمن اخطار کتبی به شرکت، مهلتی که از شش ماه تجاوز نخواهد کرد را به

شرکت خواهد داد تا نسبت به رفع موجب یا موجبات انحلال اقدام نماید. در صورتی که پس از انقضاء مهلت، شرکت موجب یا موجبات انحلال را بر طرف نسازد، دادگاه تجارتي به موضوع رسیدگی و نسبت به صدور حکم انحلال مبادرت خواهد کرد.

ماده ۶۸۷- انحلال و تصفیه امور شرکت سهامی به موجب مقررات این بخش انجام می گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات ناظر به ورشکستگی می باشد.

ماده ۶۸۸- امر تصفیه با هیأت مدیره می باشد، مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده یا دادگاهی که رأی به انحلال می دهد، ترتیب دیگری مقرر دارد.

تبصره- بر کناری مدیران تصفیه با همان مرجعی است که آنها را برگزیده است.
ماده ۶۸۹- در هر صورت مدیران تصفیه شرکت های سهامی عام نباید کمتر از سه نفر باشد.

ماده ۶۹۰- نحوه و شرایط انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه و نحوه تشکیل جلسات آنها تابع ترتیبات ملحوظ در این قانون در مورد هیأت مدیره می باشد.

ماده ۶۹۱- اشخاص حقوقی را می توان به عنوان مدیر تصفیه انتخاب نمود.
ماده ۶۹۲- چنانچه امر تصفیه بلا تصدی مانده باشد یا مدیران تصفیه تعیین نشده باشند یا تعیین شده لیکن به وظایف خود عمل نکنند، بازرس شرکت مکلف است مراتب را به دادگاه تجارتي جهت تعیین مدیر یا مدیران شرکت تصفیه منعکس کند. در هر حال هر ذی نفع حق دارد تعیین مدیر یا مدیران تصفیه را از دادگاه تجارتي بنخواهد.

ماده ۶۹۳- شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۶۹۴- نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود

مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه تجارتي نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۶۹۵ - تا پایان کار تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری، اجرای تعهدات، وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۶۹۶ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف مدت ده روز از طرف مدیر یا مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت ها اعلام گردد تا پس از ثبت برای اطلاع همگان در روزنامه رسمی یا روزنامه شرکت آگهی شود.

ماده ۶۹۷ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و آگهی نشده باشد، نسبت به اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۶۹۸ - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه، سمت هیأت مدیره زائل شده و تصفیه شرکت آغاز می گردد. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر، اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته و بلافاصله امر تصفیه را عهده دار شوند.

ماده ۶۹۹ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم برای امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش را دارا می باشند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و بی اثر است.

ماده ۷۰۰ - در صورتی که اداره شرکت در حال تصفیه به وسیله هیأت مدیره انجام شود، نحوه دعوت و حدنصاب های تشکیل و تصمیم گیری همانند هیأت مدیره شرکت فعال خواهد بود.

ماده ۷۰۱ - مقررات مواد (۵۸۲)، (۶۱۱)، (۶۱۲)، (۶۱۴)، (۶۲۸)، (۷۳۲) این قانون در مورد مدیران تصفیه نیز اعمال می‌گردد.

ماده ۷۰۲ - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه تحت هر عنوان کلاً یا بعضاً به اشخاص زیر باطل است:

۱- مدیران تصفیه یا اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم و شرکت‌هایی که مدیران مزبور در آنها دارای سمت مدیریت هستند و یا حداقل ۵۰ درصد سرمایه آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به مدیران تصفیه یا اقارب آنها به شرح فوق می‌باشد.

۲- چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد، شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکت‌های مادر، تابعه و وابسته به آن و همچنین مدیران شخص حقوقی مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه دوم.

۳- چنانچه مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند.

مدیر یا مدیرانی که برخلاف این ماده عمل کنند ضامن اصل و منافع مال موضوع انتقال بوده و به پرداخت خسارت معادل پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش مال مزبور محکوم می‌شوند.

تنها در صورتی که دو بار دارایی شرکت در حال تصفیه به مزایده گذاشته شده باشد و خریداری برای آن پیدا نشود، مدیر یا مدیران تصفیه می‌توانند با تصویب اکثریت صاحبان سرمایه و با این قید که قیمت خرید آنها از قیمت پایه مزایده که به تأیید کارشناس رسمی دادگستری رسیده کمتر نباشد، دارایی شرکت را خریداری کنند.

ماده ۷۰۳ - تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی معین می‌کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از ۲ سال باشد. چنانچه ظرف این مدت امر تصفیه خاتمه نیابد، مدیر یا

مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت، مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده و مجمع عمومی صاحبان سهام پس از استماع نظریه بازرس در مورد گزارش مدیران تصفیه نسبت به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می‌نمایند. مدیر یا مدیران تصفیه برای حداکثر ۲ سال انتخاب می‌شوند، انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۷۰۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، تمدید مدت مأموریت آنان نیز با رعایت شرایط مندرج در ماده ۷۰۳ با دادگاه تجارتي خواهد بود.

ماده ۷۰۵ - تا هنگامی که کار تصفیه پایان نیافته، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی را با شرایط و تشریفات مقرر در قانون و اساسنامه دعوت نموده و صورت‌های مالی را همراه با گزارش عملکرد خود به مجمع عمومی تقدیم نمایند. تبصره - نسخه‌ای از صورت‌های مالی و گزارش مزبور، یک هفته پیش از تشکیل مجمع، جهت اظهار نظر به بازرس شرکت ارائه می‌گردد.

ماده ۷۰۶ - در دوره تصفیه دعوت از مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیر یا مدیران تصفیه می‌باشد.

در صورت ناتوانی یا خودداری مدیر یا مدیران تصفیه از انجام این تکلیف، بازرس شرکت موظف به دعوت از مجامع عمومی خواهد بود. چنانچه بازرس شرکت به دعوت از مجمع عمومی اقدام ننماید، دادگاه تجارتي به تقاضای هر ذی نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۷۰۷ - در هر مورد که به موجب مقررات این بخش، تشکیل مجمع عمومی برای

اتخاذ تصمیم در امر تصفیه ضرورت داشته باشد، اما به هر دلیل مجمع عمومی تشکیل نشود یا تصمیم‌گیری ننماید، دادگاه تجارتي با لحاظ ماده (۷۱۰) به درخواست هر ذی‌نفع تصمیم مقتضی در خصوص موضوع اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۷۰۸ - حکم ماده ۶۱۵ در مورد ایجاد امکان دسترسی سهامداران به صورت‌های مالی، گزارش فعالیت مدیران و گزارش بازرس در زمان تصفیه شرکت نیز جاری است.
ماده ۷۰۹ - حکم مواد ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۲ راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت در مجامع، در مدت تصفیه نیز جاری است.

ماده ۷۱۰ - در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند، هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت‌های مالی را در روزنامه شرکت منتشر کنند.

ماده ۷۱۱ - تقسیم دارایی شرکت میان سهامداران خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله ۳۰ روز در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۷۱۲ - آن‌بخش از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد نیاز نیست، میان سهامداران به نسبت سهام آنها تقسیم می‌شود، به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز سررسید آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۷۱۳ - پس از ختم تصفیه، انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون، دارایی شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر

در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد. مدیر تصفیه باید نحوه تقسیم دارایی بین سهامداران را به طریق مقتضی به اطلاع سهامداران برساند.

ماده ۷۱۴ - تخلف از مقررات مواد (۷۱۱) تا (۷۱۳) مدیران تصفیه را مسؤول جبران خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۷۱۵ - در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه از مفاد مواد (۷۱۱) تا (۷۱۳)، عمداً تخلف کنند به جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا دویست و پنجاه میلیون ریال یا محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری از یک تا سه سال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۷۱۶ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماهه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا توسط مرجع مزبور به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجارتی حذف شود.

ماده ۷۱۷ - مدیران تصفیه باید بلافاصله پس از اعلام پایان تصفیه، وجوهی که باقی مانده است را در حساب مخصوص نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و سهامدارانی که مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند را نیز به آن بانک ارائه و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا نسبت به دریافت طلب خود از بانک اقدام کنند.

پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی پایان تصفیه هر مبلغ از وجوهی که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاحساب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۷۱۸- دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید به مدت ده سال مالی باید منتهی به سال ختم تصفیه شرکت، توسط مدیر یا مدیران تصفیه به صورت اسناد الکترونیکی اصل یا جایگزین تهیه شوند و با اخذ گواهی از یکی از مراجع موضوع ماده (۳۱) قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲، همزمان با اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود تا به مدت ده سال از تاریخ ختم تصفیه توسط مرجع مزبور برای مراجعات لازم نگهداری شوند.

ماده ۷۱۹- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشند، باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نمایند. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود و یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه مکلفند که قصد استعفای خود را به دادگاه تجارتي اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه تجارتي بخواهند دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به انتخاب جانشین تعیین تکلیف نماید. در هر حال استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا هنگامی که جانشین آنان به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشوند و مراتب طبق ماده (۶۹۶) این قانون ثبت و آگهی نشده باشد بی اثر است.

چنانچه امر تصفیه شرکت در خاتمه مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه، پایان پذیرد و مدیر یا مدیران مزبور تمایل به انتخاب مجدد برای این سمت را نداشته باشند باید ضمن اعلام مراتب به بازرس شرکت، هنگام دعوت مجمع عمومی صاحبان سهام برای انتخاب مدیران تصفیه، این امر را اعلام نمایند، در صورتی که مجمع عمومی تشکیل نشود و یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب کند یا مدیران مزبور توسط دادگاه تجارتي انتخاب

شده باشند باید از دادگاه تجارتي ذی صلاح درخواست انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه جدید را بنمایند. دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نسبت به تعیین جانشین اقدام کند.

ماده ۷۲۰- اگر مدیران متعدد و توسط مجمع عمومی انتخاب شده باشند، در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه مدیریت به دلایلی نظیر بیماری صعب‌العلاج یا حبس یک یا چندتن از آنان، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی شرکت را برای تعیین جانشین مدیر یا مدیران مذکور دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند فرد جانشین را انتخاب کند در صورتی که مدیر یا مدیران مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد و مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد در صورت فوت، ورشکستگی و یا تعذر از ادامه مأموریت به دلایلی نظیر بیماری صعب‌العلاج و حبس، هر ذی نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر مذکور توسط دادگاه تجارتي تعیین شده باشد هر ذی نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه تجارتي بخواهد.

ماده ۷۲۱- مجمع عمومی فوق‌العاده و یا دادگاه تجارتي که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند موظف است همزمان بازرس اصلی و علی‌البدل شرکت را انتخاب نماید.

ماده ۷۲۲- مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر شوند، به محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری و یا جزای نقدی از سی میلیون

(۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد:

۱- چنانچه ظرف یک ماه از انتخاب خود تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و مشخصات خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۲- در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی را دعوت نکرده و صورت‌های مالی و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند به آگاهی مجمع عمومی نرسانند.

۳- چنانچه پیش از پایان کار تصفیه هر ساله مجمع عمومی را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون پیش‌بینی شده است دعوت نکرده و صورت‌های مالی شرکت را به همراه گزارش حاکمی از اقداماتی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور ارائه نکنند.

۴- در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵- چنانچه ظرف مدت یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند.

۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه و جوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوص در یکی از بانک‌های ایران تودیع نمایند، و صورت اسامی بستنکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را دریافت نداشته‌اند به آن بانک تسلیم نکرده و مراتب را طی آگهی پایان تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.

ماده ۷۲۳- شرایط، اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های بازرس در دوره تصفیه شرکت همانند قبل از تصفیه است.

ماده ۷۲۴- مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم برای مقاصد

شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود در آن ذی نفع می باشند مورد استفاده قرار دهند علاوه بر بازپرداخت منافع حاصله و جبران خسارات وارده، به حبس تعزیری از سه ماه و یک روز تا سه سال و محرومیت از تصدی مدیریت هر شرکت تجاری به مدت سه برابر حبس محکوم خواهند شد.

مبحث دوازدهم - حساب های شرکت

ماده ۷۲۵ - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت های مالی شرکت را مطابق استانداردهای حسابداری مصوب مراجع ذی صلاح به ضمیمه گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند و حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس شرکت گذاشته شود.

ماده ۷۲۶ - رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت که مدارک مقرر در ماده قبل را به موقع تنظیم یا تسلیم نکنند به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۷۲۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد همان سال مالی منهای کلیه هزینه های مربوطه که طبق استانداردهای حسابداری به رسمیت شناخته شده اند پس از کسر مالیات شرکت.

ماده ۷۲۸ - سود قابل تخصیص عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت موضوع ماده (۷۲۷) منهای زیان انباشته ابتدای سال به علاوه سود انباشته ابتدای سال پس از اعمال تعدیلات سنواتی.

ماده ۷۲۹ - مجمع عمومی عادی سالانه در صورت تصویب صورت های مالی و

احراز اینکه سود قابل تخصیص وجود دارد، پس از کسر اندوخته قانونی به شرح ماده (۶۱۶) این قانون، مبلغی که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود و یا به حساب اندوخته اختیاری منظور شود، را تعیین می‌کند. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد، بین صاحبان سهام تقسیم شود. در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم شود.

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود، سود موهوم تلقی خواهد شد.

ماده ۷۳۰ - نحوه پرداخت سود تعیین شده در ماده قبل توسط مجمع عمومی معین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد، هیأت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود. در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف چهار ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده ۷۳۱ - مدیران شرکت که بدون رعایت تشریفات و ترتیبات مقرر در این قانون مبادرت به تقسیم سود کنند علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال و محرومیت یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شوند و در صورتی که سود توزیع شده بین سهامداران موهوم باشد مدیران مزبور به حبس تعزیری از یک سال تا سه سال نیز محکوم می‌شوند.

ماده ۷۳۲ - مدیران شرکت که به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت صورت‌های مالی غیر واقعی به مجمع عمومی ارائه یا منتشر کرده باشند، به حبس تعزیری از شش ماه تا هجده ماه محکوم خواهند شد.

مبحث سیزدهم - تبدیل شرکت ها

ماده ۷۳۳ - شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط لازم برای تأسیس شرکت های سهامی عام و لحاظ شرایط زیر می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود:

۱- موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد.

۲- دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و صورت های مالی شرکت در دو سال پیاپی به تصویب مجمع عمومی سهامداران رسیده باشد.

۳- اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

۴- الزام تأمین حداقل سی و پنج درصد (۳۵٪) سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم رعایت شود.

ماده ۷۳۴ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده سهامداران تبدیل شرکت را تصویب کرده است، صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند:

۱- اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است.

۲- صورت های مالی مذکور در ماده ۷۳۳ که به تأیید حسابرس رسمی رسیده باشد.

۳- اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف- نام و شماره ثبت شرکت .

ب- موضوع شرکت و نوع فعالیت آن.

ج- مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبه‌ای داشته باشد، نشانی شعب آن.

د- در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت

آن.

ه- سرمایه شرکت.

و- اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز- هویت کامل مدیران شرکت.

ح- شرایط حضور و حق رأی سهامداران در مجامع عمومی.

ط- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی- مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین

شده است.

ک- ذکر نام روزنامه شرکت.

ماده ۷۳۵- مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده شماره ۷۳۴ و

تطبیق مندرجات آنها با این قانون، تبدیل شرکت را ثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی

خواهد نمود. در غیر این صورت ایرادات را ظرف مدت پانزده روز از تاریخ وصول مدارک

کتباً به متقاضی اعلام می‌کند.

ماده ۷۳۶- در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر

گردیده و قید شود که اساسنامه شرکت، صورت‌های مالی و گزارش بازرس دو سال قبل از

انتخاب تصمیم نسبت به تبدیل در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای علاقمندان

آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه شرکت، در یک روزنامه

کثیرالانتشار نیز منتشر شود.

ماده ۷۳۷ - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود می آید با رعایت مواد (۶۵۶) لغایت (۶۶۵) و ماده (۶۶۸) این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکت ها پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود، اجازه انتشار آگهی پذیره نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در آگهی پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

ماده ۷۳۸ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تأدیه نشود، شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

مبحث چهاردهم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۷۳۹ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که به وسیله یک یا چند شخص تشکیل گردیده و هر یک از شرکاء نسبت به بدهی ها و تعهدات شرکت تا میزان سرمایه ای که در شرکت گذارده اند، مسئولیت خواهند داشت.

ماده ۷۴۰ - در شرکت با مسئولیت محدود تقسیم سرمایه به قطعات یا برگ سهام یا به شکل اوراق تجارئی قابل انتقال اعم از با نام یا بی نام ممنوع بوده و میزان سهم الشرکه هر یک از صاحبان سرمایه به درصد تعیین می شود.

ماده ۷۴۱ - در کلیه اوراق مربوط به شرکت، پس از نام شرکت باید عبارت «بامسئولیت محدود» آورده شود. در غیر این صورت شرکت در برابر اشخاص ثالث مشمول مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از صاحبان سرمایه باشد و گرنه شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۷۲۲ - حداقل سرمایه نقدی شرکت با مسئولیت محدود یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال می باشد که در هنگام تأسیس باید تماماً به حساب شرکت در شرف تأسیس پرداخت شود.

ماده ۷۲۳ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای آورده های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۷۲۴ - اشخاص زیر به حبس تعزیری از یک تا سه سال و محرومیت از مدیریت شرکت های تجاری به میزان دو برابر مدت حبس تعیین شده در حکم مربوطه محکوم می شوند:

الف - مؤسسين و مدیرانی که پرداخت تمام آورده نقدی و تقدیم و تسلیم آورده غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند، برخلاف واقع اظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسایل متقلبانه آورده غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ماده ۷۲۵ - مقررات ماده (۶۱۷) ناظر به کاهش سرمایه اجباری و ماده (۶۷۲) راجع به کاهش اختیاری سرمایه شرکت سهامی نسبت به شرکت با مسئولیت محدود نیز اعمال می شود.

ماده ۷۲۶ - تشکیل مجمع عمومی در شرکت با مسئولیت محدود الزامی است مگر در موردی که شمار شرکاء کمتر از سه عضو باشد که در این صورت تشکیل مجمع منوط به

پیش‌بینی در اساسنامه است.

ماده ۷۴۷- در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود با بیش از یک شخص تأسیس شود، لیکن بعداً به هر دلیل تعداد شرکاء به یک شخص کاهش یابد، مدیر یا مدیران مکلفند مراتب را ظرف یک ماه از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم برسانند. هر یک از مدیران که از این تکلیف سرباز زنند، به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۷۴۸- برای تشکیل شرکت با مسئولیت محدود مدارک زیر باید توسط مؤسس یا مؤسسین به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود:

۱- اظهار نامه تشکیل شرکت.

۲- اساسنامه.

۳- صورت‌جلسه انتخاب مدیر یا مدیران و قبول کتبی آنها.

۴- صورت‌جلسه انتخاب بازرس، در صورتی که برای شرکت در اساسنامه انتخاب

بازرس پیش‌بینی شده باشد.

۵- صورت‌جلسه تعیین روزنامه شرکت.

۶- گواهی یکی از بانک‌های محل اقامت شرکت دایر بر واریز تمامی سرمایه مقرر

برای تأسیس شرکت به حساب شرکت در شرف تأسیس.

۷- موافقت سازمان با نهاد ذی‌ربط چنانچه انجام موضوع شرکت نیازمند اخذ چنین

موافقتی باشد.

۸- تصویر مدارک هویت مؤسس یا مؤسسین.

۹- نشانی مؤسس یا مؤسسین.

ماده ۷۴۹- اظهار نامه تشکیل شرکت باید با قید تاریخ به امضای مؤسس یا مؤسسین

رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

- ۱- نام شرکت.
 - ۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسس یا مؤسسين.
 - ۳- موضوع شرکت.
 - ۴- مبلغ کل سرمایه به تفکیک نقد و غیر نقد آن.
 - ۵- میزان آورده مؤسس یا هر یک از مؤسسين و نام بانک و شماره حسابی که وجوه به آن واریز شده است.
 - ۶- میزان سهم الشرکه هر یک از مؤسسين.
 - ۷- مرکز اصلی شرکت.
 - ۸- مدت شرکت.
- ماده ۷۵۰- فعالیت و نحوه اداره شرکت مطابق اساسنامه صورت می گیرد اساسنامه شرکت باید با قید تاریخ به امضاء مؤسس یا مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:
- ۱- نام شرکت.
 - ۲- موضوع شرکت.
 - ۳- مدت شرکت.
 - ۴- مرکز اصلی شرکت.
 - ۵- مبلغ سرمایه شرکت.
 - ۶- مواعد و نحوه تشکیل مجامع.
 - ۷- تعداد مدیران، مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین مدیر و جانشین برای آنها در مواردی که از ادامه کار ناتوان یا ممنوع می شوند.
 - ۸- تعیین حدود اختیارات مدیران.

۹- چنانچه تعیین بازرس برای شرکت مدنظر باشد، مدت مأموریت، نحوه انتخاب بازرس، وظایف و اختیارات آن.

۱۰- چگونگی انحلال اختیاری و تصفیه شرکت.

۱۱- نحوه تغییر اساسنامه.

۱۲- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.

۱۳- تعیین آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم صورت‌های مالی و تسلیم آن به بازرس و مجمع عمومی سالانه.

۱۴- روابط بین شرکاء.

۱۵- نحوه تقسیم منافع.

ماده ۷۵۱- موافقت شرکاء یا مدیران شرکت برای انتقال سهم الشرکه ضرورت ندارد، لیکن شرکاء در خرید سهم الشرکه‌ها در شرایط مساوی نسبت به اشخاص ثالث اولویت دارند. درارتباط با موارد مذکور می‌توان در اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۷۵۲- انتقال سهم الشرکه فقط به موجب سند رسمی به عمل می‌آید، در غیر این صورت انتقال به عمل آمده در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۷۵۳- شرکت موظف است نسخه‌ای از سند رسمی انتقال را به انضمام صورت‌جلسه متضمن تغییر در شرکاء و میزان سهم الشرکه به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال نماید.

ماده ۷۵۴- مرجع ثبت شرکت‌ها نمی‌تواند صورت‌جلسه تغییرات در شرکاء شرکت که به ترتیب مقرر در مواد (۷۵۲) و (۷۵۳) انجام نشده باشد را پذیرفته و آگهی نماید.

ماده ۷۵۵- نحوه دعوت، تشکیل، حدنصاب، رأی‌گیری و اختیارات مجمع عمومی به موجب اساسنامه خواهد بود مگر آنکه مقررات این بخش از قانون ترتیب دیگری

پیش‌بینی کرده باشد.

ماده ۷۵۶ - دعوت از شرکاء از سوی مدیر عامل شرکت در روزنامه شرکت عمل می‌آید، مگر آنکه همه شرکاء با امضاء نسخه دوم دعوتنامه از تاریخ و دستور جلسه آگاهی یابند که در این صورت و نیز در صورتی که همه شرکاء در جلسه حاضر باشند، نشر دعوتنامه در روزنامه شرکت ضرورت ندارد.

تصمیم‌گیری مجمع عمومی شرکاء بدون رعایت تشریفات بالا فاقد اعتبار است.
ماده ۷۵۷ - شرکایی که دست کم یک پنجم سرمایه شرکت را دارا می‌باشند می‌توانند از مدیر عامل بخواهند که برای دعوت از مجمع عمومی یا شرکاء با قید موضوع جلسه، اقدام کند. مدیر عامل باید حداکثر تا بیست روز مجمع یا جلسه مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند، در غیر این صورت درخواست کنندگان می‌توانند خود به دعوت مجمع یا تمامی شرکاء اقدام کنند به شرط آنکه حسب مورد کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع یا دعوت از شرکاء را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود از سوی مدیر عامل تصریح نمایند.

مجمع یا شرکاء دعوت شده می‌توانند منحصرأ در موضوعی تصمیم‌گیری کنند که در تقاضانامه شرکاء فوق ذکر شده است.

ماده ۷۵۸ - در صورتی که کلیه سرمایه متعلق به یک شخص باشد، تشریفات دعوت، تشکیل و رأی‌گیری الزامی نیست. لیکن کلیه تصمیمات باید طی صورتجلسه‌ای به امضای صاحب سرمایه رسیده و در شرکت نگهداری گردد.

ماده ۷۵۹ - فاصله بین آگهی دعوت و تشکیل جلسه حداقل ده روز و حداکثر سی روز خواهد بود.

ماده ۷۶۰ - تصمیم‌گیری در مجمع یا در جلسه شرکاء در تمامی موارد با موافقت

دارندگان بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه پذیرفته می‌شود مگر در موارد زیر که موافقت دارندگان حداقل دوسوم سرمایه ضروری است:

- ۱- تغییر اساسنامه.
 - ۲- کاهش یا افزایش سرمایه شرکت.
 - ۳- انحلال شرکت.
 - ۴- ادغام شرکت.
 - ۵- تبدیل شرکت به نوع دیگری از شرکت‌های تجاری.
- ماده ۷۶۱- هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارند، دارای حق رأی خواهند بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.
- ماده ۷۶۲- در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم‌الشرکه خود کند.
- ماده ۷۶۳- شرکت با مسؤولیت محدود به وسیله یک یا چند مدیر که بایستی شخص حقیقی باشند و از میال شرکاء یا غیر شرکاء تعیین می‌گردند، اداره می‌شود، مدت مدیریت مدیران در اساسنامه مشخص می‌شود.
- ماده ۷۶۴- چنانچه شرکت تنها دارای یک مدیر باشد، مدیر مزبور عنوان مدیرعامل را خواهد داشت.

ماده ۷۶۵- جز در موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص شرکاء است، مدیران شرکت دارای تمامی اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات شرکاء فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث

باطل و بی اثر است.

ماده ۷۶۶- مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود دارای همان وظایف و مشمول همان محدودیت‌ها و مسئولیت‌های مدنی و کیفری مدیران شرکت‌های سهامی خاص هستند.

ماده ۷۶۷- در صورتی که تعداد مدیران شرکت از یک تن بیشتر باشد. بایستی شخص حقیقی را از میان خود یا فرد دیگری را به عنوان مدیر عامل انتخاب و حدود وظایف و اختیارات وی را تعیین نمایند.

ماده ۷۶۸- تقسیم منافع به نسبت سرمایه شرکاء به عمل می‌آید، مگر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد و

ماده ۷۶۹- در صورتی که به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرسی تعیین شده باشد تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیتها و مسئولیت‌های بازرسی در شرکت‌های سهامی شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود. به جز مقرراتی که درخصوص شرکت با مسئولیت محدود در این قانون آمده است.

ماده ۷۷۰- انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود تابع همان مقرراتی است که برای شرکت سهامی پیش‌بینی گردیده است.

ماده ۷۷۱- مرجعی که تصمیم به انحلال شرکت گرفته است برای امور تصفیه شرکت، شخص یا اشخاصی را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می‌نماید.

ماده ۷۷۲- دوره مدیریت مدیران تصفیه شرکت با مسئولیت محدود حداکثر دو سال است، چنانچه تمدید دوره مدیریت لازم باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید ضمن ارائه گزارش توجیهی تمدید مدت مدیریت خود را از شرکاء درخواست نمایند.

تعیین بازرسی برای دوره تصفیه اختیاری می‌باشد مگر آنکه در اساسنامه ترتیب

دیگری مقرر شده باشد. حدود وظایف و مسؤولیت‌های چنین بازرسی تابع مقررات شرکت سهامی خواهد بود.

ماده ۷۷۳- مقررات ماده ۷۰۲ این قانون در خصوص انتقال اموال شرکت‌های سهامی در حال تصفیه، نسبت به شرکت با مسؤولیت محدود در حال تصفیه نیز اعمال می‌شود.

مبحث پانزدهم - شرکت تضامنی

ماده ۷۴۴- شرکت تضامنی شرکتی است که توسط حداقل دو شخص تشکیل می‌شود و در صورتی که دارایی‌هایی برای شرکت برای پرداخت دیون کافی نباشد هر یک از شرکاء متضامناً مسؤول پرداخت تمامی دیون شرکت خواهند بود، هر توافقی میان شرکاء بر خلاف حکم این ماده در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی‌اثر است.

ماده ۷۷۵- شرکت تضامنی دارای نام مخصوصی است که عبارت «شرکت تضامنی» و حداقل نام یکی از شرکاء باید در آن ذکر شود. اگر نام شرکت مشتمل بر اسامی تمامی شرکاء نباشد باید بعد از نام شرکت عبارت «و شرکاء» قید شود.

ماده ۷۷۶- در شرکت تضامنی تقسیم منافع میان شرکاء به نسبت سهم‌الشرکه می‌باشد، مگر آنکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

ماده ۷۷۷- برای تشکیل شرکت تضامنی، سرمایه مقرر در اساسنامه در هنگام تأسیس باید پرداخت شود. چنانچه بخشی از سرمایه به صورت غیر نقدی باشد، آورده غیر نقد بایستی توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی و تسلیم شود.

ماده ۷۷۸- رعایت تشریفات مربوط به تأسیس شرکت با مسؤولیت محدود، در مورد شرکت تضامنی نیز الزامی است مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۷۷۹- در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم‌الشرکه خود را به سایر شرکاء یا به غیر آنان منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۷۸۰- در صورت موافقت شرکاء با انتقال سهم‌الشرکه به شرح ماده (۷۷۹)، مدیرعامل شرکت مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ موافقت، ضمن انتشار مراتب در روزنامه شرکت، صورت‌جلسه انتقال را جهت ثبت و نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کند.

ماده ۷۸۱- مدیرعامل در صورت تخلف از انجام تکلیف مقرر در ماده ۷۸۰ به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۸۲- مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه دیون آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، بستانکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند. هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند به استناد اینکه میزان بدهی‌های شرکت از میزان سرمایه او در شرکت بیشتر می‌باشد، از پرداخت دیون شرکت خودداری ورزد. فقط در رابطه بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در پرداخت بدهی‌های شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است، مشروط بر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.

ماده ۷۸۳- هر کس به عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکاء مسؤول دیونی که شرکت قبل از ورود او داشته، هم خواهد بود اعم از این که در نام شرکت تغییر داده شده یا نشده باشد.

ماده ۷۸۴- هرگاه شرکت تضامنی منحل شود تا زمانی که بدهی‌های شرکت از دارایی آن پرداخت نشده هیچ یک از بستانکاران شخصی شرکاء حقی در دارایی شرکت نخواهد

داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت بدهی‌های آن کافی نباشد، بستانکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا هر یک از شرکاء مطالبه کنند. ولی در این مورد بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

هر توافقی بین شرکاء برخلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی‌اثر خواهد بود.

ماده ۷۸۵ - بستانکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

بستانکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد، می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند مشروط بر آنکه لااقل یک‌صدم و هشتاد روز قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با پرداخت طلب بستانکاران مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۷۸۶ - مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند شریک نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکاران او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید. با این وجود کسی که بستانکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او دریافت نشده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۷۸۷- ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۷۸۸- در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از بستانکاران شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده (۷۸۵) انحلال شرکت را تقاضا کند سایر شرکاء می توانند سهم آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۷۸۹- اگر در نتیجه ضررهای وارده سرمایه شرکت کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده ۷۹۰- جز در موارد فوق، نمی توان هیچ یک از شرکاء را به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده ملزم کرد و یا او را مجبور نمود بیش از آنچه که در اساسنامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

ماده ۷۹۱- نحوه دعوت، تشکیل جلسات حدنصاب و رأی گیری از شرکاء در شرکت تضامنی همانند شرکت با مسئولیت محدود می باشد.

ماده ۷۹۲- در شرکت تضامنی تصمیم در اموری که به موجب این قانون یا اساسنامه شرکت به عهده شرکاء می باشد با موافقت تعداد حداقل دوسوم شرکاء که دست کم به همان میزان دارای سرمایه در شرکت باشند، اتخاذ می گردد، مگر در موارد زیر که حدنصاب های مزبور باید حداقل به سه چهارم برسد:

۱- انحلال شرکت.

۲- تغییر مفاد اساسنامه.

۳- تبدیل شرکت.

تبصره- ادغام شرکت تضامنی در صورت موافقت تمامی شرکاء امکان پذیر است.

ماده ۷۹۳- شرکت تضامنی در موارد زیر منحل می شود:

- ۱- در صورت موافقت همه شرکاء.
 - ۲- در صورت فسخ شرکت توسط هر یک از شرکاء مطابق مواد (۷۹۴) و (۷۹۵).
 - ۳- در صورت ورشکستگی هر یک از شرکاء مطابق ماده (۷۹۶).
 - ۴- در صورت فوت یا حجر هر یک از شرکاء مطابق ماده (۷۹۷).
 - ۵- در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایلی را موجه دانسته، و حکم به انحلال بدهد.
تبصره- هرگاه دلایل انحلال منحصراً مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه میتواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال شرکت حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.
 - ۶- در صورتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد.
 - ۷- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت متفتی شده باشد مگر آنکه مدت مذکور قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
 - ۸- در صورت ورشکستگی شرکت.
 - ۹- در صورت ادغام شرکت در شرکت دیگر.
- ماده ۷۹۴- فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و شریکی که قصد فسخ دارد مراتب را لاقلاً شش ماه قبل به تمامی شرکاء و مدیر عامل شرکت طی اظهارنامه رسمی اعلام نموده باشد.
- اگر مطابق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید.

ماده ۷۹۵- چنانچه سایر شرکاء شریک یا شرکایی را که مایل به فسخ شرکت می باشند از تصمیم خود منصرف نکنند، شرکت با انقضای مهلت شش ماه مقرر در ماده بالا منحل تلقی گردیده و تصفیه می شود.

ماده ۷۹۶- شرکت هنگامی به علت ورشکستگی هر یک از شرکاء منحل می شود که مدیر تصفیه شریک ورشکسته تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور شش ماه گذشته و سایر شرکاء، مدیر تصفیه مزبور را از تصمیم خود منصرف نکرده باشند.

ماده ۷۹۷- در صورت فوت یا حجر هر یک از شرکاء بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی و یا محجور خواهد بود. اگر سایر شرکاء تصمیم به بقای شرکت داشته باشند باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوق مراتب را در روزنامه شرکت درج و به قائم مقام متوفی یا محجور اعلام نمایند. قائم مقام مزبور مکلف است ظرف سه ماه رضایت یا عدم رضایت خود را جع به بقاء شرکت را به شرکاء اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نماید نسبت به فعالیت شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای سه ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۷۹۸- نحوه اداره شرکت، شرایط انتخاب، اختیارات و مسؤولیت های مدیران در شرکت تضامنی، در اساسنامه تعیین می شود، این حکم نمی تواند مسؤولیت تضامنی شرکاء در مقابل اشخاص ثالث را نفی کند.

ماده ۷۹۹- چنانچه به موجب اساسنامه، برای شرکت بازرس تعیین شده باشد، تمامی شرایط لازم جهت انتخاب، وظایف و اختیارات، محدودیت ها و مسؤولیت های بازرس در

شرکت‌های با مسؤلیت محدود شامل چنین بازرسی نیز خواهد بود.
ماده ۸۰۰ - تشریفات و نحوه تصفیه شرکت تضامنی مشمول مقررات تصفیه شرکت‌های با مسؤلیت محدود می‌باشد.

ماده ۸۰۱ - اداره امر تصفیه شرکت تضامنی به وسیله یک یا چند مدیر تصفیه انجام می‌گیرد که از حیث شرایط انتخاب، وظایف، اختیارات محدودیت‌های قانونی و مسؤلیت‌ها، تابع مقررات مدیران تصفیه شرکت‌های با مسؤلیت محدود می‌باشند.
ماده ۸۰۲ - تبدیل شرکت تضامنی به سایر شرکت‌ها ممنوع می‌باشد.

فصل سوم - ادغام و تجزیه شرکت‌ها

ماده ۸۰۳ - ادغام و تجزیه شرکت‌های تجاری، بدون نیاز به تصفیه و با شرایط و تشریفات مقرر در این قانون مجاز می‌باشد.

ماده ۸۰۴ - انتقال و ثبت دارایی‌ها در دفاتر مالی در امر تجزیه و ادغام به ارزش دفتری نیز مجاز می‌باشد.

ماده ۸۰۵ - ادغام شرکت‌های تجاری به دو صورت یک جانبه و دو (یا چند) جانبه امکانپذیر می‌باشد.

ماده ۸۰۶ - ادغام یک جانبه از طریق جذب یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی (به عنوان شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده) در شرکت موجود با حفظ شخصیت حقوقی (با عنوان شرکت پذیرنده ادغام) انجام می‌پذیرد و ادغام دو (یا چند) جانبه از طریق ادغام دو یا چند شرکت ادغام شونده با محو شخصیت حقوقی آنها و ایجاد شرکت جدید صورت می‌پذیرد.

هریک از شرکت های مزبور، شرکت طرف ادغام نامیده می شوند.

ماده ۸۰۷- ادغام شرکت های تجاری در موارد زیر ممنوع است:

۱- ادغام شرکت سهامی عام در شرکت سهامی خاص.

۲- ادغام شرکت سهامی عام در شرکت با مسئولیت محدود.

۳- ادغام شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته

نشده در بورس.

۴- ادغام شرکت سهامی عام پذیرفته نشده در بورس در شرکت سهامی عام پذیرفته

شده در بورس، مگر با رعایت مقررات بورس ادغام شرکت تضامنی در سایر انواع

شرکت های تجاری ممنوع است لیکن ادغام این نوع شرکت در شرکت تضامنی دیگر صرفاً

با موافقت همه شرکاء امکانپذیر است.

ماده ۸۰۸- پس از ثبت ادغام در مرجع ثبت شرکت ها، تمامی دارایی ها، حقوق،

تعهدات، دیون و مطالبات شرکت های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده و یا شرکت جدید

منتقل خواهد شد.

تبصره- با ارائه گواهی ثبت ادغام مراجع ذی ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک

کشور موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام پذیرنده ادغام یا شریک جدید

اقدام کنند.

ماده ۸۰۹- سهامداران یا شرکاء شرکت های موضوع ادغام، به ازاء سهام و سهم الشرکه

خود که مشمول ادغام می باشند، سهام و یا سهم الشرکه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید

را دریافت می دارند.

ماده ۸۱۰- برای ادغام، مدیران شرکت موظفند بدو موافقت کلی مجمع عمومی

عادی فوق العاده در شرکت سهامی یا شرکاء در سایر شرکت ها را با ایده ادغام کسب کنند.

ماده ۸۱۱- در تمامی شرکت‌های طرف ادغام، طرح مشترک ادغام باید به وسیله هیأت مدیره و در شرکت‌هایی که هیأت مدیره پیش‌بینی نشده است، به وسیله مدیرعامل مطابق ماده (۸۱۲) این قانون به مجمع عمومی فوق‌العاده در شرکت‌های سهامی و شرکاء در سایر شرکت‌ها ارائه گردد. هیأت مدیره باید طرح ادغام را همراه با گزارش بازرس در شرکت‌هایی که بازرس در آنها وجود دارد به مجمع ارائه دهد.

ماده ۸۱۲- طرح مشترک ادغام بایستی متضمن جزئیات ادغام به ویژه موارد زیر بوده و به تصویب هیأت مدیره همه شرکت‌های طرف ادغام برسد.

۱- گزارش توجیهی مالی و اقتصادی.

۲- توصیف و ارزیابی دارایی‌ها و تعهداتی که باید به شرکت پذیرنده ادغام منتقل شوند.

۳- تاریخ‌هایی که در آنها شرکت‌های طرف ادغام، صورت‌های مالی مربوط به ادغام را قطعی و تنظیم نموده‌اند.

۴- تعیین بستانکاران و نوع طلب آنها و تفکیک نحوه ایفاء تعهدات شرکت.

۵- تفکیک اوراق مشارکت قابل تبدیل یا غیرقابل تبدیل به سهام.

۶- طرح اساسنامه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها.

۷- نحوه تعویض سهامی که در اثر ادغام، امکان تبدیل آنها نیست.

۸- تبیین شیوه‌های ارزیابی به کاررفته و محاسبه سهام معاوضی.

۹- میزان و نسبت سهام یا سهم‌الشرکه در شرکت جدید یا ادغام پذیر به ازاء سهام یا سهم‌الشرکه سهامداران یا شرکاء و یا دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام در شرکت با شرکت‌های طرف ادغام.

۱۰- تعیین نحوه انتقال و ثبت دارایی‌ها از جمله به روش ارزش روز یا دقتی.
ماده ۸۱۳- پس از موافقت کلی مجمع یا شرکاء با ایده ادغام، تفاهم نامه‌ای متضمن موارد زیر میان مدیران شرکت‌های طرف ادغام مبادله خواهد شد.

۱- شرایط و اصول کلی ادغام.

۲- تعیین مهلت زمانی برای تهیه طرح مشترک ادغام.

۳- تعیین مهلت زمانی برای مطرح ساختن طرح مشترک ادغام در مجمع (مهلت زمانی نباید بیشتر از سه ماه پس از تصویب طرح مشترک ادغام در هیأت مدیره باشد).

ماده ۸۱۴- تصمیم هر یک از شرکت‌های طرف ادغام باید ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب طرح ادغام به منظور اطلاع عموم در روزنامه هر یک از شرکت‌های مزبور آگهی و برای نشر در روزنامه رسمی به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال شود.

ماده ۸۱۵- بستانکارانی که طلب آنها فاقد وثیقه است می‌توانند ظرف دو ماه پس از نشر آگهی ادغام در روزنامه شرکت نسبت به ادغام در مجمع عمومی، اعتراض نمایند. در این صورت شرکت مکلف به جلب رضایت بستانکاران و پرداخت فوری طلب حال شده بستانکاران معترض بوده و چنانچه موعد طلب چنین بستانکاری نرسیده باشد، باید نسبت به تأمین وثیقه کافی مبادرت ورزد و یا رضایت بستانکاران مبنی بر انتقال طلب به شرکت جدید و یا شرکت ادغام‌پذیر را جلب نماید. در غیر این صورت هر یک از بستانکاران فاقد وثیقه می‌تواند از دادگاه تجارتي صدور قرار دستور موقت مبنی بر تأخیر ثبت ادغام تا ارائه وثیقه کافی از سوی شرکت یا جلب رضایت بستانکار را تقاضا کند.

تبصره- در صورتی که بستانکاران و شرکت در قرارداد توافق دیگری کرده باشند طبق توافق عمل خواهد شد.

دادگاه تجارتي مکلف است خارج از نوبت در ماهیت دعوی اتخاذ تصمیم کند در هر

حالت تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی توسط دادگاه تجارتي رسیدگی کننده شرکت های طرف ادغام کماکان با حفظ شخصیت حقوقی به فعالیت ادامه می دهند.

ماده ۸۱۶ - دارندگان اوراق مشارکت مشمول حکم ماده (۸۱۵) می باشند. چنانچه همه یا بخشی از اوراق مزبور، قابل تبدیل به سهام باشند و دارنده آن به طرح ادغام در مهلت مقرر اعتراض نکند کماکان تمامی حقوق ناظر به چنین اوراقی را در مقابل شرکت جدید یا شرکت ادغام پذیر دارا خواهد بود.

ماده ۸۱۷ - شرکت های مشمول ماده ۶۱۷ نمی توانند در سایر شرکت ها ادغام شوند مگر آنکه قبلاً اقدام لازم برای خروج از شرایط ماده مزبور را به عمل آورده باشند.

ماده ۸۱۸ - هیأت مدیره، در شرکت هایی که به موجب این قانون یا اساسنامه خود، دارای هیأت مدیره می باشند و یا مدیرعامل در سایر شرکت ها، مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاریخ تصویب طرح مشترک ادغام توسط آخرین شرکت طرف ادغام و عدم وصول اعتراض یا عدم صدور دستور تأخیر ثبت ادغام از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت ادغام را به همراه مدارک مذکور در ماده (۸۱۲) این قانون به مرجع ثبت شرکت ها ارائه نمایند. مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از شش ماه تجاوز نماید.

ثبت ادغام باید ظرف بیست روز از تاریخ ثبت در روزنامه های شرکت های طرف ادغام منتشر گردد.

ماده ۸۱۹ - در صورت خودداری مدیران از انجام تکالیف مقرر در ماده (۸۱۸) هر ذی نفع می تواند با ارائه مدارک لازم ثبت ادغام را از مرجع ثبت شرکت ها درخواست نماید چنانچه مرجع مزبور به هر دلیلی از ثبت ادغام خودداری نماید متقاضی می تواند الزام مدیران و مرجع ثبت شرکتها را از دادگاه تجارتي صالح درخواست نماید.

ماده ۸۲۰ - تجزیه شرکت به دو صورت انجام می پذیرد:

الف- بخشی از دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود، با حفظ شخصیت حقوقی آن، به منظور تشکیل یک یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد.

ب- دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود، به منظور تشکیل دو یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد و شخصیت حقوقی شرکت موجود محو می‌گردد.

تبصره ۱- انتقال دارایی‌های موضوع این ماده به ارزش دفتری مجاز است.

تبصره ۲- بر اساس طرح تجزیه و با ارائه گواهی ثبت تجزیه شرکت مراجع ذی‌ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک موظفند نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به شرکت‌های ناشی از تجزیه اقدام کنند.

ماده ۸۲۱- هر شرکت تجاری، تنها به شرکت‌هایی از نوع خود تجزیه می‌باشد.

تبصره ۱- تجزیه شرکت تضامنی پس از تصفیه کلیه دیون و تعهدات شرکت و یا جلب رضایت همه بستانکاران و اشخاصی که شرکت در قبال آنها متعهد می‌باشد، مجاز است.

تبصره ۲- شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باید قبل از تجزیه موافقت بورس را برای تجزیه اخذ نمایند.

ماده ۸۲۲- تخصیص سهام یا سهم‌الشرکه شرکت یا شرکت‌های ناشی از تجزیه به نسبت مشارکت سهامداران یا شرکاء در شرکت موجود می‌باشد.

ماده ۸۲۳- مدیران شرکت مکلفند به ارائه طرح تجزیه مشتمل بر موارد زیر می‌باشند:

۱- گزارش توجیهی از دلایل و جهات تجزیه.

۲- گزارش وضعیت فنی، مالی و اقتصادی شرکت قبل و بعد از تجزیه.

۳- تفکیک بستانکاران و نوع طلب آنها و نحوه ايفاء تعهدات شرکت.

۴- نحوه تجزیه دارایی‌ها، تعهدات، سرمایه و وضعیت کارکنان شرکت.

۵- مقطع زمانی که ارقام صورت‌های مالی شرکت مورد تجزیه واقع می‌شود.

۶- چگونگی تجزیه اوراق مشارکت غیر قابل تبدیل به سهام شرکت.

۷- طرح اساسنامه شرکت ناشی از تجزیه اسامی مدیران و اعلام قبولی آنها.

۸- نحوه تجزیه دارایی‌های نامشهود (اعم از ثبت شده و ثبت نشده).

۹- تعیین نحوه انتقال ثبت دارایی‌ها از جمله به روش ارزش روز یا دفتری.

ماده ۸۲۴- تصمیم شرکت به تجزیه، بایستی ظرف مدت پانزده روز از تاریخ تصویب

طرح تجزیه توسط مجمع عمومی فوق‌العاده یا شرکاء به منظور اطلاع عموم در روزنامه

شرکت آگهی شود. بستانکاران و دارندگان اوراق مشارکت می‌توانند ظرف مدت دو ماه پس

از نشر آگهی تجزیه اعتراض خود را به شرکت اعلام نمایند.

ماده ۸۲۵- تجزیه شرکت هایی که اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر

نموده‌اند، قبل تبدیل به اوراق مشارکت به سهام یا تسویه حساب با دارندگان این‌گونه اوراق،

مجاز نمی‌باشد.

ماده ۸۲۶- در صورت وجود بستانکار یا دارنده اوراق مشارکت معترض، مفاد مواد

(۸۱۵) و (۸۱۶) این قانون لازم‌الرعایه می‌باشد.

ماده ۸۲۷- مدیران شرکت مکلفند پس از گذشت حداقل پنج ماه از تاریخ تصویب

طرح تجزیه توسط شرکت و عدم وصول اعتراض و یا عدم صدور دستور تأخیر ثبت تجزیه

از سوی دادگاه تجارتي، درخواست ثبت تجزیه را به همراه مدارک مذکور در ماده (۸۲۳) این

قانون به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه نمایند، مدت مزبور به هیچ عنوان نباید از شش ماه تجاوز

نماید.

ثبت تجزیه باید ظرف بیست روز از تاریخ ثبت در روزنامه‌های شرکت‌های ناشی از

تجزیه منتشر شود.

ماده ۸۲۸- مادام که مراتب تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده (۸۲۷) به ثبت نرسیده باشد، شرکت موجود همچنان شخصیت حقوقی خود را حفظ خواهد نمود.

ماده ۸۲۹- در صورتی که ظرف مدت مقرر درخواست ثبت تجزیه شرکت به شرح مذکور در ماده (۸۲۷) انجام پذیرفته باشد، تمامی اقدامات انجام شده برای انجام امر تجزیه بی اثر است.

ماده ۸۳۰- در صورت تحقق ادغام، یا تجزیه، در صورتی که بر اساس طرح ادغام و یا تجزیه، اموال دارای سند رسمی به شرکت یا شرکت‌های پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید حسب مورد انتقال نیافته باشد، ادارات ثبت املاک و اسناد و سایر مراجع ثبتی ذی ربط نسبت به انتقال اموال مزبور اقدام خواهند کرد.

در صورت نیاز، مدیر یا مدیران شرکت پذیرنده ادغام و یا شرکت جدید، نماینده شرکت‌های موضوع ادغام و یا تجزیه و نیز شرکت‌های پذیرنده ادغام و یا شرکت جدیدی برای امضای اسناد یا ارائه درخواست هستند.

ماده ۸۳۱- به محض تصویب طرح مشترک ادغام و یا طرح تجزیه در مجامع عمومی و شرکاء مربوطه، شرکت در حال ادغام یا در حال تجزیه تلقی می‌شود و باید به دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال ادغام» یا «در حال تجزیه» در مکاتبات و سربرگ شرکت قید شود.

فصل چهارم - مقررات نهایی (متفرقه)

ماده ۸۳۲- شرکت‌های تجاری موجود باید حداکثر ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به تطبیق وضعیت خود با یکی از انواع شرکت‌های تجاری

موضوع باب شرکت‌های تجاری این قانون و یا انحلال اقدام نمایند، در غیراین صورت منحل محسوب شده و هرگونه فعالیت‌هایی به نام چنین شرکتی مشمول عنوان استفاده از مؤسسه موهوم تلقی خواهد شد. در صورت عدم اجرای تکلیف مقرر در این ماده، هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه تجارتی اعلام انحلال شرکت مزبور را درخواست کند.

ماده ۸۳۳ - اتخاذ تصمیم در خصوص تطبیق مقررات اساسنامه شرکت‌های تجاری موجود با مقررات این قانون و یا انحلال شرکت، در مورد شرکت‌هایی که به موجب این قانون و یا مقررات اساسنامه برای آنها مجمع عمومی عادی پیش‌بینی گردیده، با مجمع مزبور و در سایر شرکت‌ها با رأی دارندگان بیش از نیمی از سرمایه معتبر است.

ماده ۸۳۴ - شرکت‌های دولتی و شرکت‌های تعاونی مشمول مقررات این قانون هستند. لیکن در صورت وجود احکام متفاوت دیگری در سایر قوانین، آن احکام بر این‌گونه شرکت‌ها حاکم خواهند بود.

باب هفتم - بازسازی و ورشکستگی

فصل اول - بازسازی

ماده ۸۳۵ - تاجری که توانایی پرداخت دیون خود را ندارد ولی، به تشخیص سازمان بازسازی قادر به ادامه فعالیت تجارتی است مشمول بازسازی قرار می‌گیرد.

ماده ۸۳۶ - مشمولان ماده (۸۳۵) این قانون مکلفند ظرف مدت سسی روز از تاریخ شروع توقف در پرداخت دیون، درخواست رسیدگی به سازمان بازسازی را تسلیم کنند.

ماده ۸۳۷ - هیأت تشخیص با درخواست یکی از اشخاص زیر، درخصوص ناتوانی

تاجر از پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، ظرف یک ماه از تاریخ وصول درخواست، تصمیم می‌گیرد. این مهلت ممکن است تا مدت یک ماه تمدید شود.

۱- شخص تاجر.

۲- طلبکاری که طلب او ناشی از فعالیت تجاری است.

۳- دادستان.

تبصره ۱- بند (۲) شامل مطالبات کارگری، تأمین اجتماعی، استیجاری و مالیاتی ناشی از فعالیت تجاری نیز می‌شود.

تبصره ۲- معیارهای احراز ناتوانی تاجر در پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین شمول بازسازی یا ورشکستگی، مطابق آیین نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت دادگستری و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۳- به درخواست هیأت تشخیص، اشخاص ذی ربط موظفند نسبت به ارائه اطلاعات مربوط به تاجر که برای تصمیم‌گیری لازم است اقدام کنند. چنانچه تاجر اطلاعات لازم را به هیأت تشخیص ارائه نکند یا مبادرت به ارائه اطلاعات غلط به هیأت تشخیص کند، به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

ماده ۸۲۸- هیأت تشخیص مکلف است، پس از تصویب شمول بازسازی، موضوع رابی درنگ در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی کند.

ماده ۸۳۹- هرگاه سند یا اطلاعات موضوع تبصره (۳) ماده (۸۳۷) در ادارات دولتی یا بانک‌ها و شهرداریها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند، موجود باشد

و هیأت تشخیص آن را درخواست کننده اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور هیأت تشخیص را انجام دهد، مگر اینکه ابراز سند یا اطلاعات درخواستی با مصالح سیاسی کشور یا نظام عمومی منافات داشته باشد که، در این صورت، باید موارد با توضیح لازم به هیأت تشخیص اعلام شود. چنانچه هیأت تشخیص قانع نشود باید به نحو مقتضی سند یا اطلاعات به هیأت تشخیص ارایه شود. در صورت امتناع، کسی که مسؤولیت عدم ارایه سند یا اطلاعات متوجه او است، پس از رسیدگی در هیأت تشخیص و احراز تخلف در مرجع صالح به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رییس قوه قضائیه باشد.

تبصره ۲- ادارات دولتی و بانکها و شهر داریها، و سایر مؤسسات یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند ملزم به رعایت مفاد این ماده خواهند بود.

تبصره ۳- چنانچه در موعدی که هیأت تشخیص معین کرده است، متصرف اسناد و مدارک نتواند آن را ارایه کند، باید در پاسخ هیأت تشخیص با ذکر دلیل تأخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام کند.

ماده ۸۴۰- در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات، سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور هیأت تشخیص، اصل سند را به طور مستقیم به هیأت تشخیص می فرستند. فرستادن دفاتر جاری به هیأت تشخیص لازم نیست و رونوشت بخش گواهی شده آن توسط مرجع مذکور کافی است.

ماده ۸۴۱- هیأت تشخیص می تواند امر تحقیق و رسیدگی در خصوص موضوع بازسازی را به کارشناس ارجاع کند.

ماده ۸۴۲- تاجری که هیأت تشخیص وی را مشمول بازسازی دانسته است، باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ اعلام هیأت، طرح بازسازی را با نظارت کمیته ای از نمایندگان

طلبکاران تهیه و برای بررسی و تصویب به هیأت ارایه کند. این مدت یک بار قابل تمدید است.

ماده ۸۴۳- هیأت تشخیص موظف است پس از یک ماه از تاریخ وصول طرح، آن را بررسی کند. مدت مذکور حداکثر ۱۵ روز دیگر قابل تمدید است.

در صورت عدم ارایه طرح بازسازی ظرف مهلت مقرر، هیأت با صدور سند عدم امکان بازسازی، پرونده امر را برای رسیدگی به ورشکستگی تاجر به دادگاه تجارتي می فرستد.

ماده ۸۴۴- هیأت تشخیص پس از دریافت طرح بازسازی و بررسی آن در مهلت مقرر، حسب مورد یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند.

۱- تصویب طرح و ابلاغ آن برای اجرا.

۲- عودت طرح با اعلام موارد برای اصلاح به کمیته موضوع ماده ۸۴۲.

۳- اصلاح طرح و ابلاغ آن برای اجرا.

۴- ارجاع موضوع برای اجرای مقررات ورشکستگی.

تبصره ۱- در صورت عودت طرح برای اصلاح، کمیته فوق موظف است ظرف مدت سی روز طرح اصلاح شده را به هیأت ارایه کند که در این صورت هیأت یکی از تصمیمات بندهای ۱، ۳ و ۴ را انتخاب می کند.

تبصره ۲- هیأت تشخیص مکلف است بر اجرای مصوبات خود، از جمله طرح بازسازی، نظارت کند و در صورتی که در دوره بازسازی تشخیص دهد، طرح توفیقی ندارد، می تواند پرونده را به دادگاه تجارتي برای اخذ تصمیم راجع به ورشکستگی بفرستد. از تاریخ قطعیت صدور حکم ورشکستگی مأموریت سازمان بازسازی در مورد آن تاجر پایان یافته تلقی می شود.

ماده ۸۴۵ - طرح بازسازی باید متضمن موارد زیر باشد.

۱- نحوه ادامه فعالیت.

۲- نحوه مدیریت طرح (شامل مجریان اصلی، چگونگی اجرا و نظارت بر آن).

۳- اسامی طلبکاران و نحوه پرداخت دیون.

۴- فهرست تعهدات و چگونگی ایفاء آنها.

۵- نحوه وصول مطالبات.

۶- دوره بازسازی طرح.

۷- تعیین تکلیف در مورد کارکنان.

۸- میزان منابع لازم و نحوه تأمین آن.

۹- ادغام و تجزیه (برای شرکت‌های تجارتي).

۱۰- اندازه و نوع فعالیت‌ها شامل افزایش، حذف و نوسازی آنها.

۱۱- دارایی‌های مازاد قابل واگذاری و تعیین موارد مصارف و جوه حاصل از آن.

۱۲- اصلاحات لازم در اساسنامه.

۱۳- صورت‌های مالی حسابرسی شده برای شرکت‌ها.

ماده ۸۴۶ - اگر مواردی از اخراج کارگران به جهات اقتصادی در طرح پیش‌بینی شده

باشد، هیأت تشخیص پس از استماع نظر نماینده کارگران می‌تواند طرح را تصویب کند.

طرح بازسازی مصوب هیأت لازم‌الاجرا است.

ماده ۸۴۷ - طرح پس از تصویب، باید در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شود،

در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ آگهی اعتراضی نشود، مندرجات طرح در برابر

اشخاص ذی‌نفع قابل استناد است

ماده ۸۴۸ - دوره بازسازی نباید از سه سال تجاوز کند. این مدت مانع اجرای مقررات

ماده (۸۸۲) این قانون نخواهد بود.

ماده ۸۴۹ - اصلاح و تغییر طرح بازسازی در حین اجرا، با پیشنهاد تاجر، اخذ نظر کمیته طلبکاران، و تصویب هیأت تشخیص و با رعایت مقررات این قانون امکان پذیر است. ماده ۸۵۰ - رأی هیأت تشخیص بر اجرای بازسازی موجب حال شدن دیون مؤجل نمی شود و خسارت تأخیر تادیه را نیز قطع نمی کند.

تبصره - خسارت تأخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام و تعیین می شود. به هر حال خسارت تأخیر و تادیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

ماده ۸۵۱ - تصمیم هیأت تشخیص مبنی بر شروع اجرای بازسازی موجب تعلیق تمامی دعاوی ناشی از فعالیت های تجاری اقامه شده علیه تاجر که منشاء مطالبات آنها قبل از این تاریخ باشد، اعم از اینکه مربوط به محکومیت بدهکار به پرداخت وجه باشد، یا فسخ و ابطال قرارداد به نسبت عدم تادیه مبلغ مورد تعهد، می شود. همچنین کلیه عملیات اجرایی از طرف طلبکاران نسبت به اموال منقول و غیر منقول تاجر را معلق می کند.

مهلت پرداخت مورد توافق قبلی به حالت تعویق در می آید و ترتیب تادیه بدهی مورد توافق بستانکار و بدهکار بی اثر می شود.

ماده ۸۵۲ - تا پایان مهلت اعلام طلب بستانکاران، دعاوی در جریان معلق می ماند. در مورد این دعاوی پس از پایان مهلت اعلام طلب، با حضور نماینده سازمان بازسازی به همراه بستانکار و بدهکار برای تعیین قطعی مبلغ و مسلم شدن طلب به جریان می افتند.

ماده ۸۵۳ - هرگاه تمام یا برخی از اشخاص متعهد یا ضامن سند تجاری به موجب آرای هیأت تشخیص به طور جداگانه در حالت بازسازی قرار گیرند، بستانکار می تواند در هر آیین یا در تمام آنها مبلغ وصول نشده سند را اظهار کند.

ماده ۸۵۴- هیچ یک از مضمولان بازسازی امضاءکننده سند تجارتي یا قائم مقام آنها، نمی تواند پیش از پایان این دوره، برای وجهی که به صاحب چنین طلبی پرداخت می شود، به امضاءکننده مضمول دیگر رجوع کند.

سازمان بازسازی با توجه به امکانات پرداخت مضمولان متضامن، مبلغ سند تجارتي را به نحوی در طرح پرداخت دیون آنها، تقسیم می کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.

ماده ۸۵۵- هرگاه یک یا چند تن از مضمولان متضامن سند تجارتي ورشکسته شوند، مبلغ سند تجارتي یا باقیمانده آن که تأدیه نشده است، فقط در همان آیین یا آیین های ورشکستگی پرداخت می شود و به آیین یا آیین های مضمولان سند مضمول بازسازی تحمیل نمی شود.

سازمان تصفیه امور ورشکستگی مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که دارنده سند بیش از مبلغ آن وجهی دریافت نکند.

ماده ۸۵۶- اگر مضمولان اصلی سند تجاری یعنی براتکش برات فاقد قبولی، متعهد سفته و یا صادرکننده چک مضمول بازسازی نباشند، دارنده موظف است برای وصول مبلغ سند ابتدا به آنها مراجعه کند. در این حالت، دارنده فقط به همان اندازه که وجه سند پرداخت یا تأمین نشده می تواند در طرح بازسازی مسؤل یا مضمولان دیگر سند، اظهار طلب کند، پرداخت سند تجاری در این صورت تابع قواعد مقرر در مواد قبل خواهد بود.

مسؤلی که جزئی از مبلغ سند یا کل آن را می پردازد، مجاز است مطابق مقررات این قانون در آیین های موجود امضاءکنندگان مقدم اظهار طلب کند یا پس از پایان دوره بازسازی اقدام کند.

ماده ۸۵۷- در مورد بازسازی و ورشکستگی اشخاصی که برای پرداخت یک دین

مسئولیت تضامنی دارند، نیز مفاد مواد (۸۵۳)، (۸۵۵)، (۸۵۶) و ذیل ماده (۸۵۴) این قانون رعایت خواهد شد.

ماده ۸۵۸ - اعمال حقوقی بدهکار مشمول بازسازی یا ورشکستگی بعد از شروع توقف پرداخت، بدین شرح، قابل ابطال است:

- ۱- هر نقل و انتقال رایگان راجع به اموال منقول و غیر منقول.
 - ۲- هر معامله معوض ضرری که در آن تعهدات بدهکار به بیش از یک پنجم قیمت زمان معامله از تعهدات طرف مقابل بیشتر باشد.
 - ۳- تأدیه هر دین قابل مطالبه به طریق غیر متداول تجاری.
 - ۴- تأدیه زود هنگام هر دین مؤجل حتی به طریق متداول.
 - ۵- ایجاد رهن یا نوع وثیقه برای تأمین پرداخت طلب مقدم بر آن.
- ماده ۸۵۹ - در صورتی که انتقال رایگان ظرف ۶ ماه از تاریخ توقف پرداخت به عمل آمده باشد، قابل ابطال است.

ماده ۸۶۰ - تأدیه زود هنگام دین از طریق سند تجاری به حقوق دارنده با حسن نیت خدشه‌ای وارد نمی‌کند. در صورتی که انتقال دهنده سند تجاری، با آگاهی از توقف صادر کننده مبادرت به انتقال سند کند، ملزم به بازپرداخت مبلغ تأدیه شده آن است.

ماده ۸۶۱ - اگر در دادگاه تجاری ثابت شود که معامله صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله باطل و عین و منافع موضوع معامله مسترد می‌شود، و اگر طرف معامله به لحاظ پرداخت وجه یا تملیک مالی بستانکار باشد، برابر مقررات بازسازی یا ورشکستگی نسبت به تأدیه آن اقدام خواهد شد.

ماده ۸۶۲ - دعوی ابطال به وسیله سازمان بازسازی و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل طرح در دادگاه تجاری است.

ماده ۸۶۳- اگر قبل از شروع بازسازی یا ورشکستگی تاجر، شخصی اوراق تجارتمی به او داده باشد تا وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد یا به مصرف معینی برساند و وجه اسناد، وصول یا تأدیبه نشده و عین اسناد در حین بازسازی یا ورشکستگی نزد آن شخص موجود باشد، صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند و چنانچه وجه اسناد وصول شده ولی تأدیبه نشده باشد، مسترد می‌شود.

ماده ۸۶۴- کالایی که نزد تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی امانت بوده یا به او داده شده است که به حساب صاحب کالا به فروش برساند، تازمانی که عین آن نزد تاجر یا نزد شخص دیگری که از طرف آن تاجر به امانت یا برای فروش گذارده شده است موجود باشد، قابل استرداد است و چنانچه کالا فروخته شده باشد بهای آن مسترد می‌شود.

ماده ۸۶۵- کالاهایی که تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۸۶۶- هرگاه تمام یا قسمتی از کالایی که برای فروش به تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی داده شده است معامله شده و به گونه‌ای با خریدار احتساب نشده است از طرف صاحب مال قابل استرداد است، اعم از اینکه نزد تاجر مزبور یا خریدار باشد.

ماده ۸۶۷- اگر کالایی که برای تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی حمل شده قبل از وصول از روی صورتحساب یا بارنامه‌ای که دارای امضاء ارسال کننده است، به فروش رسیده و فروش صورتی نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود، والا مطابق ماده ۸۶۴ قابل استرداد است. استرداد کننده باید وجوهی را که به عنوان علی‌الحساب یا مساعده گرفته است، خواه از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره باشد، بپردازد.

ماده ۸۶۸- هرگاه شخصی کالایی را به تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی

فروخته باشد و لیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر تسلیم شده و نه به شخصی دیگر که به حساب او بیاورد، آن شخص می تواند به اندازه ای که وجه آن را نگرفته است از تسلیم کالا امتناع کند.

ماده ۸۶۹- در مورد ماده (۸۶۸) و قسمت اخیر ماده (۸۶۷)، سازمان باسازی، با اجازه هیأت تشخیص و یا سازمان تصفیه امور ورشکستگی، می تواند تسلیم کالا را تقاضا کند ولی باید قیمتی را بین فروشنده و تاجر مشمول باسازی یا ورشکسته مقرر است، احتساب نماید.

ماده ۸۷۰- در صورتی که معامله پیش از شروع باسازی از طریق دادگاه باطل یا به دلیل تحقق شرط مندرج در قرارداد فسخ شود و عین کالا به هر اندازه موجود باشد، قابل استرداد است.

همچنین، هنگامی که حکم به فسخ قرارداد بعد از شروع باسازی یا ورشکستگی صادر شده و دعوی نیز قبل از این تاریخ، به جهتی غیر از پرداخت ثمن، مطرح شده باشد، استرداد کالا قبول می شود.

ماده ۸۷۱- تقاضای استرداد اموال منقول موضوع مواد (۸۶۳) الی (۸۷۰) این قانون فقط ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آگهی باسازی یا ورشکستگی موضوع مواد (۸۳۸) و (۹۴۸) این قانون قابل طرح است.

ماده ۸۷۲- در صورتی که شرکاء ضامن در شرکت تجارتی ورشکسته، به پرداخت دیون بی محل آن برابر مقررات و حکم دادگاه تجارتی اقدام نکنند، هیأت باید برای هر یک طبق مواد ۹۰۰ به بعد این قانون باسازی مالی در نظر بگیرد. در صورت عدم امکان باسازی، دادگاه تجارتی می تواند طبق همین مقررات حکم ورشکستگی آنها را صادر کند.

ماده ۸۷۳- وقتی باسازی یا ورشکستگی تاجر شروع می شود، مقررات مواد بعد

نسبت به مدیران آن اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین نسبت به اشخاص حقیقی نماینده آن اشخاص حقوقی قابل اجرا است.

ماده ۸۷۴- چنانچه به هنگام بازسازی یا ورشکستگی تاجر، معلوم شود کمبود یا عدم کفایت دارایی برای تأدیه دیون، معلول تخلف مدیران و یا اشخاص دیگری بوده است، دادگاه تجار می تواند، به تقاضای هر ذی نفع، مدیران یا آن اشخاص را به پراخت تمام یا بعض کمبود دارایی شخص تاجر به نحو تضامن یا انفرادی یا تسهیم محکوم کند.

ماده ۸۷۵- تعقیب حقوقی مدیران و یا اشخاص مذکور در ماده فوق باید ظرف دو سال از تاریخ تصویب طرح بازسازی یا در صورت صدور سند عدم امکان بازسازی از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به عمل آید.

ماده ۸۷۶- مالی که در اجرای ماده (۸۷۴) این قانون وصول می شود جزء دارایی تاجر مشمول بازسازی یا ورشکستگی منظور شده و در حالت ادامه فعالیت تاجر مطابق شرایط مصرح در طرح بازسازی صرف پرداخت دیون می شود. در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر، این وجوه برای طلبکاران اختصاص می یابد.

ماده ۸۷۷- دادگاه تجار می تواند طبق همین مقررات برای تاجری که طبق ماده (۸۷۴) این قانون محکومیت حاصل کرده، ولی تأمین محکوم به ممکن نشده است، حکم ورشکستگی صادر کند.

ماده ۸۷۸- در صورتی که ادامه فعالیت تاجر اقتضاء کند، هیأت تشخیص در تصمیم خود راجع به تصویب طرح یا اصلاح آن می تواند مقرر کند که برای مدتی معلوم و حداکثر تا خاتمه دوره بازسازی، بدون کسب مجوز از هیأت، اموال مشخصی مقید یا منتقل نشود، یا قابل توقیف نباشد.

ممنوعیت های معاملات اموال غیر منقول و منقول قابل ثبت تاجر، به اداره ثبت اسناد

و املاک یا سایر مراجع ذی ربط برای اقدام مقتضی و به تمامی دفاتر اسناد رسمی برای اطلاع ابلاغ می شود.

ماده ۸۷۹ - معاملات و هر توقیف یا تأمین مغایر مقررات موضوع ماده (۸۷۸) این قانون به تقاضای هر ذی نفع ظرف مدت دو سال از تاریخ انعقاد معامله یا اجرای تأمین حسب مورد قابل ابطال و رفع در دادگاه تجارتي است.

ماده ۸۸۰ - خریداران سهم الشرکه و سهام جدید اعم از شرکاء یا صاحبان سهام سابق یا پذیره نویسان موظفند فوراً تمامی تعهدات خود را در قبال سهام الشرکه یا سهام خریداری شده اجرا کنند. ولی آنها می توانند تا سقف مطالبات مورد قبول و مشمول ارفاق (ابراء و اقساط) در طرح بازسازی در تهاتر استناد کنند. در دوران بازسازی، درج عبارت «شرکت در حال بازسازی» در اعلامیه پذیره نویسی الزامی است.

ماده ۸۸۱ - تاجر در حال بازسازی مکلف است در سربرگها و مکاتبات خود، عنوان «در حال بازسازی» را ذکر کند.

ماده ۸۸۲ - هیأت تشخیص اقساط مورد پذیرش بستانکاران را تنفیذ و موارد ابراء را قید می کند. این برائت ها و اقساط ممکن است در هیأت تشخیص کاهش یابد. برای طلبکاران دیگر، مهلت های یکنواخت پرداخت در نظر گرفته می شود. به استثنای مطالبات مؤجل که وعده های طولانی تر مورد توافق پیش از شروع بازسازی به اعتبار خود باقی می ماند. مهلت های مذکور در این ماده می تواند از طول مدت مورد پیش بینی برای اجرای طرح بیشتر باشد.

ماده ۸۸۳ - طرح ادامه فعالیت می تواند متضمن پیش بینی حق انتخاب بستانکاران در وصول مبلغی کمتر از سقف طلب در برابر سررسیدی به تناسب کوتاه تر باشد. در این صورت، اقساط طلب باید در طول مدت اجرای طرح خاتمه یابد. همچنین، کاهش میزان

طلب نیز فقط پس از پرداخت آخرین قسط در سررسید معین طبق شرایط مذکور در طرح قطعیت می‌یابد.

ماده ۸۸۴ - مطالبات جزئی اشخاص از شخص حقوقی مشمول طرح بازسازی تا سقف یک میلیون ریال، در صورتی که از پنج درصد (۵٪) دیون تشخیص و تصدیق شده تجاوز نکند، بدون ابراء و قسط‌بندی با حق تقدم برای طلبهای نازل‌تر بی‌درنگ قابل پرداخت است. این ترتیب، زمانی که مجموع مطالبات شخص بستانکار بر اثر انتقال حقوق دیگران از یک دهم (۱/۱۰) میزان یاد شده تجاوز کند، قابل اجرا نیست.

تبصره - حدنصاب تعیین شده در این ماده مطابق قاعده کلی سایر حدنصابهای این قانون هر پنج سال مطابق با نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی تعدیل می‌شود.

ماده ۸۸۵ - مطالبات کارکنان از جمله حقوق و مزایای معوقه و نیز مطالبات ناشی از پاداش سنوات و خسارت اخراج در صورتی که کمتر از نود روز حداقل حقوق باشد، بدون ابراء و قسط‌بندی قابل پرداخت است.

ماده ۸۸۶ - درج طلب در فهرست طلبکاران طرح بازسازی، با کسر ابرائات و قبول اقساط به وسیله بستانکار، به معنای پذیرش قطعی طلب است. مطالبات مورد اختلاف، فقط پس از پذیرش قطعی آنها در فهرست بستانکاران، قابل پرداخت است. با وجود این، هیأت تشخیص ممکن است پرداخت قسط طلب مورد اختلاف را به طور کلی و جزئی قبل از قطعیت منظور شدن آن در فهرست، اجازه دهد.

ماده ۸۸۷ - ممکن است مال مرهون را با موافقت صاحب حق و تصویب هیأت تشخیص با مال دیگر که امتیازی معادل به طلبکار می‌دهد، جایگزین کرد.

ماده ۸۸۸ - هر گونه تقسیم سود سهام یا پرداخت آن به سهامداران در دوره بازسازی ممنوع است.

ماده ۸۸۹- اگر تاجر به تعهدات مالی خود ظرف مهلت‌های مقرر در طرح عمل نکند، یک یا چند طلبکار با مجموع حداقل بیست درصد (۲۰٪) کل مطالبات می‌توانند، پس از اعلام سازمان باساز، از هیأت تشخیص اعلام شکست طرح را بخواهند. هیأت تشخیص در صورت پذیرش تقاضای فوق مکلف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به وضعیت تاجر با یکی از طرق زیر اتخاذ تصمیم کند.

۱- واگذاری کلی و یا جزئی بنگاه.

۲- اصلاح طرح باساز.

۳- تغییر مدیران طرح.

۴- صدور سند عدم امکان باساز و درخواست حکم ورشکستگی.

ماده ۸۹۰- واگذاری ممکن است به صورت انتقال تمام یا بخشی از اموال، دارایی و فعالیت‌های تاجر صورت پذیرد. منظور از فعالیت، بخش قابل تفکیک از مجموعه دارایی یا عوامل تولید است که می‌تواند جداگانه بکار گرفته شود تا کالا یا خدمت معینی را ایجاد کند. ماده ۸۹۱- اموالی که در طرح باساز، برای واگذاری یا ادامه فعالیت تعیین تکلیف نشده است، پس از تأیید هیأت تشخیص باید فروخته شود.

ماده ۸۹۲- شرایط و نحوه واگذاری فعالیت‌ها، با اولویت ادامه فعالیت و رعایت غبطه بستانکاران، بر اساس پیشنهاد تاجر و تصویب هیأت تشخیص، تعیین می‌شود. هیأت تشخیص اولویت ادامه فعالیت را در پیشنهادهای واصله بررسی و بهترین پیشنهاد را تأیید می‌کند.

در صورتی که پیشنهادها، از حیث تضمین ادامه فعالیت در شرایط مساوی باشند، پیشنهادی مورد تأیید قرار می‌گیرد که در آن رعایت غبطه بیشتر بستانکاران باشد.

ماده ۸۹۳- در اجرای طرح مصوب هیأت تشخیص، در صورت امتناع شخص

بدهکار، سازمان بازسازی می‌تواند به تنهایی اقدامات لازم از جمله اعضاء کلیه اسناد رسمی انتقال اموال منقول و غیر منقول بنگاه را به منظور تحقق واگذاری، انجام دهد و حضور شخص بدهکار لازم نیست.

ماده ۸۹۴- تا زمانی که اقدامات یاد شده در ماده قبیل پایان نیافته است، سازمان بازسازی می‌تواند به مسؤلیت خود اداره بنگاه مورد واگذاری را به انتقال گیرنده بسپارد، مشروط بر آنکه ابتدا حداقل یک سوم ثمن معامله از طرف خریدار پرداخت شده باشد، تقسیط بقیه ثمن با رعایت مقررات ماده (۸۴۸) این قانون امکان پذیر است.

ماده ۸۹۵- با پرداخت کامل ثمن واگذاری و اجرای کامل ماده (۸۴۸) این قانون و ماده (۸۹۳) این قانون، بازسازی پایان می‌پذیرد. در صورت اجرای واگذاری جزئی، مبالغ دریافتی برای اجرای طرح بازسازی در اختیار شخص بدهکار قرار می‌گیرد. از آن تاریخ، انتقال گیرنده مالک دارایی خالص بنگاه مورد واگذاری، بدون احتساب دیون شخص بدهکار است.

تبصره- در موردی که واگذاری شامل انتقال ابزار، ادوات و تجهیزاتی که تاجر برای آنها تضمین سپرده است، با انتقال آنها، تضمینات مزبور نیز به عهده شخص انتقال گیرنده منتقل می‌شود و وی ملزم به اجرای تعهدات مربوط در سررسیدهای تعیین شده خواهد بود. ماده ۸۹۶- در طرح ادامه فعالیت، نقل و انتقالات سهام یا سهم‌الشرکه شرکاء به استثناء مدیران در شرکت‌های تجاری، طبق مقررات اساسنامه و قانون آزاد است.

ماده ۸۹۷- در صورت عدم پرداخت ثمن طبق شرایط مصرح در پیشنهاد مصوب، هیأت تشخیص می‌تواند، رأساً یا به درخواست سازمان بازسازی یا هر ذی‌نفع و از جمله پیشنهاد دهنده مردود، قرارداد واگذاری را باطل و با همان طرح بازسازی یا با طرحی نوبه پیشنهاد دهنده یا پیشنهاد دهندگان جدید واگذار کند. در این خصوص هیأت ممکن است به

سازمان بازسازی مأموریت جدید بدهد و حدود آن را مشخص کند.

ماده ۸۹۸- تصمیم هیأت تشخیص دایر بر تصویب واگذاری کامل سبب حال شدن دیون مؤجل می‌شود و ثمن واگذاری به وسیله سازمان بازسازی میان بستانکاران با رعایت حق تقدم آنان تقسیم می‌شود. هیأت تشخیص، پس از اقدام لازم برای واگذاری، پایان عملیات انتقال و بازسازی را اعلام می‌دارد.

ماده ۸۹۹- در موردی که واگذاری بنگاه متضمن انتقال اموال مقیدی است، واگذاری با حفظ حقوق بستانکاران اموال با وثیقه انجام می‌شود.

ماده ۹۰۰- بازسازی مالی شامل تاجر حقیقی متوقف از پرداخت دینی می‌شود که پیش‌بینی شود با اعمال بازسازی می‌تواند ظرف دو سال تمام بدهی یا ظرف یکسال سه - چهارم بدهی خود را بپردازد. تاجر باید با ارسال مدارک زیر بازسازی مالی را از هیأت تشخیص درخواست کند.

۱- دفاتر تجاری.

۲- صورت ریزداری و مشخصات کامل و بهای تقریبی آنها.

۳- صورت بستانکاران و بدهکاران با مشخصات کافی و نشانی کامل و میزان طلب و بدهی هر یک از آنان.

۴- صورت و مشخصات اموالی که در وثیقه دیگران است با ذکر اسامی دارندگان و وثیقه.

۵- صورت و مشخصات اموالی که در اجرای تصمیمات قضایی توقیف شده است.

۶- صورت تمامی دعاوی حقوقی و اجراییه‌های صادره له یا علیه درخواست کننده.

۷- گواهی عدم سوء پیشینه درخواست کننده از جهت ارتکاب جرائم سرقت، اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری و جرائم در حکم آن، خیانت در امانت جعل و جرایم در

حکم آن، ورشکستگی به تقلب و تقصیر، تصرف غیر قانونی و جرائم در حکم آن در اموال دولتی و جرائم در حکم آن و عمومی و محرومیت کیفری موضوع ماده (۱۰۰۵) به بعد این قانون.

۸- فهرست تعهدات و نحوه ایفای آنها.

ماده ۹۰۱- هیأت تشخیص در صورتی که کلیه مدارک لازم را در اختیار داشته باشند ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم درخواست با انجام بررسی لازم در خصوص حسابهای اموال، مطالبات و دیون، نسبت به مشمول بازسازی مالی تاجر و چگونگی آن تصمیم می‌گیرد. در صورت عدم امکان بازسازی مالی، هیأت تشخیص می‌تواند موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارتي ارسال کند.

ماده ۹۰۲- هزینه‌های مربوط به چاپ و نشر آگهی، ارجاع امر به کارشناس و سایر هزینه‌هایی که به نظر هیأت تشخیص برای اتخاذ تصمیم درباره شمول بازسازی مالی برای تاجر ضروری است، توسط تاجر پرداخت می‌شود.

ماده ۹۰۳- به منظور انعقاد قرارداد ارفاقی، سازمان بازسازی پس از وصول کلیه مدارک فوق بستانکاران و بدهکار متقاضی را به جلسه‌ای که وقت آن، نباید زاید بر بیست روز از تاریخ نشر آگهی باشد، دعوت می‌کند.

جلسه فوق با حضور عده‌ای از بستانکاران که حداقل نصف بعلاوه یک از شمار بستانکاران و دوسوم مطالبات بدون وثیقه را دارا باشند، تشکیل می‌شود. در صورتی که اخذ تصمیم در جلسه اول مقدور نباشد جلسه دیگری به فاصله ده روز از جلسه اول تعیین می‌شود و روز و ساعت آن حضوراً به شرکت کنندگان در جلسه و به وسیله مقتضی به سایر بستانکاران اعلام می‌شود. بستانکارانی که دارای وثیقه هستند حق رأی ندارند، مگر آنکه از وثیقه خود صرف نظر کنند عدم حضور اکثریت مذکور یا عدم اتخاذ تصمیم به منزله عدم

امکان بازسازی مالی است. هرگاه تصمیمی در جلسه اول یا دوم اتخاذ شود، حتی اگر یکی از بستانکاران فوق با حداکثر یک چهارم مطالبات هم، مخالف باشد، صور تجلسه‌ای از آن ظرف مدت یک هفته به سازمان بازسازی برای اظهار نظر مجدد کلیه مخالفان و بستانکاران غایب اعلان می‌شود.

ماده ۹۰۴ - بستانکاران غایب یا مخالف می‌توانند ظرف مدت یک هفته با تصمیم مزبور موافقت کنند. در صورتی که دارنده یا دارندگان یک چهارم مطالبات مستدلاً نسبت به آن تصمیم معترض باشند، می‌توانند ظرف مدت سه روز از تاریخ فوق اعتراض خود را تسلیم هیأت تشخیص کنند. در صورتی که سازمان مذکور اعتراض یا اعتراضات را موجه تشخیص دهد، با صدور سند عدم امکان بازسازی موضوع را برای تصمیم در خصوص ورشکستگی به دادگاه تجارתי ارسال می‌کند.

ماده ۹۰۵ - از تاریخ پذیرش درخواست بازسازی مالی تا اتخاذ تصمیم توسط هیأت تشخیص، که در هر حال نباید از سه ماه تجاوز نماید، تاجر متقاضی می‌تواند اداره امور مالی و بازرگانی خود را فقط تحت نظر سازمان بازسازی ادامه دهد.

ماده ۹۰۶ - هیأت تشخیص علاوه بر مورد مذکور در ماده (۹۰۰) این قانون، در موارد زیر نیز ضمن رد درخواست بازسازی مالی، سند عدم امکان بازسازی صادر و پرونده امر را به دادگاه تجارתי جهت رسیدگی به امر ورشکستگی ارجاع می‌کند.

۱- در صورتی که درخواست کننده قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده باشد یا نسبت به آن معامله صوری انجام داده یا به وسیله اسناد صوری اموال و مطالبات و دیون خود را به میزانی که حقیقت ندارد، وانمود کرده است.

۲- در صورتی که بستانکاران با اکثریت مذکور در ماده (۹۰۴) این قانون پیشنهادهای راجع به بازسازی مالی را تصویب نکنند.

۳- هرگاه، پس از وصول گزارش سازمان باسازي، محرز شود که درخواست کننده قادر به پرداخت ديون خود به نحو مقرر در ماده (۹۰۰) اين قانون نيست.

۴- هرگاه سازمان باسازي به علت عدم همکاري تاجر درخواست کننده نتواند ظرف مدت مذکور در ماده (۹۰۱) اين قانون اتخاذ تصميم کند.

ماده ۹۰۷ - هرگاه پس از تصديق تصميم اکثريت مذکور در ماده (۹۰۳)، دارنده يا دارندگان بيش از يک پنجم مطالبات، مدعي شوند که صورتحساب‌هاي غيرواقعي مبنای تصميم اکثريت بستانکاران بوده است، مي توانند از هيأت تشخيص درخواست لغو آن را بکنند. هيأت پس از رسيدگي و احراز صحت ادعا، ضمن الغاي تصميم مذکور، سند عدم امکان باسازي صادر مي کند. همچنين موردی که اجرائي تمام يا قسمتي از تصميمات اکثريت معطل بماند.

ماده ۹۰۸ - به منظور نيل به اهداف و اجرائي مقررات باسازي اين قانون، هيأت مرکزي و هيأتهاي استاني تشخيص و همچنين سازمان باسازي و دفاتر نمايندگي استاني آن به شرح مواد زير تشکيل مي شوند.

ماده ۹۰۹ - ترکيب هيأت مرکزي تشخيص به قرار زير است:

- ۱- نماينده وزير بازرگاني به عنوان رئيس هيأت.
- ۲- قاضي شاغل در دادگستري با انتخاب رئيس دادگستري محل.
- ۳- کارشناس امور مالي با انتخاب وزير امور اقتصادي و دارايي.
- ۴- کارشناس روابط کار با انتخاب وزير کار و امور اجتماعي.
- ۵- کارشناس امور صنعتي با انتخاب وزير صنايع و معادن.
- ۶- کارشناس امور بانگي با انتخاب رئيس کل بانک مرکزي.
- ۷- نماينده اتاق صنايع، معادن و بازرگاني ايران و نماينده اتاق تعاون با تصويب هيأت

ریسه اتاق‌های ذی‌ربط که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رأی خواهد داشت.

۸- یک حقوق‌دان آشنا به حقوق بازاری و ورشکستگی به انتخاب وزیر دادگستری.
ماده ۹۱۰- شرایط و دوره انتخاب اعضای هیأت مرکزی تشخیص به شرح زیر است:

۱- داشتن حداقل ده سال سابقه کار مفید.

۲- داشتن حداقل مدرک لیسانس مرتبط.

۳- نداشتن سابقه کیفری مؤثر یا محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب و محکومیت‌های ماده (۱۰۰۵) به بعد این قانون.

۴- دوره تصدی اعضای هیأت چهار سال است و هر منتخب نمی‌تواند در بیش از یک هیأت تشخیص اعم از مرکزی و یا هیأت‌های استانی عضو باشد.

ماده ۹۱۱- هیأت مرکزی تشخیص ضمن اعمال نظارت بر اجرای مقررات بازاری، دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است:

۱- ایجاد رویه واحد در تصمیمات و اقدامات هیأت‌های استانی تشخیص.

۲- نظارت بر حسن اجرای مقررات بازاری این قانون و مصوبات هیأت‌های استانی تشخیص.

۳- نظارت بر عملکرد سازمان بازاری در اجرای تصمیمات هیأت‌های استانی تشخیص.

۴- رسیدگی به تجدید نظر خواهی از آرای هیأت‌های استانی تشخیص.

۵- رسیدگی به امر بازاری تجاری که فعالیت آنها دارای اهمیت ملی است.

تبصره- تعیین ضوابط تشخیص اهمیت ملی بر عهده این هیأت است.

ماده ۹۱۲- تشکیل جلسات هیأت مرکزی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر

مقررات زیر است:

۱- جلسات هیأت توسط رییس آن و در غیاب او، توسط نایب ریسی که با رأی اکثریت اعضا انتخاب شده است، اداره می شود.

۲- جلسه هیأت با حضور حداقل شش نفر از اعضا رسمیت می یابد.

۳- تصمیمات هیأت با رأی حداقل چهار نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است.

۴- در مواردی که تصمیم هیأت تشخیص متضمن آثار قضایی است تصمیم مربوط در صورتی که متضمن نظر مثبت قاضی هیأت باشد، نافذ است. تصمیم مزبور قابل تجدید نظر در دادگاه تجارتی است.

ماده ۹۱۳- در هر استان حداقل یک هیأت تشخیص تشکیل می شود، دوره فعالیت و شرایط انتخاب هیأت های استانی تابع قواعد مربوط به هیأت مرکزی تشخیص است.

ترکیب هیأت استانی تشخیص به قرار زیر است:

۱- نماینده وزارت بازرگانی به انتخاب رییس بازرگانی استان.

۲- قاضی شاغل در دادگستری به انتخاب رییس دادگستری استان.

۳- کارشناس امور مالی با انتخاب رییس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان.

۴- کارشناس روابط کار با انتخاب رییس اداره کل کار و امور اجتماعی استان.

۵- کارشناس امور صنعتی با انتخاب رییس سازمان صنایع و معادن استان.

۶- کارشناس امور بانکی با انتخاب بانک مرکزی.

۷- نماینده اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران و نماینده اتاق تعاون با تصویب هیأت ریسه اتاق های ذی ربط استان که حسب موضوع و وضعیت شخص حقوقی یک نفر حق رأی خواهد داشت.

۸- ریاست هیأت استانی به عهده نماینده سازمان بازرگانی استان است.

ماده ۹۱۴ - تشکیل جلسات هیأت استانی تشخیص و اخذ تصمیمات آن برابر مقررات زیر است:

۱- جلسات هیأت توسط رییس آن و در غیاب او، توسط نایب ریسی که با رأی اکثریت اعضا انتخاب شده است اداره می شود.

۲- جلسه هیأت استانی تشخیص با حضور حداقل پنج نفر از اعضا رسمیت می یابد.

۳- تصمیمات هیأت با رأی چهار نفر از آرای حاضر در جلسه معتبر است.

ماده ۹۱۵ - علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در مواد دیگر این قانون برای هیأت تشخیص تعیین شده است، هیأت تشخیص استانی در حوزه استان خود دارای وظایف و اختیاراتی به شرح زیر است:

۱- اتخاذ تصمیم در خصوص شمول یا عدم شمول بازسازی نسبت به تاجر.

۲- نظارت و هدایت بر مدیریت تاجر در دوران بازسازی.

۳- اعلام ختم دوره بازسازی یا قطع آن و یا ارجاع امر به دادگاه تجاری برای اتخاذ تصمیم در مورد ورشکستگی تاجر.

در صورتی که فعالیت تاجر در یک استان مستقر باشد هیأت تشخیص استان مزبور مرجع رسیدگی به امر بازسازی می باشد و در صورتی که فعالیت تاجر در چند استان مستقر باشد، هیأت مرکزی تشخیص مرجع رسیدگی به امر بازسازی است.

ماده ۹۱۶ - هیأت های استانی تشخیص موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به هیأت مرکزی تشخیص ارسال کنند. در صورتی که ظرف مدت بیست روز، هیأت مرکزی بر آن ایراد نکند قطعی است.

ماده ۹۱۷ - سازمان بازسازی در قالب مؤسسه ای دولتی وابسته به وزارت بازرگانی تشکیل می شود و تشکیلات آن اعم از ستاد مرکزی و دفاتر نمایندگی استانی بر اساس

پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین خواهد شد.

ماده ۹۱۸- ریاست سازمان بازرگانی بر عهده رئیس هیأت مرکزی تشخیص است که به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تأیید هیأت وزیران با حکم وزیر بازرگانی منصوب می‌شود. ریاست دفتر نمایندگی استان نیز بر عهده رئیس هیأت استانی تشخیص است که به معرفی رئیس سازمان بازرگانی استان و تأیید و حکم رئیس سازمان بازرگانی منصوب می‌شود.

ماده ۹۱۹- سازمان بازرگانی، علاوه بر وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده در سایر مواد این قانون، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

- ۱- نظارت بر مدیریت تاجر در چارچوب اجرای طرح بازرگانی یا بازرگانی مالی.
- ۲- نظارت بر اجرای طرح بازرگانی یا بازرگانی مالی تاجر.
- ۳- نظارت بر وصول مطالبات، واگذاری دارایی‌ها تاجر و پرداخت مطالبات بستانکاران بر اساس طرح بازرگانی یا بازرگانی مالی.
- ۴- تحصیل وجوه حاصل از واگذاری‌های جزئی و کلی و تقسیم بین بستانکاران یا اختصاص آن به سایر هزینه‌های پیش‌بینی شده در طرح با اذن هیأت تشخیص به عنوان امین اموال مطابق طرح بازرگانی.
- ۵- اجرای وظایفی که از سوی هیأت تشخیص در اجرای بازرگانی به آن محول می‌شود.

ماده ۹۲۰- دولت اجازه دارد بر اساس پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، مقررات مالی و معاملاتی و استخدامی سازمان بازرگانی دفتر نمایندگی استانی و هیأت‌های تشخیص را بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و قانون استخدامی و سایر مقررات عمومی تصویب و برای

اجرا ابلاغ کند.

ماده ۹۲۱ - حقوق و مزایای مجریان و مدیران تاجر در دوره بازسازی، توسط هیأت تشخیص تعیین می شود.

ماده ۹۲۲ - منع صدور چک، موضوع مواد (۲۳۱) و (۲۳۲) مقررات چک این قانون در خصوص تاجری که با بازسازی وی موافقت شده است، با نظر هیأت تشخیص ممکن است لغو شود.

ماده ۹۲۳ - مدیر تاجر و سازمان بازسازی در دوره بازسازی می توانند اعمالی را که برای اداره امور تاجر یا شرکت در حدود بازسازی لازم است انجام دهند، ولی، به رهن گذاشتن اموال، ارجاع دعاوی به داوری، مصالحه و لغو یا اصلاح قراردادها منوط به تصویب هیأت تشخیص است.

ماده ۹۲۴ - مؤجر نمی تواند به علت عدم پرداخت اجاره بها ظرف مهلت مقرر، قرارداد اجاره را فسخ کند یا حکم تخلیه اموال غیر منقول محل فعالیت تاجر تحت بازسازی را درخواست کند یا از دفترخانه و یا اجرای ثبت، صدور اجراییه تخلیه و وصول اجاره بها را درخواست کند، مگر آنکه مال الاجاره بیش از پنج ماه از تاریخ شروع بازسازی معوق مانده باشد.

ماده ۹۲۵ - هیأت تشخیص می تواند حسب مورد به تاجر یا سازمان بازسازی اجازه دهد که اموال منقول موجود در محل بنگاه را که فاسد شدنی است یا در معرض تنزل غیر متعارف قیمت بوده و یا نگهداری آنها مستلزم صرف هزینه های نامتعارف باشد و فروش آن اموال به اجرای فعالیت اقتصادی تعیین شده در بازسازی لطمه وارد نمی کند و شخص حقوقی را زیر سؤال نمی برد را به فروش رساند.

ماده ۹۲۶ - شروط ضمن عقدی که تجزیه قرارداد را موجب بطلان آن بدانند و نیز

شروطی که در صورت شروع بازسازی امکان فسخ یا ابطال معامله را پیش‌بینی کند، باطل است، قراردادهای کار مشمول مقررات این ماده نیست.

ماده ۹۲۷ - دیونی که پس از شروع بازسازی برای ادامه فعالیت بنگاه برعهده تاجر ایجاد می‌شوند در سررسید قابل تأدیه است. در صورت واگذاری کامل یا حصول ورشکستگی، یا دینی که در دوران ادامه فعالیت به هنگام اجل پرداخت نشده است نسبت به سایر مطالبات در تقدم قرار می‌گیرد.

ماده ۹۲۸ - در دوران بازسازی ترتیب اولویت پرداخت انواع دیون تاجر به شرح زیر

است:

الف - دیون مربوط به دوران بازسازی.

ب - دیون مربوط به قبل از دوران بازسازی (با رعایت ترتیبات مقرر در طرح بازسازی). اولویت در دوران هر یک از بندهای (الف) و (ب) نیز به شرح زیر است:

۱ - مطالبات کارگری.

۲ - مطالبات تأمین اجتماعی.

۳ - اقساط وام‌های اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.

۴ - سایر دیون.

ماده ۹۲۹ - بعد از اعلان شروع بازسازی، هر بستانکار که منشاء طلب او پیش از تاریخ

تحریر این تصمیم باشد طلب خود را متعاقب انتشار آگهی ماده بعدی به سازمان بازسازی اعلام می‌کند.

ماده ۹۳۰ - سازمان بازسازی مکلف است پس از تصویب شروع بازسازی حداکثر

ظرف یک هفته موضوع را در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار آگهی منتشر و نکات زیر را در آن قید کند.

- ۱- تاجر تحت بازسازی، اقامتگاه قانونی و تاریخ شروع بازسازی.
 - ۲- لزوم مراجعه بستانکاران و سایر کسانی که ادعایی دارند به سازمان بازسازی ظرف یک ماه به همراه ارائه اسناد دیون حال شده اعم از وثیقه دار و بدون وثیقه. سازمان بازسازی می تواند این مدت را برای کسانی که در خارج اقامت دارند، یک ماه تمدید کند.
 - ۳- لزوم معرفی بدهکاران دیون حال شده به سازمان بازسازی.
- متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل بیست و پنج (۲۵٪) دین، در دادگاه صالح به نفع تاجر مشمول بازسازی محکوم می شوند به علاوه، دادگاه می تواند در صورت احراز سوء نیت، تاجر متخلف را به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم کند.
- ۴- لزوم معرفی اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر تحت بازسازی را در اختیار آنها قرار دارد، و بنا بر رد آن اموال بوده است به سازمان بازسازی.
- اشخاص مذکور باید ظرف همان مدت سازمان بازسازی را در جریان امر قرار بدهند. تا در نخستین فرصت ممکن، به مورد، رسیدگی و تعیین تکلیف شود. در غیر این صورت به همان مجازات های بند قبل محکوم می شوند.
- آگهی موضوع این ماده در روزنامه دو بار به فاصله ده روز منتشر می شود.
- تبصره- بستانکاری که دعوی او علیه بدهکار در جریان رسیدگی است نیز مکلف به اعلام طلب می باشد.
- ماده ۹۳۱- پس از انقضای موعد مقرر برای ارائه اسناد، سازمان بازسازی با جلب نظر تاجر به مطالبات، رسیدگی و آنها را تصدیق یارد می کند.
- سازمان بازسازی در صورت لزوم می تواند دفاتر تجارتمی بستانکار را ملاحظه کند.
- ماده ۹۳۲- سازمان بازسازی مکلف است پس از انقضای موعد ارائه اسناد موضوع ماده (۹۳۰) این قانون حداکثر ظرف پانزده روز فهرستی از طلبکاران را بدون در نظر گرفتن

امتیاز طلب‌هایی که وثیقه دارند، تهیه کند سپس از طریق آگهی در روزنامه شرکت به اطلاع بستانکاران و کسانی که ادعای حقی نسبت به بدهکار دارند، برساند. همچنین قید بستانکارانی که ادعای آنها مردود شناخته می‌شود، به همراه درج علت آن، در فهرست مذکور ضروری است.

ماده ۹۳۳- شخصی که نسبت به فهرست مذکور اعتراضی داشته باشد، می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی ماده قبل به دادگاه صالح مراجعه کند.

ماده ۹۳۴- اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد، تا قبل از تصویب طرح بازسازی توسط هیأت تشخیص، پذیرفته می‌شود و اگر هزینه‌ای بر اثر این تأخیر پیش آمده باشد بر عهده مدعی طلب است.

ماده ۹۳۵- صورت قطعی مطالبات به انضمام اظهار نظر در نحوه پرداخت آنها بلافاصله به وسیله تاجر بدهکار، مأخذ قرار خواهد گرفت.

ماده ۹۳۶- در مواردی که تصمیم هیأت تشخیص مستلزم تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام یا شرکاء باشد، هیأت مدیره یا مدیر شخص حقوقی موظف به تشکیل مجمع عمومی عادی و یا فوق‌العاده است. در صورتی که به هر دلیل هیأت مدیره یا مدیر شخص حقوقی به تشکیل مجمع اقدام نکند، سازمان بازسازی می‌تواند نسبت به تشکیل مجمع اقدام کند.

ماده ۹۳۷- هیأت تشخیص می‌تواند در خصوص اعطای مهلت برای پرداخت بدهی مالیات یا بدهی به تأمین اجتماعی حداکثر تا سقف دوره بازسازی اقدام کند.

فصل دوم - ورشکستگی

ماده ۹۳۸- اجرای حکم ورشکستگی و امر تصفیه تاجر بر عهده سازمان تصفیه امور

ورشکستگی است. سازمان تصفیه امور ورشکستگی شخص حقیقی یا حقوقی را به عنوان مدیر تصفیه برای انجام این امر تعیین می‌کند.

ماده ۹۳۹ - حکم ورشکستگی فقط به وسیله دادگاه تجارتي و در پی صدور سند عدم امکان بازسازی از طرف هیأت تشخیص صادر می‌شود و به طور موقت به اجرا درآید.

ماده ۹۴۰ - در صورت عدم کفایت پرداخت دیون از محل فروش اموال تاجر، مدیر تصفیه در حد نیاز به طرح دعوی برای ابطال معاملات ضرری و وصول مطالبات و استرداد امانات ورشکسته نزد اشخاص اقدام می‌کند.

ماده ۹۴۱ - معامله‌ای ضرری است که به موجب آن بدهی تاجر بر دارایی او فزونی گیرد به طوری که بستانکاران بی وثیقه نتوانند از محل اموال موجود به تمام طلب‌های خود دست یابند.

ماده ۹۴۲ - از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید شود، ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی شخص ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، سازمان تصفیه امور ورشکستگی قائم مقام قانونی ورشکسته است و حق دارد به این عنوان از اختیارات و حقوق ورشکسته استفاده کند.

تبصره ۱ - از تاریخ ارجاع پرونده تاجر از سوی هیأت تشخیص به دادگاه تجارتي تا صدور حکم راجع به ورشکستگی، مداخله تاجر در اموال خود تنها در چارچوب تعیین شده توسط هیأت تشخیص و با نظارت و تأیید سازمان بازسازی مجاز است.

تبصره ۲ - پیش از صدور حکم ورشکستگی برای تاجری که مشمول بازسازی نباشد دخالت در اموال در حدود مقررات آزاد است. و اگر تاجر مشمول بازسازی باشد، نظارت سازمان بازسازی تا روز صدور حکم و دخالت سازمان تصفیه امور ورشکستگی استمرار

می‌یابد.

ماده ۹۴۳- از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دعاوی راجع به اموال منقول و غیر منقول و همچنین اقدامات اجرایی و تأمینیه علیه ورشکسته به طرفیت سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقامه یا تعقیب می‌شود و مدیر تصفیه به نیابت از سازمان مذکور انجام این امر را به عهده خواهد داشت.

ماده ۹۴۴- تمام اموالی و حقوقی که از تاریخ توقف و به موجب قرار دادگاه به سود طلبکاران تأمین شده است، برای اجرای احکام تصفیه در اختیار سازمان تصفیه امور ورشکستگی قرار خواهد گرفت و هیچ امتیازی برای بستانکاران ایجاد نمی‌کند، مگر در صورت وثیقه‌های عینی اصل طلب.

ماده ۹۴۵- از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دیون مؤجل ورشکسته با رعایت تخفیفات مقتضی به دیون حال تبدیل می‌شود و خسارت تأخیر نیز به دیون تعلق نمی‌گیرد.
ماده ۹۴۶- اگر تاجر مدیر شخص حقوقی ورشکسته به مفاد ماده (۸۳۶) عمل نکرده باشد، و ورشکستگی ناشی از عدم این اعلام باشد دادگاه تجارتي در حکم ورشکستگی، وی را علاوه بر جبران خسارت وارده، به محرومیت از مدیریت شرکت تجارتي به مدت پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۹۴۷- در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی، اموال شخصی شرکاء ضامن به ضمیمه اموال شرکت مهر و موم نمی‌شود، مگر آنکه دادگاه تجارتي حکم کرده باشد.

ماده ۹۴۸- حکم دادگاه تجارتي راجع به ورشکستگی قابل تجدید نظر است.
تجدید نظر خواهی از طرف اصحاب دعوا باید ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ

قانونی و از طرف اشخاص ذی نفع که در ایران مقیم اند باید ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند باید ظرف دو ماه از تاریخ آگهی حکم، انجام شود.

تبصره - دادگاه تجارتي باید ظرف ده روز پس از صدور حکم، مراتب را در روزنامه رسمي و روزنامه شرکت و برای تجار حقيقي در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی کند. ماده ۹۴۹ - علاوه بر جهات موضوع مقررات آيين دادرسی مدنی سایر جهات

درخواست تجديد نظر در مقررات بازسازی و ورشکستگی به قرار زیر است:

۱- ادعای صدور سند عدم امکان بازسازی بدون رعایت مقررات بازسازی.

۲- ادعای سقوط مطالبات تمامی بستانکاران.

ماده ۹۵۰ - در اجرای وظایف قانونی این بخش، سازمان تصفیه امور ورشکستگی، با استفاده از امکانات، اموال و دارایی‌ها و کارکنان اداره تصفیه امور ورشکستگی به صورت مؤسسه دولتی زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. رییس سازمان مزبور با حکم رییس قوه قضاییه منصوب و دارای رتبه قضایی است.

تشکیلات تفصیلی این سازمان با پیشنهاد وزارت دادگستری و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۹۵۱ - سازمان تصفیه امور ورشکستگی در تهران مستقر می‌شود و می‌تواند در مرکز هر استان با توجه به حجم کار و ضرورت امر نسبت به تأسیس واحد استانی اقدام کند. احکام ورشکستگی به سازمان تصفیه امور ورشکستگی ابلاغ می‌شود. در صورتی که در استان واحد استانی وجود داشته باشد، حکم به واحد استانی ابلاغ می‌شود.

ماده ۹۵۲ - حق الزحمه مدیران تصفیه، و سایر هزینه‌های تصفیه ورشکستگی از محل وجوه حاصل از فروش اموال و یا مطالبات تاجر تأمین می‌شود.

ماده ۹۵۳ - موارد رد رییس و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشکستگی و واحدهای

استانی آن و مدیران تصفیه همان است که در رد دادرسان در قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است. در صورتی که کارکنان و یا مدیران تصفیه ایراد را موجه بدانند، رییس، کارکنان یا مدیران دیگری را برای انجام این کار تعیین می‌کند و چنانچه کارکنان یا مدیران ایراد را رد کنند قبول یا رد ایراد با نظر رییس است.

ماده ۹۵۴ - موارد رد مدیر تصفیه، برای مدیران اشخاص حقوقی که به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می‌شوند، نیز جاری می‌باشد. همچنین اشخاص حقوقی که شرکت تابعه، وابسته یا مادر، یا شریک بستانکاران و یا تاجر ورشکسته وی می‌باشند نیز نمی‌توانند مدیر تصفیه تاجر مزبور باشند. همچنین بستانکاران تاجر ورشکسته نیز نمی‌توانند به عنوان مدیر تصفیه انتخاب شوند.

ماده ۹۵۵ - در صورتی که رییس سازمان تصفیه امور ورشکستگی مشمول موارد رد شود، دادگاه تجاری که حکم ورشکستگی را صادر کرده، فرد واجد شرایط دیگری از سازمان تصفیه امور ورشکستگی را برای انجام وظایف وی در رابطه با تصفیه ورشکستگی مورد نظر تعیین می‌کند.

ماده ۹۵۶ - هرگاه مدیر تصفیه و رییس و کارکنان سازمان تصفیه یا ارقاب آنها تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارایی ورشکسته به نفع خود، طرف معامله واقع شوند آن معامله ممنوع و باطل است.

همچنین اگر مدیر تصفیه (شخص حقیقی و حقوقی) شریک یا مدیر اشخاص حقوقی دیگری باشد، و اشخاص حقوقی مزبور طرف معامله واقع شوند، معامله باطل است. حکم فوق نسبت به شخص حقوقی مدیر تصفیه، شرکت‌های مادر، تابعه و وابسته آن و همچنین مدیران شخص حقوقی مدیر تصفیه و ارقاب آنها تا درجه دوم نیز جاری است.

ماده ۹۵۷ - مرجع رسیدگی اعتراض به اقدامات سازمان تصفیه امور ورشکستگی و

مدیر تصفیه دادگاه تجارتمی است که حکم ورشکستگی را صادر کرده است. اعتراض، جریان کار را توقیف نمی‌کند. مگر در مواردی که عمل متضمن وجود زیان باشد، که در این صورت، دادگاه مکلف است فوری و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند.

ماده ۹۵۸ - مدیر تصفیه مکلف است تمامی مستندات مربوط به امر تصفیه را به نحو مضبوطی نگهداری کند.

ماده ۹۵۹ - دادگاه تجارتمی مکلف است نسخه‌ای از حکم ورشکستگی را بلافاصله پس از صدور حکم به سازمان تصفیه امور ورشکستگی و اداره ثبت ارسال کند سپس با درخواست سازمان تصفیه امور ورشکستگی، اطلاعات و مندرجات پرونده را در اختیار آن سازمان قرار دهد.

ماده ۹۶۰ - در صورتی که اموال ورشکسته در حوزه قضایی دیگری واقع باشد و دخالت در آن اموال نیازمند اجازه قضایی باشد، مدیر تصفیه با اخذ نیابت قضایی از مرجع قضایی صادر کننده حکم ورشکستگی برای مرجع قضایی محل وقوع اموال، در خصوص مورد اقدام مقتضی به عمل می‌آورد.

ماده ۹۶۱ - سازمان تصفیه امور ورشکستگی می‌تواند از گمرک جمهوری اسلامی ایران و شرکت پست جمهوری اسلامی ایران بخواهد که در مدت تصفیه، تمامی برگها و بسته‌هایی که به عنوان شخص حقوقی یا حقیقی ورشکسته ارسال می‌شود را برای آن سازمان بفروشد، سازمان مزبور می‌تواند به مدیر تصفیه نیابت بدهد. در این صورت مدیر تصفیه مکلف است هنگام باز کردن پاکتها و بسته‌ها از تاجر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته دعوت به عمل آورد.

ماده ۹۶۲ - ورشکسته و مدیران اشخاص حقوقی ورشکسته و در صورت فوت شخص ورشکسته، وارثان او و تمام اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته

تصرف دارند، مکلفند تمام اموال، اسناد، مدارک و دفاتر مالی ورشکسته را بیدرنگ به سازمان تصفیه امور ورشکستگی معرفی کنند و در اختیار آن سازمان بگذارند. اشخاص مذکور، به غیر از شخص ورشکسته، در صورت تخلف علاوه بر جبران خسارت اموال تلف شده به دو برابر میزان خسارت محکوم می‌شوند. همچنین، در صورت تخلف شخص ورشکسته، وی به محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری به مدت پنج سال پس از اعاده ورشکستگی محکوم می‌شود. سازمان تصفیه امور ورشکستگی، ضمن هشدار لازم به اشخاص، مجازاتی را که برای خودداری آنها معین شده تذکر می‌دهد.

ماده ۹۶۳ - مدیر تصفیه مکلف است با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تازمانی که صورت اموال و دارایی‌های شخص تاجر ورشکسته از جمله انبار، مغازه‌ها، کالا و کارخانجات و غیره... برداشته نشده است، اقدام به بستن و مهر و موم آنها نکند.

تبصره ۱ - چنانچه هنگام صدور حکم ورشکستگی، محصول نیمه ساخته در جریان تولید باشد و مهر و موم موجب ناتمام ماندن تولید و اتلاف منابع بکار رفته و خسارت بستنکاران شود مهر و موم آن بخش از اموال که برای تکمیل تولید ضرورت دارد تا تکمیل تولید به طور موقت به تعویق می‌افتد.

تبصره ۲ - مدیر تصفیه می‌تواند هنگام مهر و موم، در صورتی که کالا فاسد شدنی باشد یا تاریخ مصرف آن بگذرد، کالا را به فروش برساند.

ماده ۹۶۴ - مستثنیات دین در اختیار ورشکسته گذارده می‌شود ولی در صورت اموال قید می‌گردد. مستثنیات دین همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

ماده ۹۶۵ - اموالی که متعلق به اشخاص ثالث است یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهار حقی دارند، در صورت اموال قید شده و مراتب در آن ذکر می‌شود.

ماده ۹۶۶ - مدیر تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیر منقول ورشکسته که مستند به سند رسمی است، تعیین و ضمن صورت اموال قید کند.

ماده ۹۶۷ - فهرستی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او پرسیده می شود که آن را صحیح و کامل می داند یا خیر. پاسخ ورشکسته در فهرست قید شده و به امضای او می رسد، همین ترتیب در خصوص مدیر یا مدیران شخص حقوقی ورشکسته باید رعایت شود.

ماده ۹۶۸ - تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته مکلف است با مدیر تصفیه در امر تصفیه همکاری کند و در صورت اقتضاء مدیر تصفیه می تواند اقدام به احضار او کند و چنانچه جلب یا توقیف یا ممانعت از خروج او از حوزه قضایی یا از کشور لازم باشد، می تواند قرار لازم را از دادگاه تجارتي بخواهد.

قرار توقیف حداکثر یک ماه است و ادامه توقیف ورشکسته منوط به درخواست مدیر تصفیه و به حکم دادگاه به عمل می آید. رفع اثر از موارد فوق، به تقاضای مدیر تصفیه و حکم دادگاه به عمل می آید. ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته نیز می تواند از ادامه محدودیت های خود هر ماه یکبار به دادگاه صادر کننده قرار توقیف، شکایت کند و رفع آن را بخواهد.

مدیر تصفیه، با تأیید عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی، باید نفقه تاجر ورشکسته و افراد تحت تکفل او را از اموال ورشکسته بپردازد.

ماده ۹۶۹ - هرگاه مدیر تصفیه تشخیص بدهد که تاجر ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین ندارد یا شخص حقوقی ورشکسته فاقد اموال باشد، مراتب را به منظور یک توبت آگهی در روزنامه ای کثیرالانتشار، به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام می کند. اگر بستانکاران یا بعضی از آنان درخواست اجراء مقررات ورشکستگی را ظرف مدت ده

روز نکنند و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی پایان می پذیرد. در این مورد هزینه آگهی از محل اعتبار سازمان تصفیه امور ورشکستگی تأمین خواهد شد.

ماده ۹۷۰- اگر به تشخیص مدیر تصفیه، حاصل فروش اموالی که فهرست آنها برداشته شده برای پرداخت هزینه تصفیه به روش عادی کافی نباشد، مدیر تصفیه اقدام به تصفیه اختصاری به ترتیب زیر می کند، مگر اینکه بستانکاری درخواست کند که کار طبق مقررات تصفیه عادی جریان پیدا کند و هزینه آن را قبلاً بدهد.

در مورد تصفیه اختصاری، سازمان تصفیه امور ورشکستگی آگهی می کند که ظرف سی روز هر کس هر گونه ادعایی دارد بکند سپس به ترتیبی که منافع بستانکاران اقتضاء می کند، بدون رعایت تشریفات قانونی، اموال را می فروشد و حاصل فروش را بین آنان تقسیم می کند و ختم عمل تصفیه را اعلام می دارد.

ماده ۹۷۱- با صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه تجارتي، مدیر تصفیه مکلف است مراتب زیر را علاوه بر روزنامه رسمی، حسب مورد برای اشخاص حقوقی دو بار در روزنامه شرکت و برای تاجر حقیقی دو بار در روزنامه کثیرالانتشار آگهی کند. فاصله زمانی بین دو آگهی باید ده روز باشد و نسخه ای از آن برای بستانکاران ارسال شود. آگهی باید دربردارنده موارد زیر باشد:

۱- مشخصات و اقامتگاه ورشکسته و تاریخ حکم ورشکستگی.

۲- اخطار به بستانکاران و مدعیان بر این که، ادعای خود را ظرف دو ماه از تاریخ درج دومین آگهی در روزنامه شرکت یا روزنامه کثیرالانتشار به مدیر تصفیه اعلام کنند و اسناد خود (اصل یا رونوشت گواهی) را به مدیر تصفیه تسلیم دارند. مدیر تصفیه می تواند این مدت را برای کسانی که در خارج از کشور اقامت دارند، به مدت یک ماه دیگر تمدید کند.

۳- اخطار به متعهدان و بدهکاران به ورشکسته پس از تاریخ اجرای طرح بازسازی

که ظرف مدت مذکور، بدهی یا تعهد خود را اعلام کنند. متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) ارزش تعهد یا دین محکوم خواهند شد.

۴- اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال تاجر ورشکسته در نزد آنها است که آن اموال را ظرف مدت فوق‌الذکر در اختیار مدیر تصفیه بگذارند، وگرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد.

۵- تعیین تاریخ و دعوت برای اولین جلسه بستانکاران که حداقل بیست روز و حداکثر سی روز پس از درج اولین آگهی تشکیل خواهد شد.

تبصره- تکالیفی که در اجرای آنها تأخیر شده، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد، در اسرع وقت و در دوران تصفیه ورشکستگی باید انجام شود.

ماده ۹۷۲- اولین جلسه بستانکاران به ریاست مدیر تصفیه و با حضور عضو ناظر سازمان تصفیه، به منظور ارائه گزارش راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به شخص ورشکسته، تشکیل می‌شود.

ماده ۹۷۳- مدیر تصفیه نسبت به اموالی که نسبت به آن ادعایی وجود دارد تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند و اگر آنها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن می‌کند، وگرنه بیست روز به آنها مهلت می‌دهد که در دادگاه تجارتي اقامه دعوا کنند. کسی که ظرف بیست روز به دادگاه رجوع نکند دیگر دعوای او در جریان تصفیه و به منظور شرکت در آن شنیده نمی‌شود.

ماده ۹۷۴- مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر نسبت به اشیایی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است برابر مقررات مواد ۸۶۱ به بعد این قانون راجع به استرداد اموال و همچنین مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. این تصمیم ظرف مدت ده روز بدون تشریفات دادرسی قابل تجدید نظر در دادگاه تجارتي

است.

ماده ۹۷۵ - پس از انقضای مدت مقرر برای ارائه اسناد، مدیر تصفیه نظر ورشکسته یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته را در صورتی که در دسترس او باشد، کسب خواهد کرد و نسبت به تصدیق یا رد آن اقدام می‌کند. مدیر تصفیه مکلف است به پذیرش آن اظهارات نیست.

ماده ۹۷۶ - در صورتی که مدیر تصفیه برای رسیدگی نیاز به دفاتر بستانکار داشته باشد، بستانکار مکلف به ابراز دفاتر است.

ماده ۹۷۷ - مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه دارد باید در صورت طلب طبقه بندی شده بستانکاران منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

ماده ۹۷۸ - پس از انقضای موعد ابراز اسناد، مدیر تصفیه ظرف مدت بیست روز به طلب‌های ادعا شده رسیدگی می‌کند و به تهیه صورت طبقه بندی شده بستانکاران، با قید حق رهن یا حق رجحان مبادرت می‌ورزد.

بستانکارانی که مردود شده‌اند نیز با ذکر دلیل رد، ضمن این صورت قید می‌شوند.

ماده ۹۷۹ - مدیر تصفیه موظف است تنظیم صورت و نحوه رسیدگی به آن را از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران و مدعیان حق برساند و امکان دسترسی به آن را فراهم سازد و ظرف یک ماه به بستانکاران و مدعیان حق ابلاغ کند.

ماده ۹۸۰ - هر کس نسبت به صورت تنظیم شده توسط مدیر تصفیه اعتراض داشته باشد پس از ابلاغ دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی، حق اقامه دعوا دارد.

اگر معترض ادعا کند که طلب او بی مورد رد شده یا کسر گردیده یا حق رهن یا رجحان او منظور نشده است، دعوا بر مدیر تصفیه اقامه می‌شود و اگر طلب یا حق شخصی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوا مشترکاً بر آن شخص و مدیر تصفیه اقامه

خواهد شد و در صورتی که دعوا به نتیجه برسد و حکم به رد طلبی صادر شود، سهمی که به آن تخصیص داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص می‌یابد و بقیه بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد.

ماده ۹۸۱ - اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شده است، در صورتی که عذر موجهی در بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است. اگر مدیر تصفیه سندی را که ابراز شده بپذیرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌کند و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می‌سازد.

ماده ۹۸۲ - مدیر تصفیه مکلف است پس از رسیدگی به مطالبات، از بستانکارانی که تمام یا بخشی از طلب آنها قبول شده است و نیز از شخص ورشکسته، برای تشکیل جلسه‌ای دعوت به عمل آورد و گزارش کاملی نسبت به وضع دارایی و مطالبات شخص ورشکسته بدهد و نظر تاجر یا مدیر شخص حقوقی ورشکسته و بستانکاران را برای حسن اجرای امر تصفیه استماع و در صورت مجلس ذکر کند، ولی جز در موارد صلح و صرف نظر کردن از دعاوی، تصمیم یا خود مدیر تصفیه است.

ماده ۹۸۳ - اموال تاجر ورشکسته منحصرأ از طریق مزایده فروخته می‌شود در موارد زیر ممکن است به طریقی غیر از مزایده، اقدام به فروش اموال کرد.

۱- اگر بستانکارانی که حداقل نصف به علاوه یک از شمار بستانکاران و دارندگان دو سوم مطالبات تشخیص و تصدیق شده هستند، به ترتیب دیگری رضایت بدهند.

۲- وقتی که مال در بورس یا در بازار قیمت معینی دارد. ولی، اموال مورد وثیقه را نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت و در هر حال رضایت بستانکارانی که نسبت به آنها دارای حق وثیقه هستند، باید جلب شود.

تبصره - خرید اموال تاجر ورشکسته خارج از مزایده توسط هر یک از بستانکاران، تنها پس از تأیید مدیر تصفیه و نماینده سازمان تصفیه امور ورشکستگی قابل تنفیذ است.
ماده ۹۸۴ - نحوه مزایده اموال جز در مواردی که در این قانون به نحو دیگری مقرر شده است تابع قانون اجرای احکام مدنی است.

ماده ۹۸۵ - بستانکارانی که حداقل دوسوم از شمار بستانکاران و سه چهارم مطالبات را دارا باشند، می توانند از دعوی صرف نظر کنند.

هر بستانکاری می تواند درخواست کند که آن دعوای او واگذار شود. در این مورد عواید حاصل فروش مالی که از این راه به دست می آید در حدود طلبی که دارد به درخواست کننده تعلق گرفته و مازاد آن به سایر بستانکاران متعلق خواهد بود.

ماده ۹۸۶ - وقتی پول حاصل از فروش یا وصول مطالبات در دسترس مدیر تصفیه قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی شد، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی تنظیم خواهد کرد، سپس با لحاظ هزینه های قانونی مربوط به امر تصفیه، صورت تقسیم و حساب نهایی را تهیه و ظرف مدت ده روز در اختیار بستانکاران قرار می دهد و مراتب را به اطلاع آنها می رساند. همچنین، مدیر تصفیه باید خلاصه ای از صورت مربوط به سهم طلب هر یک از بستانکاران را برای آنها ارسال کند.

ماده ۹۸۷ - پس از پایان مدت ده روز، مدیر تصفیه مبادرت به پرداخت سهم طلب هر یک از بستانکاران می کند. بستانکاری که کاملاً به حق خود می رسد باید سند طلب خود را به مدیر تصفیه تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخت شود، مراتب در سند قید می شود. در مورد فروش اموال غیر منقول، اقدامات لازم در دفتر ثبت اسناد و املاک از طرف مدیر تصفیه به عمل می آید. اگر طلبی معلق باشد یا به اقساط باید تأدیه شود، سهم ویژه آن در صندوق دادگستری گذاشته می شود. پس از پرداخت سهمیه ها، مدیر تصفیه به هر یک از

بستانکارانی که تمام حقوق آنها تأدیه نشده است، سند عدم کفایت دارایی می دهد. چنین بستانکاری فقط در مورد ملائت تاجر ورشکسته می تواند به موجب این سند بقیه طلب خود را ادعا کند.

ماده ۹۸۸ - تقسیم موقت سهم طلب پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۹۸۶ انجام می شود. برای بستانکارانی که در صورت نیامده اند سند عدم کفایت دارایی صادر می شود.

ماده ۹۸۹ - بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار دارند.

طلب هایی که دارای وثیقه نیستند و همچنین باقیمانده طلب های با وثیقه که تمام آنها از فروش وثیقه پرداخت نشده است، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم نامه حاصل از فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می شود.

طبقه اول:

الف - اجرت خدمه، خانه در سال آخر قبل از حکم ورشکستگی.

ب - حقوق خدمتگذاران تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از حکم ورشکستگی.

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مدت سه ماه قبل از حکم ورشکستگی.

طبقه دوم:

الف - نفقه زن مطابق ماده، ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان پنجاه میلیون ریال مشروط بر آنکه از دواج حداقل پنجسال قبل از حکم ورشکستگی واقع شده باشد. مازاد مهریه در زمره دیون عادی است.

طبقه سوم: سایر بستانکاران.

ماده ۹۹۰- مدیر تصفیه پس از تقسیم وجوه حاصل از فروش اموال و مطالبات، پایان عملیات تصفیه ورشکستگی را علاوه بر روزنامه رسمی در مورد اشخاص حقوقی در روزنامه شرکت و برای تاجر حقیقی در روزنامه کثیرالانتشار اعلام می‌کند. هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی، اموال یا طلبی متعلق به ورشکسته کشف شود مدیر تصفیه آنها را در اختیار می‌گیرد و وجوه حاصل از فروش را بی هیچ تشریفات تا میزان مطالبات تصدیق شده بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهم طلب‌هایی که به دلیل مشکوک بودن طلب ایداع شده و بعد تصرف در آنها شده است به همین ترتیب اقدام می‌شود.

ماده ۹۹۱- بستانکاران به محض اعلام ختم بازسازی یا ختم تصفیه ورشکستگی تاجر خواه طلب خود را در مهلت مقرر اعلام کرده یا نکرده باشند، می‌توانند دعاوی خود را بروی مطرح کنند.

ماده ۹۹۲- مدیران تصفیه موظفند پس از پایان تصفیه مراتب را همراه با انضمام گزارش کار خود به سازمان تصفیه امور ورشکستگی اعلام و اجازه اعلان و انتشار پایان عملیات تصفیه را تقاضا کنند تأیید سازمان تصفیه امور ورشکستگی به منزله مفاصاحساب مدیر تصفیه است.

ماده ۹۹۳- مدیر تصفیه موظف است ظرف مدت هجده ماه از تاریخ ابلاغ حکم ورشکستگی به سازمان تصفیه امور ورشکستگی، تصفیه را انجام دهد، ولی، به هنگام ضرورت دادگاه تجارتي می‌تواند این مدت را تمدید کند.

ماده ۹۹۴- در صورت تأخیر در امر تصفیه، هر ذی‌نفع می‌تواند از سازمان تصفیه امور ورشکستگی تعویض مدیر تصفیه را درخواست کند.

ماده ۹۹۵- پس از صدور حکم ورشکستگی، اموال، حقوق و وجوهی که به وسیله اجرای دادگاه‌ها، ثبت و سایر ادارات و بانک‌ها، پس از تاریخ صدور سند عدم امکان

بازسازی، از ورشکسته بازداشت یا برداشت شده باید به مدیر تصفیه ایی که تعیین می شود تحویل شود و در اختیار او قرار گیرد.

ماده ۹۹۶ - حداکثر پس از شش ماه از تصویب این قانون، نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان تصفیه امور ورشکستگی باید به تصویب هیأت وزیران برسد.

ماده ۹۹۷ - سه ماه بعد از تعیین نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت مدیران تصفیه، نظام حق الزحمه آنان نیز متناسب با نظام رتبه بندی و تعیین صلاحیت با پیشنهاد سازمان تصفیه امور ورشکستگی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۹۹۸ - مدیر تصفیه مکلف است هر سه ماه یک بار صورت و وصولی ها از جمله عواید حاصل از فروش اموال و مطالبات تاجر ورشکسته و صورت پرداخت مطالبات بستانکاران را تهیه و به سازمان تصفیه امور ورشکستگی ارائه کند.

ماده ۹۹۹ - در مواردی که، بنا به تشخیص سازمان تصفیه امور ورشکستگی، امکان تأمین هزینه های تصفیه از محل وجوه حاصل از فروش اموال یا وصول مطالبات تاجر ورشکسته میسر نباشد، سازمان تصفیه امور ورشکستگی مجاز به تأمین آن هزینه از محل بودجه خود خواهد بود. مدیر تصفیه مکلف است معادل آن را از محل وصول مطالبات یا فروش اموال تاجر به خزانه واریز کند.

ماده ۱۰۰۰ - مدیر تصفیه از بین اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی که دارای شرایط زیر باشند، انتخاب می شود:

۱- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته های مالی، مدیریت، اقتصاد، حقوق یا رشته تخصصی فعالیت تاجر.

تبصره- در صورتی که مدیر دارای پانزده سال سابقه مدیریت یا تجارت باشد از داشتن مدرک کارشناسی مستثنی است و حداقل تحصیلات برای وی کاردانی است.

۲- دارا بودن حداقل ده سال سابقه کار مفید و مرتبط برای اشخاص با مدرک کارشناسی و پانزده سال برای دیپلم.

۳- نداشتن سوء شهرت تجاری.

۴- نداشتن محکومیت کیفری مؤثر.

۵- نداشتن محرومیت از حقوق اجتماعی.

تبصره- در مورد اشخاص حقوقی، مدیران آن باید دارای شرایط مقرر در این ماده باشند.

ماده ۱۰۰۱- در مزایده اموال تاجر ورشکسته مقررات مربوط به موعد فروش، آگهی فروش، تعیین قیمت اموال، انتخاب خریدار، پرداخت بهای اموال، انتقال اموال خریدار، تنظیم صورت جلسه فروش، امضاء اسناد تابع احکام مواد ۱۱۷ الی ۱۹۹، ماده ۱۲۲، مواد ۱۲۴ الی ۱۲۹، مواد ۱۳۴ الی ۱۴۳ و ماده ۱۴۵ قانون اجرای احکام مدنی می باشد.

تکالیف و اختیارات پیش بینی شده برای مالک، مأمور اجرا و یا محکوم علیه در موارد فوق بر عهده مدیر تصفیه و تکلیف و اختیارات پیش بینی شده برای دادگاه بر عهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی می باشد.

ماده ۱۰۰۲- در صورتی که هر یک از بستانکاران یا شخص بدهکار نسبت به نحوه انجام وظیفه مدیر تصفیه حقوقی معترض باشند، می توانند اعتراض خود را به سازمان تصفیه امور ورشکستگی تسلیم کنند. سازمان مزبور ظرف مدت ده روز در مورد این تقاضا رسیدگی و نسبت به ابقاء یا تعویض مدیر تصمیم خواهد گرفت. این تصمیم در مهلت ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجارتی است.

فصل سوم - مقررات جزایی

ماده ۱۰۰۳ - مفاد این باب پس از توقف از پرداخت دین، در مورد اشخاص زیر قابل

اجرا است:

- ۱- تاجر و افرادی که قانوناً در حکم تاجر می‌باشند.
- ۲- مدیران شرکت‌های تجاری.
- ۳- اشخاص حقیقی که به عنوان عضو هیأت مدیره (نماینده‌گی) شخص حقوقی دیگر در شرکت‌های تجاری را دارند.

۴- مدیر تصفیه.

۵- عضو ناظر سازمان تصفیه امور ورشکستگی.

۶- بازرس شرکت تجاری.

ماده ۱۰۰۴ - مجازات‌های موضوع این باب عبارتند از:

۱- محرومیت از حقوق اجتماعی.

۲- جزای نقدی.

۳- حبس.

ماده ۱۰۰۵ - منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این قانون، منع محکوم

از مدیریت و بازرسی شرکت‌های تجاری و اشتغال به هر نوع فعالیت تجاری است. دادگاه

می‌تواند حسب مورد به محرومیت از یک یا چند موضوع در امور زیر نیز حکم دهد.

۱- عضویت در کمیسیون‌ها و هیأت‌های حل اختلاف.

۲- وکالت دادگستری (کانون وکلا یا مرکز مشاوران حقوقی).

- ۳- تصدی دفاتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق و دفتر یاری.
- ۴- کارشناسی رسمی دادگستری (کانون کارشناسان یا مرکز مشاوران حقوقی).
- ۵- کارگزاری بورس اوراق بهادار.
- ۶- عضویت در کلیه انجمن‌ها، شوراهای جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.
- ۷- عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء.
- ۸- مدیریت در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و تابع و وابسته به آنها، شهرداری‌ها، مؤسسات، ادارات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، اشتغال به مشاغل قضایی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی.
- ۹- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.
- ۱۰- استفاده از نشان‌ها و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.
- ۱۱- مسئولیت دفتر خدمات گواهی الکترونیکی و دفتر ثبت گواهی الکترونیکی.
- ۱۲- ثبت هر نوع شرکت تجاری که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام آن را داشته باشند.
- ۱۳- مشاغل حسابرسی.
- ۱۴- مدیر مسؤول روزنامه.
- ماده ۱۰۰۶ - دادگاه تجارتمی هر تاجر حقیقی را که پس از تاریخ توقف مرتکب یکی از اعمال زیر شده باشد به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده (۱۰۰۵) این قانون به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهد کرد.
- ۱- هرگاه تاجر به فعالیت متقلبانه برخلاف منافع بستانکاران اقدام کند.
- ۲- از میان بردن کامل یا جزئی اسناد مالی یا عدم انعکاس معامله‌ی که ثبت آن لازم

بوده است.

۳- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال یا افزایش متقلبانه دیون.

۴- معامله یا فعالیتی که با سوءنیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین

شود.

ماده ۱۰۰۷- دادگاه تجارتي پس از توقف از پرداخت دین، مدیران شرکت و یا

اشخاصی دیگر که مرتکب یکی از اعمال مشروحه زیر شده باشند را به محرومیت از حقوق

اجتماعی موضوع ماده (۱۰۰۵) این قانون به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهد کرد.

۱- انجام فعالیت تجارتي در جهت منافع شخصی و به نام شخص حقوقی.

۲- استفاده غیر مجاز از اموال یا اعتبارات شخص حقوقی بر خلاف منافع آن و برای

مقاصد خود یا شخص دیگر، هر چند خود نفع در آن نداشته باشد.

۳- مخدوش کردن، از بین بردن و پنهان کردن اسناد مالی و دفاتر تجاری که به موجب

قوانین و مقررات نگهداری آنها الزامی است.

۴- پنهان کردن یا از میان بردن تمام یا بخشی از اموال شخص حقوقی یا افزایش

متقلبانه دیون آن.

معامله یا فعالیتی که با سوءنیت انجام پذیرد و منجر به توقف از پرداخت دین شده

است.

ماده ۱۰۰۸- محرومان از حقوق اجتماعی موضوع این فصل از قانون، هرگاه به

اموری بپردازند که به حکم دادگاه از آن ممنوع شده‌اند، به محرومیت از حقوق اجتماعی تا

دو برابر مدت پیشین و جزای نقدی از دو‌ست میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال محکوم

می‌شوند.

ماده ۱۰۰۹- در موضوع مواد (۱۰۰۶) الی (۱۰۰۸)، دادگاه به درخواست سازمان

بازسازی یا نماینده بستانکاران یا دادستان یا نماینده کارگران یا مقام مسؤول سازمان تصفیه امور ورشکستگی اقدام به رسیدگی و اخذ تصمیم می‌کند.

ماده ۱۰۱۰ - حق رأی مدیران محکوم به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده (۱۰۰۵) در مجامع عمومی اشخاص حقوقی موضوع بازسازی به درخواست سازمان بازسازی و توسط نماینده منتخب هیأت تشخیص اعلام می‌شود.

ماده ۱۰۱۱ - دادگاه تجارتي می‌تواند با اعلام پایان امر تصفیه ورشکستگی، در صورت تأدیه دیون، حکم به رفع تمام یا بخشی از ممنوعیت‌های ناشی از محرومیت از حقوق اجتماعی بدهد.

اسقاط حقوق، ممانعت‌های قانونی، عدم اهلیت احراز مشاغل دولتی انتخابی به خودی خود با انقضاء مدت محرومیت مرتفع می‌شوند. همچنین اگر محکوم علیه مساعی کافی برای پرداخت بدهی‌ها داشته باشد، می‌تواند رفع بخشی از موارد اسقاط حقوق و عدم اهلیت را پیش از پایان مدت تقاضا کند.

ماده ۱۰۱۲ - دادگاه می‌تواند اشخاصی را به موجب مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷، به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی از صد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا دو میلیارد (۲ ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال یا یکی از آن دو محکوم کند.

ماده ۱۰۱۳ - دادگاه تجارتي به شرکت و معاونت در جرایم موضوع این باب رسیدگی می‌کند، هر چند متهم شریک یا معاون تاجر یا مدیر شخص حقوقی تاجر نباشد. مجازات شریک، همان مجازات مجرم اصلی است و معاون به حداقل مجازات مقرر برای جرم اصلی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰۱۴ - این اشخاص به مجازات حبس از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می‌شوند.

۱- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا اشخاص دیگری که طی دوره بازسازی بر خلاف طرح بازسازی اموال تاجر را مقید کند. یا تمام یا بخشی از مطالبات مقدم بر طرح بازسازی را بپردازد.

۲- هر تاجر یا مدیر شخص حقوقی یا شخص دیگری که بر خلاف نحوه پرداخت دیون پیش‌بینی شده در طرح بازسازی، دینی را بپردازد یا در اموال بر خلاف طرح بازسازی در دوره بازسازی مداخله کند.

۳- هر شخص که آگاهانه در دوره بازسازی با تاجر مشمول بازسازی معامله‌ای که با طرح بازسازی مغایرت داشته باشد، انجام دهد.

ماده ۱۰۱۵ - اشخاصی که با سوءنیت به نام خود یا به نام شخص دیگری در دوران بازسازی یا ورشکستگی طلب غیر واقعی اعلام کنند، به مجازات حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل صد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۰۱۶ - دادگاه تجارته رسیدگی کننده باید درخصوص استرداد تمامی اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیأت بستانکاران، حکم بدهد، هر چند متهم تبرئه شده باشد. دادگاه تجارته در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید این حکم را صادر کند.

صدور حکم در مورد زیان احتمالی مستلزم تقدیم دادخواست به دادگاه تجارته است.

ماده ۱۰۱۷ - اعضای هیأت تشخیص، مدیران تصفیه، ناظر عضو سازمان ورشکستگی، بازرس شرکت، کارکنان سازمان بازسازی و کارکنان سازمان تصفیه امور ورشکستگی، در صورت ارتکاب یکی از اعمال زیر، به مجازات حبس از دو ماه تا دو سال و جزای نقدی از سی میلیون ریال تا سه و نیم میلیارد ریال یا یکی از آن دو محکوم می‌شوند:

۱- اقدام آگاهانه علیه منافع تاجر یا بستانکاران از طریق سوء استفاده شخصی از مبالغ موجود در اجرای وظایف محوله، یا در نظر گرفتن منافی برای خویش.

۲- سوء استفاده از اختیارات قانونی خلاف منافع تاجر یا بستانکاران.
انجام معامله مستقیم یا غیر مستقیم. دادگاه تجارتي ابطال معامله مورد نظر را نیز اعلام می‌دارد و نسبت به ضرر ناشی از آن در صورت مطالبه حکم می‌دهد.

ماده ۱۰۱۸- اشخاصی که پس از شروع دوران بازسازی و یا ورشکستگی در اثر تبانی به هر نحو یا تاجر یا با هر شخصی موجب ضرر بستانکاران یا تاجر شده و یا منافع ویژه‌ای به نفع خود ایجاد کنند علاوه بر جبران خسارت وارده، به جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال و به محرومیت اجتماعی موضوع ماده (۱۰۰۵) این قانون نیز محکوم خواهند شد.

ماده ۱۰۱۹- جرائم مذکور در مواد ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۸ پس از گذشت دو سال از پایان دوره بازسازی یا تصفیه ورشکستگی قابل شکایت نیست.

ماده ۱۰۲۰- دادگاه تجارتي به جرائم موضوع این باب بر حسب درخواست مدیر تصفیه، هیأت تشخیص، سازمان بازسازی، سازمان تصفیه امور ورشکستگی یا هر یک از بستانکاران یا تعقیب دادستان دستور رسیدگی صادر می‌کند.

ماده ۱۰۲۱- سازمان تصفیه امور ورشکستگی می‌تواند اسناد و مدارک لازم را از سازمان بازسازی یا هر مقام رسمی و غیر رسمی دیگر مطالبه کند.

ماده ۱۰۲۲- هر حکم قطعی محکومیت، که در اجرای مقررات این باب صادر می‌شود، به خرج محکوم در روزنامه رسمی و برای شرکت‌ها در روزنامه شرکت نیز اعلان می‌شود.

ماده ۱۰۲۳- سازمان بازسازی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی، مکلفند اطلاعات

زیر را به صورت رایانه‌ای، روزآمد و متمرکز ثبت و ضبط کنند و به درخواست مراجع قانونی در اختیار آنها قرار دهند.

۱- اطلاعات راجع به اشخاص مشمول بازسازی و ورشکستگی.

۲- احکام صادر از دادگاهها در خصوص آن اشخاص.

۳- احکام راجع به سایر جرایم مذکور در این قانون.

تبصره ۱- ارائه اطلاعات مذکور به سایر اشخاص که هنگام معامله، خواستار بررسی درجه اعتبار طرف قرارداد می‌باشند، به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- دادگاه‌های تجاری مکلفند یک نسخه از احکام موضوع این ماده را برای ضبط اطلاعات به سازمان‌های بازسازی و تصفیه امور ورشکستگی ارسال کنند.

ماده ۱۰۲۴- مسؤولانی که در زمان مقرر به وظیفه خود عمل نکنند یا اطلاعات خلاف واقع ارائه کنند علاوه بر مجازات‌های اداری به حکم دادگاه به پرداخت جریمه از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهند شد.

باب هشتم - مقررات تکمیلی

ماده ۱۰۲۵- نصاب‌های ریالی پیش‌بینی شده در این قانون از جمله در خصوص حداقل سرمایه برای تأسیس شرکت‌ها و همچنین مبالغ جزایهای نقدی پیش‌بینی شده، هر پنج سال یک بار، متناسب با نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، با پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیأت وزیران تجدید می‌شود.

ماده ۱۰۲۶ - مقررات جزایی این قانون نافذی مقررات جزایی پیش‌بینی شده در سایر قوانین نمی‌باشد.

ماده ۱۰۲۷ - رسیدگی به دعاوی موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه تجارتي است. قوه قضاییه مکلف است لایحه مربوط به آیین دادرسی مخصوص این دادگاه را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون ارائه دهد.

تا تشکیل دادگاه تجارتي، دعاوی موضوع این قانون در شعب یا شعبه‌هایی که برای رسیدگی به این دعاوی تخصیص می‌یابد، رسیدگی خواهد شد.

ماده ۱۰۲۸ - از تاریخ تصویب این قانون، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷، و تمامی اصلاحات و الحاقات آنها، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸، آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، آیین‌نامه درآمد صندوق الف و صندوق ب مصوب سال ۱۳۱۹، نظام‌نامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱، قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور مصوب سال ۱۳۴۳، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶، قانون صدور چک و اصلاحات آن، قانون ثبت شرکت‌ها و سایر قوانین و مقررات مغایر با آن نسخ می‌شوند.

وزیر بازرگانی

رئیس جمهور

سوابق جداگانه به چاپ رسیده است.